

نگاهی به:

# ترکمنچای



تألیف:

سعید حسین‌چی قره‌آغاچ

# نگاهی به : ترکمنچای

تألیف :

حسین حسینچی قره آغاج

اسفند ماه ۱۳۶۶



## شناختنامه کتاب

نام کتاب : نگاهی به ترکمن چای

نام مولف : حسین حسینچی قره آغاج

ناشر : مولف

قیمت : ۱۳۵۰ ریال

تیراز : ۴۰۰۰ جلد

قطع : وزیری

لیتوگرافی : سازمان چاپ هادی، تبریز

چاپ : ...

چاپ دوم : زمستان ۶۹

حق چاپ محفوظ و مخصوص مولف می باشد

تصویر روی جلد : نخستین بروخورد پاسکیویچ با عباس میرزا در دهخوارتان

( ۱۲۴۳ - ۲۹ ربیع الثانی ۱۸۲۷ )

## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱۶-۹	وضعیت جغرافیائی و طرز معيشت در ترکمنچای
۱۸-۱۷	وجه تجمیعیه ترکمنچای
۲۶-۱۹	سیما و شکل خانه در ترکمنچای
۳۴-۴۲	کشاورزی سنتی و آداب آن
۴۱-۴۹	دامداری سنتی
۴۳-۴۲	پزشکی عامیانه دامها
۴۴-۴۳	علل رکود کشاورزی در ترکمنچای
۵۷-۴۴	سنن همسرگزینی در ترکمنچای
۵۸-۵۷	دختران دم بخت
۵۹-۵۸	اعتقادات درباره زنان نازا
۶۰-۵۹	ویار و بلورهای مربوط به آن
۶۱-۶۰	پیشگوئی درباره پسر و یا دختر بودن بچه
۶۲-۶۱	مرحله زایمان و باورهای مردم درباره آن
۶۲	باورها و سنن درباره جفت و ناف بچه
۶۴-۶۲	سنن و باورها از روز تولد نوزاد تا روز دهم
۶۴	مراسم حمام بردن زائو
۶۵-۶۴	مراسم نامگذاری

صفحه	عنوان
۶۶-۶۵	شیرها
۶۶	از شیر گرفتن بچه
۶۷-۶۶	دندان در آوردن بچه
۶۹-۶۷	مراسم ختنه کردن کودکان
۷۲-۶۹	سیستم خانواده در ترکمنچای
۷۳-۷۲	علل از هم پاشیدن خانواده در ترکمنچای
۷۶-۷۳	اصطلاح‌های خطاب در ترکمنچای
۷۶	انواع ازدواج در ترکمنچای
۷۹-۸۷	تقسیم کار در بین افراد خانواده بر حسب جنس و سن
۸۴-۷۹	روابط اهل خانه با یکدیگر
۸۶-۸۵	روابط همسایگان با یکدیگر
۸۷-۸۶	اقامت
۹۰-۸۷	معتقدات مردم ترکمنچای
۹۳-۹۰	پژوهشکی عامیانه
۹۶-۹۳	مراسم مرگ و میر در ترکمنچای
۹۸-۹۶	۱- مراسم غسل و کفن در ترکمنچای
۱۰۱-۹۸	۲- اولی یهمه‌ئی
۱۰۲-۱۰۱	۳- مراسم «ای لهشمہ»
۱۰۳-۱۰۲	۴- مراسم برگزاری چله میت
۱۰۴-۱۰۳	الف - اموال منقول
۱۰۴	ب - اموال غیر منقول
۱۰۶-۱۰۵	مراسم عزاداری سید الشهداء عليه السلام
۱۰۷-۱۰۶	ترقیب عزاداری
۱۰۷	مراسم جشنها و اعیاد
۱۱۲-۱۰۷	۱- چهارشنبه سوری

## حروفات لاتینی که در متن استعمال شده

ت *T*  
 ا *A*  
 ب *B*  
 پ *P*  
 ت - ط *T*  
 آی *Ay*  
 ا *A*  
 ج *J*  
 چ *Ch*  
 ه - ه *H*  
 خ *X*  
 د *D*  
 ر *R*  
 ذ - ذ - ظ - ض *Z*  
 س - س - ص *S*  
 ش *Sh*  
 او - ع *Ou*  
 ق - گ *G*  
 غ *G*  
 ف *F*  
 ک *K*  
 ل *L*  
 ن *N*  
 و *W*  
 ی *Y*

## حروفات لاتینی که در متن استعمال شده‌اند

ت *T*  
 ا *A*  
 ب *B*  
 پ *P*  
 ت - ط *T*  
 آی *Ay*  
 ا *A*  
 ج *J*  
 چ *Ch*  
 ه - ه *H*  
 خ *X*  
 د *D*  
 ر *R*  
 ذ - ذ - ظ - ض *Z*  
 ث - س - ص *S*  
 ش *Sh*  
 او - ع *Ou*  
 غ - ق - گ *G*  
 ف *F*  
 ک *K*  
 ل *L*  
 ن *N*  
 و *W*  
 ی *Y*

صفحه	عنوان
۱۱۵-۱۱۲	- مراسم نوروز
۱۱۶-۱۱۵	- مراسم عید قربان
۱۱۸-۱۱۶	صنايع دستی
۱۱۸	پوشاك محلی مردم ترکمنچاي
۱۱۹-۱۱۸	الف - پوشاك مردان
۱۱۹	ب - پوشاك زنان
۱۲۰	اوزان و مقادير
۱۲۰	الف - اندازه‌گيري وزن
۱۲۱	ب - واحد طول
۱۲۱	ج - واحد سطح
۱۲۲-۱۲۱	ضرب المثلها
۱۲۴-۱۲۳	چيستانها
۱۴۴-۱۲۵	باياتي‌ها
۱۶۵-۱۲۵	عهدنامه ترکمنچاي

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

با توفيق خداوند منان نخستين چاپ کتاب «نگاهي به ترکمن چاي» که در پیشروي پژوهشگران قرار ميگيرد تحقيق و بررسى آن در سال ۱۳۵۷ بنشويف و ترغيب جناب آفای رحيميان مدير کل وقت اداره کل فرهنگ و هنر آذربايجانشرقي آغاز گردید.

جاي بسي خوشوقتی و اميدواری است که سطور مندرج اين کتاب که موضوع آن معيشت و آداب و رسوم جامعه روستائي ترکمن چاي می باشد مورد پسند خوانندگان قرار گيرد و از اينکه بسي نقصان در امر تحرير اين کتاب بدست اين ناچيز رقم زده شده نادideh انگارند و آنرا از ضعف بنية دانش اينجانب قلمداد نموده پوزش بجاي را پذيرند.

مردم شناسان و محققان مردم شناسی فرهنگي «ائنو لوزى»<sup>۱</sup> جملگى براین عقیده اند که استقلال و حیثیت هر جامعه بخاطر علائق و ایمان به آب و خاک و فرهنگ مادي و معنوی سر زمین خود بستگی دارد. بنابراین اجتماعات بشر هستی خود را مديون حرکات و رفتار متقابل افراد و تشکيلات اجتماعي می باشند. بطور يكه ميدانيم هیچ جامعه بشري عاري از فرهنگ نیست بلکه فرهنگ هر قوم هر قدر هم ساده باشد

دارای یک سلسله ارزش‌های مادی و معنوی می‌باشد.

بسیاری از سیاستهای استعماری کوشیدند که در مستعمرات خود حس میهن پرستی و دلبستگی به قومیت، سنن، آداب و رسوم ملتها را دگرگون نمایند و آنان را از مظاهر مادی و معنوی خود بیگانه‌سازند و به استعمارشان بکشانند و در این راه نمی‌توانند پیشرفتی حاصل کنند، مگر فرهنگ ملتی را که در قالب مادی و معنوی خلاصه می‌شود تخریب نمایند و قالب‌های فرهنگی خود را جایگزین سازند.

در خاتمه اردوستان دانشمند خود که در امر تحریر این کتاب مرا یاری نموده‌اند آقای بیژن سرتیپ زاده، آقای سید جمال ترابی طباطبائی، آقای میرابی قدردانی بعمل می‌آورم.

بالاخص مدیر کل دانشمند مرکز مردم‌شناسی آقای شریعت‌زاده که مرا در امر چاپ این کتاب تشویق نمودند تشکر می‌نمایم.

حسین حسینچی قره‌آغاج

امضتند ماه ۱۳۶۴

## وضعیت جغرافیائی و طرز همیشت در ترکمانچای

«ترکمان (ت ک) (اخ) یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان میانه که از شمال محدود است به شهرستان سراب و از جنوب به بخش مرکزی و از خاور به بخش ترک و بستان‌آباد شهرستان تبریز . این بخش عموماً کوهستانی و سردسیر و دارای آب و هوای سالم است . قراء آن همه در دره‌های ارتفاعات بزکش واقع است و آب این بخش از رودخانه‌های کوچک محلی بزرگی ایشلیق و النجارت، تأمین می‌گردد . راه شوسه تبریز از دهستان تیرچائی و بروانان این بخش می‌گذرد و بغیر از دهات ایشلیق، کلاله، خواجه‌ده، اومنق و ترکمان که دارای راه ماشین رو تسطیح شده می‌باشدند . و دیگر آبادیهای واقع در کنار شوسه، بقیه دهات آن دارای راه مالرو است و خط آهن میانه براغه از جنوب دهستان اوچتبه بخش عبور می‌نماید تقسیمات اداری بخش بشرح زیر است :

دهستان تیرچائی ۴۲ آبادی ۱۷۲۳۹ تن سکنه

بروانا « ۲۸ » ۲۵۶۱۶

اوچتبه « ۵۸ » ۱۶۲۴۳

---

جمع ۱۲۰ آبادی با ۵۹۰۸۹۰ تن سکنه<sup>۱</sup>

«ترکمان (ت ک) (اخ) قصبه از دهستان بروانان است که در بخش ترکمان

---

۱- (از فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۴).

شهرستان میانه و ۳۳ هزارگزی شمال باختری میانه و ۳ هزارگزی شوسته میانه تبریز قرار دارد . مرکز بخش دارای پست بهداری ، شعبه تلفن و دبستان است مختصات جغرافیائی آن بقرار زیر است عرض ۳۷ درجه و ۳۶ دقیقه و ۴۱ ثانیه ارتفاع از سطح دریا تقریباً ۱۶۰۰ گز و اختلاف ساعت آن با تهران ۲۰ دقیقه یعنی ساعت ۱۲ ترکمان برابر با ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه تهران است و ۲۷۵۱ تن سکنه دارد . عهدنامه مشهور ترکمانچای بین ایران و روس در این محل بسته شد . کوهستانی و معتدل است . آب آن از چشمه و رود ترکمان (ترکمانچای) و محصول آنجا غله و نخود سیاه و شغل اهالی زراعت و گله داری است راه شوسته دارد »<sup>۱</sup> .

ترکمانچای (تک) (عهدنامه) (اخ) در اوخر سال ۱۲۴۱ ه . ق . (۱۸۲۸م) قشون روس علی رغم عهدنامه گلستان که بر اساس آن بیش از نیمی از سرزمین قفقاز را در تصرف خود درآورده بود با حمله ناگهانی بطرف ایران سرازیر شدند و لشکریان ایران با همه کوشش عباس میرزا نایب السلطنه نتوانست در مقابل هجوم اشغالگران پایداری نماید و بشکست مجدد ایران و عهدنامه‌ای که سنگین تراز عهدنامه گلستان بود منجر گردید . این عهدنامه که در فریه ترکمانچای منعقد گردید، بهمین نام مشهور شد و بموجب آن بقیه خاک قفقاز تا ساحل ارس بدولت روس تسلیم گردید . بموجب همین عهدنامه انحصار کشتی رانی در دریای مازندران و حق قضاؤت کنسولی در داخل ایران بدولت روس تفویض شد و تحملات سنگین دیگری بدولت وارد گردید . و رجوع آن بر مراتب البلدان ج ۱ ص ۴۱۰ و عهدنامه ترکمانچای شود»<sup>۲</sup> .

بخش ترکمانچای در محوطه سبز و خرمی قرار گرفته و رو دخانه‌ای بهمین نام از سرتاسر آن میگذرد و حدود آن از شمال بدھکده‌های ورزقان «Varzgân» ورنکش «Varnkes» از مشرق بدھکده خواجه غیاث «Xâja giyâs» و از جنوب

---

۱ - دهخدا .

۲ - لغت نامه دهخدا .

به کمکهای کوهسالار، ارنجق «Uruncag»، و کورده «Kardadeh» و از غرب به کمکهای مهماندوست و غریب دوست منتهی می‌شود اطراف بخش ترکمنچای را کوههای کم ارتفاعی احاطه کرده که اکثرًا مراتع دامها و محل کشت گندم وجو را تشکیل میدهند رودخانه کوچک ترکمنچای که از مرکز بخش می‌گذرد از محل شروع زمینهای شمالی آن سرچشمہ گرفته و تا منتها لیه زمینهای آن را آبیاری کرده در حالیکه با چشمehای آبادی یکی می‌شود، به رودخانه شاهروд «شهر چائی» پیوسته پس از مخلوط با رودخانه قزل اوزن به بحر خزر می‌ریزد.

مردم ترکمنچای عموماً با گله‌داری و کشت گندم وجو و صیفی کاری روزگار می‌گذرانند. بطوریکه در زمینهای پست آبگیر و حاشیه رودخانه صیفی جات و یونجه و در زمینهای مرتفع که آبگیر نیستند گندم وجو می‌کارند ترکمنچایها مسلمان و شیعه مذهبند و به زبان آذربایجانی گفتگو می‌کنند. عموماً فارسی هم میدانند و هر وقت لازم بدانند می‌توانند بفارسی نیز صحبت می‌کنند. مگر عده‌ای محدودی که اصلاً فارسی بلد نیستند.

مراوده مردم ترکمنچای با شهر میانه است و به تبریز، تهران، رشت و تعدادی از شهرهای مازندران برای کار کردن در رفت و آمدند. بنا بقول اکثر روستائیان کارگران ترکمنچای در سدسازی مهارت زیاد داشته و اغلب سدهاییکه در نقاط مختلف ایران ساخته می‌شود حداقل چند نفر کارگر ترکمنچائی در ساختن آن شرکت می‌نمایند.

مردم ترکمنچای مایحتاج بیشتر خود را از شهرهای بزرگ که در ارتباطند تهیه می‌کنند ولی احتیاجات اولیه آنها در خود بخش تأمین می‌شود. آداب و رسومی را که در گذشته در زندگی آنها در آمیخته بود بتدریج به بوته فراموشی می‌سپارند و علایق نو جای گزین آنها می‌شود. مثلاً همانند اکثر نقاط ایران رسم احترام با شخصی بزرگتر و غیر بومی بحد زیاد رعایت می‌شد. ولی امروزه این رسم نه تنها منسوخ گشته بلکه چند جوان روستائی بسهوالت یک پیر مرد شصت و یا هفتاد ساله را

در قهوه‌خانه<sup>۱</sup> که محفل عمومی است مورد تمثیر قرار میدهدند.

ترکمن‌چائیها بعضیًّا خشن و نسبت به افراد بیگانه در اولین برخورد خود را بی‌تفاوت نشان میدهند مگر پس از مدتی معاشرت اعتماد لازم را نسبت باو بلعث آورند که عامل عمدۀ آنرا مردم از تأثیر عهده‌نامه ترکمن‌چای و رفتار حکام آذربایجان با مردم میدانند. زیرا واضح است که در اغلب لشکر کشی‌ها به غرب کشور برخی

---

۱- هنگام مبادله اجناس محفل قهوه‌خانه خیلی تماشائی بود. روستاییان باصفا و پاکی باطن اجناس را بیکدیگر می‌فروختند و خیر می‌دیدند. حتی در موارد لازم از حق خودشان نیز مقداری چشم پوشی می‌کردند. که شاید این عمل جزء شروط یک معامله‌گر صدقی بود. زیرا اخلاق و رسومات موجود در روستا به شخص اجازه نمیداد که در معامله سخت‌گیری نماید. در قهوه‌خانه‌ها واسطه‌هایی حاضر بودند که در ارزانی جنس مؤثر واقع می‌شدند. بدلیل اینکه ایشان قیمت اجنه‌اس را در حد اعتدال نگه میداشتند و حقی نیز از این بابت دریافت نمی‌کردند. این واسطه‌ها خودشان از کشاورزی و دامداری امرار معاش می‌نمودند. در اکثر دهات قهوه‌چی خودش نقش یک واسطه ایفا می‌کرد که تنها سود او از فروش چند عدد چائی تأمین می‌شد. در این قهوه‌خانه‌ها روستاییان پس از فراغت از داد و مستد بمرحله صحبت می‌رسیدند که اغلب یکنفر در رابطه با مقدار محصولی که تولید می‌کرد و مقدار زمینی که در سال آینده زیر کشت خواهد برد و یا از دامهای سالم و مریض خود صحن میراند. و دیگران نیز هر کدام در این باره اظهار نظر می‌نمودند. مثلا از کود حیوانی بدست آمده از دامها و چگونگی تعاون به همسایگان فقیر گفتوگو می‌کردند. بدین طریق در این محفل می‌توانستند مسائل اجتماعی روستا در حضور ریش‌سفیدان و روحانی محل بطرز بهتری حل نمایند. و یا در رابطه با مقدار آب موجود در چشمهای رودخانه ده و تقسیم آن بین کشاورزان سؤال و جواب می‌کردند. همچنین چگونگی کودکان یتیم و بی‌سرپرست تصمیم نهایی در آن مجلس گرفته می‌شد. ولی این سن در زمان حاضر در روستایی ترکمن‌چای بتدریج بفراموشی می‌رود و بجای دادوستدهای مرسوم و مخصوص روستا چگونگی خرید و فروش یک ماشین و یا کار در شهرستانها مورد بحث آنها است. با این عمل به حیط قهوه‌خانه فرهنگ شهری میدهند. در نتیجه موجب رکود کشاورزی می‌گردد.

از روستاها از جمله این بخش میزبان اردوانی شاه بود . بدیهی است که اکثر نیاز لرنش از نظر آذوقه توسط روستائیان تأمین میگردید و این عمل موجب ایجاد کمبود در روستا می‌شد و روستائیان را در تنگنا قرار میداد . بدین ترتیب تخم بدینی نسبت به افراد بیگانه در دل مردم کاشته می‌شد بطوریکه تأثیر آن در نسلهای بعدی مشاهده می‌شود . مگر در خانواده‌های بزرگ<sup>۱</sup> که سرپرست آنها توانسته‌اند رسومات مخصوص محل را از قبیل مهمان نوازی و ... حفظ کنند . زیرا مهمان نوازی از آداب دیرینه مردم سراسرکشور ایران است .

راهی که به ترکمن‌چای میرسد از جاده آسفالت تبریز - تهران ۹ کیلومتر فاصله دارد . این جاده خاکی<sup>۲</sup> بوده واز کنار قهوه‌خانه معروف کوه‌سالار که اصطلاحاً «کوسه‌لر» (Kösalar)، گویند جدا می‌شود این جاده که سال‌ها خراب بوده اخیراً توسط انجمن‌های محل با نظارت بخشدار شن‌ریزی و مرمت شده است ولی نیاز مردم را از لحاظ رفت و آمد تأمین نمیکند .

به رسمیت این ۹ کیلومتر راه ترکمن‌چای سراشیبی و پیچ و خم زیاد دارد که در موقع بارندگی مشکلاتی برای مردم بیار می‌آورد . ضمن عبور از این راه می‌توان کشت و زرع کشاورزان را در مزرعه شان مشاهده نمود .

مزارع گنسد، جو، یونجه، و صیفی در تپه‌ها و دامن کوهها ویا در بستر رودخانه قرار دارند ، آنها محدوده زمینهای خود را با مرز مشخص می‌کنند . هنگام ورود به ترکمن‌چای در سمت غرب در بالای کوه ساختمان زیارتگاه امامزاده از دور دیده می‌شود . در کنار زیارتگاه قبرستان بزرگی قرار دارد که تا دامنه شرقی کوه کشیده شده است .

مردم ترکمن‌چای باین امامزاده که نام مشخص ندارد بسیار اعتقاد داشتند .

---

۱- منظور از خانواده بزرگ پدر و پسران ازدواج کرده آن که در یک خانه زندگی می‌کنند و پدر بزرگ بعنوان سرپرست همه افراد خانواده می‌باشد .

۲- تاریخ نگارش مطالب فوق بسال ۱۳۵۷ میرسد .

اخیراً نیز حادثه‌ای اتفاق افتاده که اعتقاد مردم را نسبت‌بآن افزون‌گردیده . گفته می‌شود که دو سه سال پیش بام زیارتگاه را اشخاص خیر با حلبی شیروانی کرده بودند ، یک روز در اثر وزش باد سختی تمام حلبی‌های شیروانی بام‌کنده شده بود . پیرمرد بذله‌گوئی با مشاهده این وضعیت چنین می‌گوید : امامزاده‌های دیگر چند من طلای گنبد را می‌توانند حفظ کنند ، ولی تو نتوانستی حلبی‌های بام مزار را نگهداری کنی . گویند پیرمرد بغضب امامزاده دچار شده و بلافضله دهنش کج گردید . آنگاه پیرمرد از گفته‌اش پشیمان شد و پس از دخیل شدن به امامزاده و طلب آمرزش دوباره بهبود یافت . این حادثه تحولی در اعتقاد مردم نسبت به امامزاده ایجاد کرد . و موجب گردید که مردم به بازسازی و مرمت بنای آن همت گمارند .

مردم دهات اطراف جهت بهبود امراض خود و همچنین زنان نازا برای بجهدار شدن از این امامزاده کمک می‌خواهند . برای بدست آوردن حوائج خود بانان پنیر از زائرین این بقعه پذیرائی می‌کنند .

قبرستان دیگری در سمت شرقی خانه‌های مسکونی بخش بنام (آشاغی) «Qâshâgi»، قبرستان وجود دارد که گوشه‌ای از آن به محل مخصوص دفن سادات روستا اختصاص یافته است . در این قبرستان قبری بنام قبر عثمانی قرار گرفته است مردم موقع عبور از جلو آن سنگی از زمین بر میدارند و بسوی آن پرتاب می‌کنند . گویند شخص مدفون در آن از قشون عثمانیان بوده و در جنگ ایران و عثمانی بهلاکت رسیده است . مردم براین عقیده اند که انجام این کار برای آنها ثواب دارد .

## باد و باران :

در بخش ترکمن‌چای مانند بدخی از نواحی آذربایجان شرقی در فصول بهار و پائیز بارانهای شدیدی می‌بارد . مدت بارندگی در فصل بهار تا اوایل خرداد ماه است . این بارندگی‌ها اغلب منجر بخاری شدن سیل شدید شده که زیانهای مالی از نظر کشاورزی و دامپروری بوجود می‌آورد . بارندگی باعث بالا آمدن آب رودخانه

می شود . بطوریکه عبور و مرور مردم از پلهای آن سختی انجام میگیرد . ازاواخر خرداد ماه تاپیستم مهرماه بارندگی بندرت اتفاق میافتد . درفصل پائیز دوباره بارندگی از بیستم مهرماه شروع و تا پنجاه روز بشدت ادامه میابد . و موجب سردی هوا میگردد . واژ اوآخر پائیز بارش برف شروع شده تا عید نوروز طول میکشد . در اثر کثربت ریزش برف راه بندان بوقوع میپیوندد که این امر باعث سختی عبور و مرور میگردد . بطورکلی آب و هوای ترکمنچای در زمستان سرد و در تابستان معتل است . از نوع (آب و هوا کوهستانی) .

### چگونگی وزش باد

در ترکمنچای سه نوع باد بنامهای «مه» (Mah)، آغیل (Agyel)، یعنی باد سفید و «داعیلی» (Dâgyeli)، یعنی باد کوهستانی در فصول مختلف سال میوزد .

۱- باد مه : از طرف جنوب شرقی در تمام فصول سال ادامه میابد . بادی است ملایم و در عین حال بیضرر . بنظر کشاورزان باعث رشد و نمو دانه های گندم می شود . و در موقع برداشت محصول گندم و جو در خرمن کوبی بمنظور جدا کردن دانه ها از کاه استفاده می شود .

۲- آغیل : باد سفید که از غرب میوزد و رطوبت دریای مدیترانه را با خود به مراه می آورد . و موجب رونق کشاورزی میگردد . این باد در اوآخر زمستان و اوایل بهار در آب شدن برفها مؤثر است .

۳- داعیلی : وزش این بساد در سپیده دم و اکثر فصول سال جریان پیدا می کند . این باد در امر کشاورزی تأثیر نیک و بد نمی گذارد .

### اسامی چشمه های معروف ترکمنچای

در گذشته بعلت وجود چشمه های زیاد در این بخش مردم آنجا را هزار چشم می نامیدند . این چشمه ها منبع آب آشامیدنی و محل شستشوی لباس و ظروف

می باشند . برخی از این چشمها پس از عبور از حیاط خانه های قدیمی و آبیاری باغات و مزارع به آب رودخانه منتهی می شود . که متأسفانه بعلت عدم توجه دولت وضع بهداشتی آن در سطح پائین قرار دارد . زیرا بعلت جاری شدن آب زاید آن در سطح کوچه ها ایجاد گل ولای می نماید که هنگام عبور و مرور برای مردم ناراحتی هائی بیار می آورد .

معروفترین این چشمها بقرار زیر است :

- |  |                      |
|--|----------------------|
| •Biverdi Bulâgi•   | ۱- بی وردی بولاغی :  |
| •Gatiyli Bulâgi•   | ۲- قتیلی بولاغی :    |
| •Xalil Bulâgi•   | ۳- خلیل بولاغی :     |
| •Heydar gani Bulâgi•   | ۴- حیدر قنی بولاغی : |
| •آشاغی بولاغی مشهور کنه بولا غ : بطور یکه مردم می گویند روسها در زمان انعقاد عهدنامه در کنار این بولا غ اردو زده بودند . | ۵-                   |
| •Diyni Bulâgi•   | ۶- دینی بولاغی :     |
| •Mehdili Bulâyi•   | ۷- مهدی لی بولاغی :  |
| •Cây Bulâgi•   | ۸- چای بولاغی :      |

اسامی محلات ترکمن چای بلهجه محلی

- |                 |                     |
|-----------------|---------------------|
| «کوچه کردها»    | ۱- کرت لر کوچه سی   |
| «کوچه حمزه علی» | ۲- حمزه علی کوچه سی |
| «کوچه تاریخی»   | ۳- تاریخ لی کوچه سی |
| «کوچه بابالو»   | ۴- بابالی کوچه سی   |
| « محله مهدی لی» | ۵- مهدی لی محله سی  |
| « محله پائین»   | ۶- آشاغی محله       |
| «کوچه حاجی ها»  | ۷- حاجی لار کوچه سی |
| «کوچه کبریتی»   | ۸- کبریت لی کوچه سی |

## وجه تسمیهٔ ترکمن‌چای

عده‌ای از ریش‌سفیدان و افراد آگاه بخش ترکمن‌چای معتقدند که در گذشته بعلت وجود چشمه‌های زیاد تر کمن‌چای هزارچشم نامیده می‌شد. برخی نیز براین عقیده هستند که نام قدیمی ترکمن‌چای «شهر خرامان» بوده است. می‌گویند در اطراف آن پنج روستا بنامهای محلی قویچاخ<sup>۱</sup>، کول‌دیم<sup>۲</sup>، سوباشی<sup>۳</sup>، قارا‌آغا‌شلیق<sup>۴</sup> و سید دوواری<sup>۵</sup> وجود داشت. مردم بعلت حمله دائمی عشایر در زحمت بودند. در نتیجه باهم متحد شده و در محل کنونی ترکمن‌چای سکونت گزیدند. تا در مدافعته با عشایر مهاجم قویتیر باشند. باستثنای روستای «سید دوواری» که بآنها ملحق نشده بده «چanax بولاغ»<sup>۶</sup> کوچ کردند.

بعضی<sup>۷</sup> مردم هم علت کوچ ساکنین این روستاهارا چنین توجیه می‌کنند. در عهد قاجاریه بنا بدستور عباس میرزا ساکنین روستای ترکمن‌چای از پرداخت

- 
- « Guycâx » -۱
  - « kül Deym » -۲
  - « su Bâšî » -۳
  - « Gârâ âgâšlix » -۴
  - « seyid Duvari » -۵
  - « çânâx Bulâg » -۶
  - ۷ بنا با ظهار فتح الله خان کلانتر

مالیات دیوانی و بعضی بدھی‌های مربوط به مالک معاف شده بودند، بنابراین اهالی روستاهای مذکور بخاطر استفاده از این نوع مزايا به ترکمن‌چای کوچ نموده‌اند. برخی نیز براین عقیده‌اند، که این روستاهای مغولها پس از تاخت و تاز و با آتش کشیدن منطقه بعداً نام گزاری کرده‌اند. که ترکمان نیز یکی از آن نام گزاری‌ها محسوب می‌شود. ولی در زمان انعقاد عهده‌نامه بعلت وجود رودخانه که از مرکز آن می‌گذرد کلمه چای که بمعنی رودخانه است با آن اضافه نموده‌اند.

گویند فرمانده قشون مغول جهت دیده‌بانی دستور داده بود که هر کدام از سر بازان او مقداری خاک با گونی حمل و در محلی ابناشته نموده و بصورت تپه در آوردند. که آثار آن تپه‌های دیده‌بانی در روستاهای صومعه صفلي، غریب دوست و ورزقان تابحال باقی مانده است.

طبق تحقیقاتی که از چند نفر از اهالی روستای ترکمن‌چای بعمل آمد: پس از استیلای مغول و با آتش کشیدن روستاهای این منطقه یک خانواده روستایی مجبور به ترک محل سکونت خود شد و به محل کنونی ترکمن‌چای کوچ کرد. و این اصطلاح را به زبان آذری ابراد نمود. «من ترکمن کردم» منظور او از بیان این سخن این بوده است که من محل زندگی خود را اجباراً ترک نمودم، و با این منطقه آمدم. بعلت مساعد بودن شرایط زندگی رفته رفته مردم از دهات اطراف به تبعیت از آن شخص بدان محل کوچ کردند و بتدریج بر تعداد جمعیت آن افزوده گشت و بدین طریق لفظ «ترکمن» از زبان او در افواه مردم مصطلح گردید و بمرور در اثر کثرت تلفظ از «ترکمن» به «ترکمن» تغییر یافت.

## سیما و شکل خانه در ترکمنچای

مجتمع خانه‌های ترکمنچای عموماً دوطبقه بوده و هر خانه حداقل سه اطاق دارد. ممکن است خانه‌های شش الی هشت اطاقه نیز وجود داشته باشند. طبقه پائین خانه محل نگهداری دامهاست که آنجا را اصطلاحاً «کوم»<sup>۱</sup> می‌نامند. خانه‌ها عموماً دارای ایوان می‌باشند، و جلو آن را نرده کشیده‌اند، که در تابستان موقع استراحت و خوردن غذا از آنجا استفاده می‌کنند. حیاط خانه در ترکمنچای عموماً کوچک است. و بوسیله دیوارهای گلی از چهار طرف احاطه شده، محل مستراح بدor از قسمت اصلی و سکونتگاهی ساختمان در طرف دیگر حیاط ساخته شده است و طویله محل نگهداری چارپایان در گوشة دیگر آن بنا می‌گردد. تمام خانه‌ها تنور نانپزی دارند، که در زمستان از آن برای گرم کردن اطاق نیز استفاده می‌کنند. امروزه رومتاپیان برای گرم کردن منازل از بخاری نفتی نیز استفاده می‌کنند.

ماکیان دارای لانه زمستانی و لانه تابستانی هستند. لانه تابستانی مرغها را که «قفس»<sup>۲</sup> گویند، در حیاط با چوب و تخته برچهارپایه چوبی می‌سازند. لانه زمستانی مرغها را که «نین»<sup>۳</sup> می‌نامند در حیاط ویا در ایوان با گل درست می‌کنند.

---

«Köm» - ۱

«Nin» - ۲

در ترکمن‌چای پی ساختمان را «بن‌آوره»<sup>۱</sup> می‌نامند. آنرا با سنگ و گل پر می‌کنند روی سقف دیوار ساختمان را کاه‌گل می‌کنند و عموماً دیوارها را از چینه درست می‌کنند که بزبان محلی «مهره» می‌گویند. هر مهره به بلندی نیم متر می‌باشد، که پس از خشک شدن مهره اولی به ترتیب مهره‌ها یا چینه‌های بعدی را در روی آن بنا می‌کنند.

سقف اطاقها را تیربندی کرده سپس روی تیرها را که «آتما»<sup>۲</sup> می‌نامند، با تخته‌های کوچکی بنام «آلوار»<sup>۳</sup> پوشانند. بام خانه را با گل لگد شده بنام «بالانا»<sup>۴</sup> می‌پوشانند، و پس از چند ساعت لگدمال کردن آن را کاه‌گل می‌کنند. بام خانه‌ها در ترکمن‌چای مسطح است. برای جلوگیری از جمع شدن آب باران در بامها ناوданهای بنام «نوچه» در گوشه‌ای از بام نصب می‌کنند.

معمولًا در بام خانه‌ها علف خشک که آنرا «تاپا»<sup>۵</sup> می‌نامند نگهداری می‌نمایند. در زمستان از این علفها برای خوراک دامها استفاده می‌شود. زنان از فضولات دامها قطعاتی بنام «کرمه»<sup>۶</sup> و «یاپ‌با»<sup>۷</sup> یا تپاله درست کرده و در گوشه‌ای از بام تعبیه و جمع آوری نموده تا در زمستان برای سوخت تنور از آن استفاده کنند. «کرمه» یا تپاله‌هایی که بدین صورت در بام‌خانه‌ها چیده و جمع آوری شده اصطلاحاً «حالای»<sup>۸</sup> گویند. پس از پایان ساختمان خانه دیوار اطاقها را مردان کاه‌گل می‌کنند و بعد از خشک شدن زنان با گل سفیدی که از کوههای اطراف بخش تهیه کرده‌اند سفیدکاری می‌نمایند.

- « Ben övre » — ۱
- « Atmâ » — ۲
- « Alvâr » — ۳
- « Bâlâtâ » — ۴
- « Tâyâ » — ۵
- « Karme » — ۶
- « Yâp Bâ » — ۷
- « Hâlây » — ۸

درگذشته زنان ترکمن چای در ساختن خانه با مردان همکاری می‌نمودند. ولی حالا بعلت ساختن خانه‌های آجری و بکارگرفتن مصالح جدید و تحولات فرهنگی که در اثر تماس با شهرهای بزرگ در بخش بوقوع پیوسته در اکثر خانواده‌ها زنان فقط بکار خانه‌داری می‌پردازند.

برخی از چشمهای روستا از حیاط اکثر خانه‌های قدیمی عبور داده شده که بدان طریق آب آشامیدنی و شستشوی افراد خانه تأمین می‌شود.

### خصوصیات اطاقهای مهمانی

۱- او «آ» به اطاقی گفته می‌شود که محل آسایش افراد خانه است. فرزندان مجردد رکناروالدین خود در «آ» می‌خوابند. تنور نان پزی در سطح آن ساخته شده است. پنجره‌های «آ» در چهار کوچکی است که تقریباً نزدیک به سقف با متابعه شده‌اند. تا دود حاصل از تنور باسانی خارج شود. کف «آ» را با گلیم و یا فرش می‌پوشانند. در کوچکی از «آ» به اطاق مهمانی باز می‌شود. تا از آن در موقع مهمانی جهت پذیرائی از مهمانان استفاده شود. این در مانع است که محارم را از نامحرم جدا کند.

ترکمن‌چائیها گندم را در محلی بنام «کندو»<sup>۱</sup> نگهداری می‌کنند و آنرا بشکل استوانه و از گل در گوشاهی از «آ» درست می‌کنند. و در گوشه دیگر یخدانی<sup>۲</sup> جهت نگهداری لباس و صندوقی برای گذاشتن لبیات فرار میدهند. در خانواده‌های بزرگ نیز تمام افراد خانواده غذا را در «آ» صرف می‌کنند. هنگام خواب هر مردی همراه با خانواده خود با اطاق خواب مخصوصی می‌رود.

---

«Kandu » - ۱

۲- یخدان : صندوق قفل‌داری است که از تخته ساخته می‌شود. و سطح آنرا با حلبي‌های الوان می‌پوشانند، که جزو جهیزیه هر دختری محسوب می‌شود.

همچنین رختخواب‌های افراد خانواده را در محلی بنام «یوکیری»<sup>۱</sup> که در «او» تعییه کرده‌اند جمع می‌کنند. این امر موجب می‌گردد که لحاف، تشك و متکا از حالت ریخت و پاش بیرون آمده و در محل مناسب خود بسته‌بندی گردد.

ناگفته نماند که پس از صرف شام و بخواب رفتن زنان و کودکان تمام مسائل خانواده اعم از مسائل اقتصادی و فرهنگی و اختلافات خانوادگی با حضور پدر بزرگ که بعنوان رئیس خانواده است و با فرزندان ذکور در این اطاق مطرح و حل و فصل می‌شود. در خاتمه نظریات پدر بزرگ مورد قبول همه فرزندان قرار می‌گیرد.

۲- اطاق مهمانی: ترکمن چائیها اطاق‌های مهمانی خود را با وسایلی از قبیل تلویزیون و رادیو زینت می‌دهند. ویچحال که عموماً محل آن آشپزخانه است نیز بعنوان نمونه‌ای از تشخض در گوشه‌ای از این اطاق قرار می‌گیرد.

کف این اطاق را با گلیم و فرش‌هایی که از دهات مجاور خریداری می‌کنند، مفروش می‌سازند. طاقچه‌هایی در دیوار تعییه شده که اکثراً با پارچه‌هایی که از شهر تهیه می‌شود بعنوان طاقچه‌پوش می‌پوشانند. بمنظور استفاده از نور و گرمای بیشتر آفتاب پنجره‌ها را رو به جنوب نصب کرده‌اند.

رسم براین است که اطاق‌های مهمانی فقط در موقع پذیرایی از مهمانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی وضع خوبی ندارند، در صورت ازدواج پسر خانواده چنانکه تازه داماد قادر به تهیه خانه مخصوص بخود نباشد. از این اطاق بعنوان خوابگاه خانواده خود تا زمان تهیه زمین و ساختن خانه استفاده می‌نمایند.

ولی خانواده‌های ثروتمند جهت جلوگیری از جدا شدن فرزند از دامان خانواده بمحض آوردن عروس اطاقی برای او و همسرش مشرف با اطاق‌های دیگر

---

۱- «یوک بری yükleri»: جایگاه مخصوص جمع آوری رختخواب‌های افراد خانه است.

می‌سازند.

۳- آشپزخانه : مردم ترکمن چای آشپزخانه را «گزنه»<sup>۱</sup> گویند که فاقد پنجره بوده و بجای آن روزنه‌ای بنام «باجا»<sup>۲</sup> از قسمت سقف بطرف بام باز شده تا دود حاصل از سوختن هیزم و تپاله از آن بیرون رود. آشپزخانه‌ها دارای اجاقی است که سوخت آن هیزم و یا «یاپ با»<sup>۳</sup> می‌باشد. ولی اخیراً در اثر تحولات فرهنگی و صنعتی و افزایش در آمد مردم اجاقهای نفتی و گاری نیز بکار می‌رود.

در «گزنه» به «أُز» باز می‌شود تاغذاهای تهیه شده از آنجا بر احتی و مستقیماً بخاطر جلو گیری از سرد شدن آن در فصل زمستان بسرعت در اختیار افراد خانه قرار گیرد.

۴- حمام و حمامی : در گذشته بخش ترکمن چای دارای یک حمام بود. که آنرا بـدستور میرزا تقی خان امیر کبیر وزیر ناصر الدین شاه ساخته بودند حالا نیز مردم از این حمام استفاده می‌کنند. که ملک آن به همه روستاییان تعلق دارد.

جهت اداره این حمام مردم ترکمن چای یکی از مردانی را که کشت و کار کمتری داشت به حمامی انتخاب می‌کردند. روستاییان عموماً در عید نوروز ساعی پس از تحویل سال نو در مسجد جمع می‌شدند و برای رسیدگی بکارهای عمومی مردم از قبیل انتخاب «فوروچی» یعنی دشتیان، حمامی و چوپان مبادرت می‌نمودند. کار حمامی آب اندختن به خزینه حمام و جمع آوری هیزم بود. حمامی در تابستان هیزم را از باغات مردم جمع آوری می‌کرد و در زمستان از اهل محل بصورت «کرمه»،

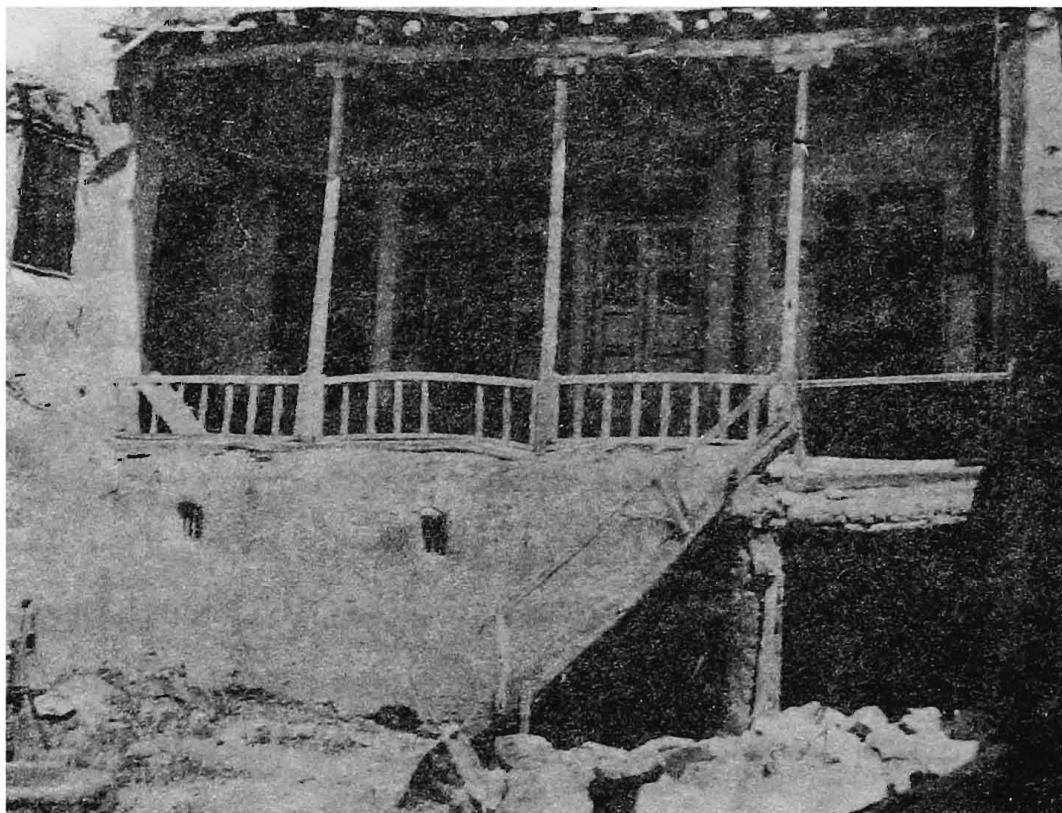
---

«Gazne» - ۱

«Bâja» - ۲

«Yapbâ»<sup>۴</sup> یاپ با را زنان از مخلوط فضولات و نشخوار دامها که در طویله جمع می‌شود بصورت قطعاتی درست می‌کنند که پس از خشک شدن جهت سوخت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

«یاپ با» و نشخوار<sup>۱</sup> حیوانات تأمین می کرد . مزد کارگر حمامی سالانه نفری یک من گندم یعنی پنج کیلوگرم گندم و برای بچه ها نیم من گندم بود .  
فعلا تر کمن چای دارای دو حمام می باشد و یکی نیز در دست ساختمان است  
که بیشتر حمام تازه ساخت مورد استفاده مردم است . نرخ حمام در حال حاضر  
۲۰-۲۵ ریال تعیین شده است .



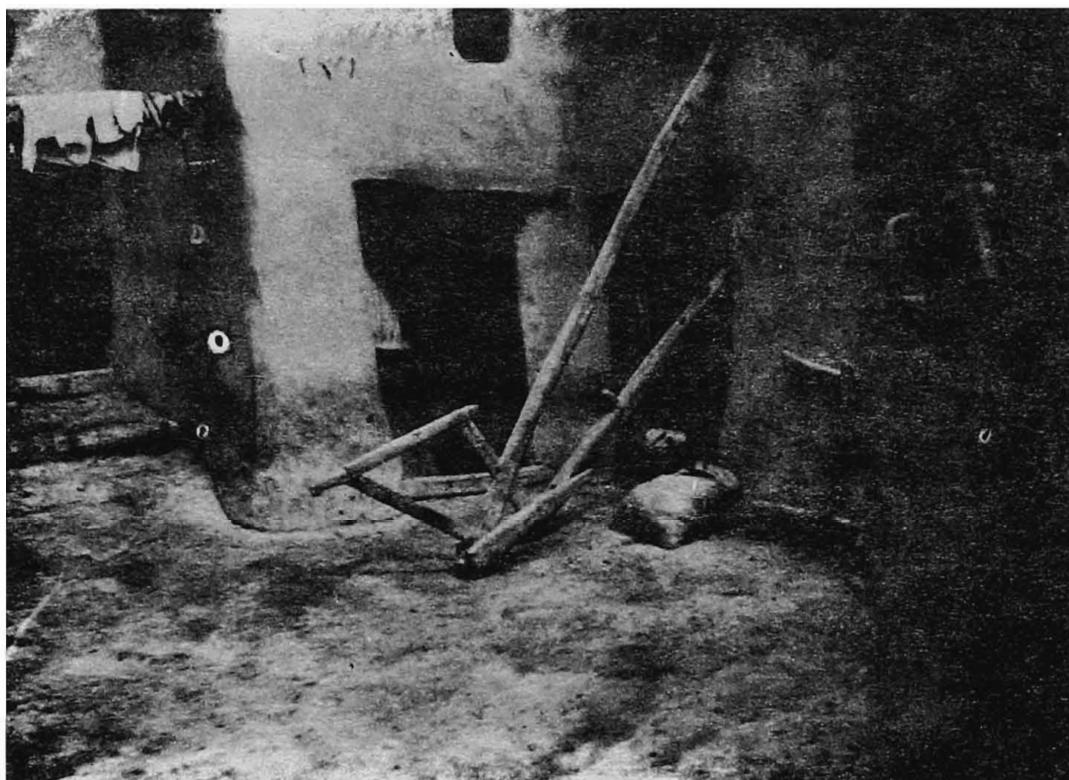
---

۱- در اصطلاح عامیانه مردم به ته مانده یونجه و علف مورد استفاده حیوانات گفته می شود .

## اصطلاحات مر بوط به مسکن به لهجه محلی

زیربنا	«Benövre	۱ - «بن اوره
دیوار	«Duvâr	۲ - «دووار
طویله ایکه در طبقه پائین خانه قرار دارد	«Köm	۳ - «کوم
ایوان	«Bolkon	۴ - «بولکن
بام	«Dâm	۵ - «دام
کامگل	«Suvâx	۶ - «سوواخ
تیر سقف	«Âtmâ	۷ - «آتما
پرده	«Tamâse	۸ - «تماسه
اطاق نشیمن	«Üv	۹ - «او
آشپزخانه	«Gazne	۱۰ - «گزنه
اطاق مهمانی	«Otâg	۱۱ - «اطاق
روزنه آشپزخانه	«Bâjâ	۱۲ - «باجا
آستانه در	«Âsâgi Bâš	۱۳ - آشاغی باش
صدر اطاق	«Yuxâri Bâš	۱۴ - «بوخاری باش
بخاری	«Punj	۱۵ - «پونج
وله بخاری	«Bori	۱۶ - «بوری

- ۱۷- «کلیددان» محلی است در کنار در ورودی حیاط که بهنگام بستن در، کلید تخته‌ای در آنجا گذاشته می‌شود.
- ۱۸- «کلیدگونه Kilid Künde» سوراخی در داخل کلید دان ایجاد شده که از جنس تخته بوده و یک طرف سرمه کلید با آن سوراخ فرو می‌رود.
- ۱۹- «گلیف Gilif» راه آبی است که معمولاً در قسمت پائین دیوار و در کنار در حیاط حفر می‌کنند تا آب زاید خانه از آنجا بیرون ریخته شود.



## کشاورزی سنتی و آداب آن

### ۱- زمینهای زراعی :

زمینهای زراعی ترکمن چای بیشتر در بالای تپه‌ها و دامنه کوهها و یا در مسیر رودخانه قرار دارند. کشاورزان هر زمینی را که قابل شخم زدن باشد. قطعه قطعه کرده به زیر کشت می‌برند. و هر قطعه را «تیکه»<sup>۱</sup> می‌گویند. و بوسیله مرز یا کرت محدود می‌کنند. برای جلوگیری از ورود حیوانات به کشتزار اطراف آنرا خندق می‌کنند در قطعات پست و آبگیر صیفی جات و نیز سیب زمینی، لوبيا، پیاز و یونجه و چغندر کشت می‌کنند. و در قطعات دیم و کم آب گندم و جو می‌کارند.

مقدار زمینهای دیمی حدود ۵۰۰۰ «ایپ»<sup>۲</sup> است که هر «ایپ» برابر ۷۲۹ مترمربع می‌باشد. از ۵۰۰۰ «ایپ» زمین دیمی ۳۰۰۰ «ایپ» آن را که اصلاً آبگیر نیست در اصطلاح محلی «خالص دیمی» گویند که فقط با آب باران آبیاری می‌شود و ۲۰۰۰ «ایپ» آنرا که در برخی از ماههای سال آبگیر می‌باشد «دیم سولو»<sup>۳</sup> می‌نامند. و این زمینها را تنها در فصل بهار و پائیز وقتی که آب رودخانه زیاد می‌شود آبیاری

---

۱- مجتبی موسوی شغل کشاورز سن ۵۵ سال.

۲- «Tika»

۳- «ایپ ip » در زبان آذری طناب را «ایپ» می‌نامند.

«Dem sulu »

می کنند. و بقیه فصول سال مانند زمینهای «خالص دیم» با آب باران سیراب می شوند. مردم ترکمن چای زمینهای آبگیر و بدون درخت را «بایاض»<sup>۱</sup> می نامند. که مقدار این زمینها در حدود ۳۰۰۰ «ایپ» است. و در این زمینها معمولاً صیفی جات می کارند.

۲۰۰۰ «ایپ» از زمینهای زراعی را باغات تشکیل می دهند که در آن درختان زردآلو، سیب، گلابی، گردو، به و ... کاشته می شود.

آبیاری زمینهای زراعی و باغات بعهده خود کشاورزان است و مدت آبیاری هر مزرعه نسبت به بزرگی آن تعیین شده است. بطوریکه هر ۹ «ایپ» زمین برابر یک پونزه است که بازاء هر پانزده پونزه ۱۲ ساعت آب میدهند. و در این مدت تمام آب چشمه و یا رودخانه در اختیار کشاورز قرار میگیرد.

مزد آبیاری به نسبت هر پونزه زمین زراعی سالانه ۱۰۷ تومان می باشد که کشاورزان در مقابل اخذ رسید به مأمور اداره آبیاری پرداخت می کنند.

### کشت گندم و جو بطریقه سنتی

۱- مقدار بذر افشاری و برداشت محصول<sup>۲</sup>: ترکمن چائیها در هر هکتار زمین زراعی ۲۰ من معادل ۱۰۰ کیلو گرم گندم و یا جو می کارند. اگر شرایط جوی مساعد باشد از هر هکتار زمین زراعی ۱۲۰ من یعنی ۶۰ کیلو گرم محصول برداشت میکنند. بطور کلی بازاء هر یک کیلو گرم بذر هشت کیلو گرم محصول عاید می شود. بعلت مهاجرت مردم به شهرستانها برای کار کردن و کمبود کارگر و افزایش هزینه کشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی از سطح زمین های زیر کشت کم شده و از

---

«Bâyâz» - ۱

۲- در ترکمن چای بذر را «دن» Den و شخم را «شوخوم» Shuxum می گویند

۳- مجتبی موسوی شغل کشاورز سن ۵۵ سال

۵۰۰۰ «ایپ»<sup>۱</sup> به ۶۰۰۶ «ایپ» تقلیل یافته است. در نتیجه در امر کشاورزی رکود حاصل شده و زمینهای زیادی بدون کشت باقی میماند.

۲- شخم و زمان آن: زارعین ترکمن چای برای آماده کردن زمین جهت بذر پاشی در اوایل خرداد ماه شروع به شخم زنی می‌کنند شخم درسه نوبت صورت می‌گیرد. شخم اول را در اصطلاح محل «ایمارات»<sup>۲</sup> گویند. و پانزده روز بعد از شخم اول شخم دوم انجام می‌گیرد که آنرا «پرشیم»<sup>۳</sup> می‌نامند. سه ماه پس از «پرشیم» یعنی در اویل پائیز زمین را بذر پاشی کرده بلا فاصله شخم سوم را بنام «اکمه»<sup>۴</sup> انجام میدهند. و آن باعث می‌شود که بذر بزمین بنشینند و دانه‌چین پرندگان نشود.

ترکمن چائیها زمین را در گذشته با گاوآهن شخم می‌کردند و هر خانواده صاحب یک گاوآهن بود و هر گاوآهن با دو گاو نر اخته به کار گرفته می‌شد. ولی حالا تعداد هفت دستگاه تراکتور بکار اندخته شده که مالکین آنها پس از شخم کردن زمینهای خود تراکتورها را در قبال دریافت پول به زارعین دیگر کرایه میدهند.

بعضی از خانواده‌ها زمینهای خود را مثل گذشته با گاوآهن شخم می‌کنند. بدین طریق که هر قطعه زمین را دونفر مرد بکمک هم شخم می‌کنند. یکی از آنها گاوآهن را برای میاندازد و دیگری با کلوخ شکن بنام «کلنگ» کلوخهای حاصل از شخم را خرد می‌کند و در جریان کار سنگهای واقع در مسیر شخم را از زمین کنده و به حاشیه زمین زراعی منتقل می‌کند. اگر هوای بهاری مساعد باشد بذر گندم و جو پس از پانزده روز جوانه میزند و در ترکمن چای جوانه را «جوغار»<sup>۵</sup> می‌گویند. مثلا اگر بخواهند بگویند که در مزرعه شان جوانه‌ها رشد کرده می‌گویند. «جوغاردي»<sup>۶</sup> یعنی جوانه‌ها رشد کردند. بذرها پس از جوانه زدن و بزرگ شدن سر از خاک بیرون

---

۱- هر ۱۰۰ «ایپ» برابر با صد هکتار است

۲- «imârât» عمارت تقریر سید جمال ترابی طباطبائی

«Parşim» -۳

«Ekme» -۴

«Jugâr» -۵

«Jugârdi» -۶

زده و در زیر بر فهای زمستانی قرار می گیرند . اگر بذر های پاشیده شده در پائیز جوانه نزند معلوم می شود که محصول خوبی بیار نخواهد آمد . بهمین جهت کشاورزان دوباره بذر پاشی را تکرار می کنند . معمولاً ساقمه های گندم وجو تا پانزده خرداد باندازه سه بند رشد می کنند و در اوایل تابستان خوش ها شکل می گیرند . و دانه های شیری این خوش ها پس از چهل تا چهل و پنج روز بصورت کامل می رستند<sup>۱</sup> . این خوش ها را که مردم ترکمن چای آنها را «سنبل» می نامند به هنگام گرم شدن هوا و تغییر رنگ آنها درو گران را بدرو می طلبند . وقت درو معمولاً اوایل مرداد ماه است و تا چند روز طول می کشد .

مردم ترکمن چای زمینه های رو به آفتاب یا بعبارت دیگر آفتاب گیر را «گونی»<sup>۲</sup> یا «گونهور»<sup>۳</sup> و زمینه های پشت به آفتاب را «گوزی»<sup>۴</sup> گویند . و معمولاً کشتزار های رو به آفتاب را پانزده روز زودتر از زمینه های پشت به آفتاب درو می کنند . ترکمن چائیها داس درو را «اوراخ»<sup>۵</sup> می نامند که تیغه آن بدون دندانه بوده و همچو ع درو با سنگی بنام «بیلو»<sup>۶</sup> تیز می کنند . داس دیگری نیز در کشاورزی بنام «در گز» مورد استفاده است که بلندتر از داس معمولی بوده و دسته بلند دارد . کشاورزان آنرا در درو کردن یونجه بکار می بردند و با آن در حالیکه سر پا ایستاده اند کار می کنند . داس کوچکتری نسبت به دو داس مذکور بنام «مو ما گران»<sup>۷</sup> که برای حصار کردن اطراف باغها شاخه های درختان را با آن قطع می کنند .

۱ - چند روز قبل از رسیدن خوش های گندم در زمینه های آبگیر سه نوبت آب میدهند . نوبت اول « خکاب » یعنی خاک و آب و نوبت دوم « کلاب » یعنی گل و آب و نوبت سوم را « دن آب » یعنی دانه آب می گویند .

« Günay » - ۲

« Günever » - ۳

۴ - منظور از زمینه های پشت آفتاب عبارت از زمینه ای است که در مدت روز کمتر در معرض آفتاب قرار می گیرند .

« Guzay » - ۵

Orâx - ۶

« Bilöv » - ۷

« mumâgrân » - ۸

در اصطلاح محلی دروگر را «بی چین چی»<sup>۱</sup> می‌نامند. آنها یا محلی هستند و یا از دهات مجاور در فصل درو بکار می‌پردازند. «بی چین چی»‌های غریبه جهت کار کردن به قهوه خانه مرکزی بخش مراجعت کرده و پس از چانه زدن جهت تعیین دستمزد با کشاورزان بکار مشغول می‌شوند. این چانه زدن ممکن است چند روز بطول انجامد که در نهایت بعلم کمبود کارگر مجبورند «بی چین چی»‌ها را راضی کنند. مزد هر «بی چین چی» امروزه در حدود هشتاد الی صد تومان است.

در وقت درو هر «بی چین چی» به انگشتان دستی که ساقه‌های گندم را با آن می‌گیرد «بارماخ جیل»<sup>۲</sup> می‌پوشاند و آنرا از جنس چرم و باندازه هریک از انگشتان درست می‌کنند. «بارماخ جیل»‌ها مانع خراشیده شدن انگشتان با ساقه‌های گسلم می‌شوند. ممکن است دست دروگری که بدون «بارماخ جیل» کار می‌کند در اثر اشتباهی یا داس زخمی شود.

کار درورا مردان بکمک پسر بچه‌ها انجام میدهند. آب و غذا ایشان را برای جلوگیری از اتلاف وقت در مزرعه صرف می‌کنند و بعد از آن در زیر سایه بسته‌ای از ساقه‌های گندم بنام «کول گندریک»<sup>۳</sup> که بطور قایم گذاشته شده است لختی می‌آسایند. هنگام درو همبستگی و تعاون میان کشاورزان تقریباً ازین رفته و بنابراین هر کس موظف است بکمک افراد خانواده و کارگران دروگر خود محصول مزرعه‌اش را جمع آوری نماید.

«بی چین چی»‌ها هر بار درو را که با یک حرکت داس درو می‌کنند «دسته» گویند. واژ مجموع سه دسته «جمعه»<sup>۴</sup> بوجود می‌آید. سه «جمعه» را با ساقه‌های گندم بهم می‌پیچند و آنرا «باغ»<sup>۵</sup> یعنی «بند» می‌نامند. بنابراین هشت «باغ» بار یک

« Biçinci » - ۱

« Bârmâxjil » - ۲

« Kolgandırık » - ۳

« Jame » - ۴

« Bâg » - ۵

خر است که آنرا «حالوار»<sup>۱</sup> میگویند که بلا فاصله پس از درو پسر بچه ها آنها را بواسیله الاغ بخرمنگاه حمل می کنند. «باغها» را در خرمنگاه رویهم می چینند و توده ای پدید میآورند که آنرا اصطلاحاً «تایا»<sup>۲</sup> می نامند. ترکمن چائیها ساقه گندم و جو را با خوش آن «کول»<sup>۳</sup> گویند. چیدن «باغها» در خرمنگاه مهارت و دقت زیاد میخواهد. زیرا «کول»ها باید به طرزی در «تایا» قرار گیرند که خوشی های آنها به وسط «تایا» بیفتدند تا از باران و دسترس پرندگان و حیوانات محفوظ بمانند. تا پایان درو بر حسب کوچکی و بزرگی مزرعه و یا بر حسب مقدار محصول چند «تایا» در خرمنگاه فراهم می آید. در گذشته پس از پایان درو مزد هر «بی چین چی» را باز اه هرده «باغ» یک با غ محسوب می کردند و یا به نسبت یک هشتمن از جو و یک دهم از گندم پرداخت می نمودند.

تا وقت خرمن کوبی «تایا»ها در خرمنگاه باقی میماند. و زمانیکه تمام محصول قطعات مزروعی را جمع کردند برای خرمن کوفتن هر رقت که هوا مناسب باشد و خودشان هم فراغت داشته باشند به سراغ «تایا»ها میرند. خرمن را دو یا سه مرد بکمک هم و بواسیله «ول»<sup>۴</sup> می کوبند. «ول» وسیله خرمن کوبی است که از تخته ساخته می شود به یکطرف آن سنگ های کوچک چخماق یا نعل سائیده می چسبانند. طرز کار کردن با «ول» بدین طریق است که دو گاو نر احتمه را جهت کشیدن «ول» از قسمت جلو به آن می بندند و طرف سنگ چینی شده آنرا در روی خرمن می کشنند تا بدینوسیله در اثر تماس با سنگ ها محصول خرد شده و دانه ها جدا شوند. روش دیگر خرمن کوبی بدین صورت است که چند گاو نر را از ناحیه گردن بواسیله بوغ بهم

-۱ « Xâlvâr » مجموع هشت « باغ » گندم و جو و یا یونجه بار یک خر است که آنرا «حالوار» گویند که در حدود سی و سه من میباشد.

« Tâyâ » -۲

« Kol » -۳

« Val » -۴

می‌بندند و آنها را برای خرد کردن خرمن از روی آن عبور می‌دهند. این نوع خرمن کوبی را اصطلاحاً «جره»<sup>۱</sup> می‌نامند. که در این روش از «ول» استفاده نمی‌کنند. ترکمن چائیها در هنگام خرمن کوبی گاوی را که بوسط خرمن دورتر است و دور بزرگتری بر میدارد بعلت جلوگیری از خستگی آن پس از یک یا دو ساعت کار کردن جایش را با گاوی که دور کمتر بر میدارد و بوسط خرمن نزدیکتر است عوض می‌کنند. «بعضًا جهت جلوگیری از اتلاف وقت در باز کردن گاوها، گاوهای قوی را در قسمت خارج می‌بندند.»<sup>۲</sup> پس از پایان مرحله خرمن کوبی برای جدا کردن کاه که اصطلاحاً «سامان»<sup>۳</sup> گویند، از گندم محصول خرد شده را روی هم توode می‌کنند. و این توode را اصلاحاً «کور»<sup>۴</sup> یعنی کر می‌نامند. می‌پس گندم مخلوط با کاه را بوسیله شانه و یا پارو بنام «کورک»<sup>۵</sup> به باد می‌دهند تا غله و کاه از هم جدا شود. بدینوسیله گندمهای جدا شده از کاه را «شش»<sup>۶</sup> گویند و آنرا بوسیله «دج»<sup>۷</sup> علامت‌گذاری می‌نمایند.

در گذشته پس از «دج» کردن گندم سهم مالک را به وسیله پیمانه‌ای بنام «چاناخ»<sup>۸</sup> جدا می‌کردند بدیهی است که سهم مالک از هر پنج «چاناخ» یک «چاناخ» بود. رسم براین بود که بازاء هر چهل «چاناخ» یک «چاناخ» دیگر به سهم مالک اضافه می‌کردند.

کشاورزان پس از آنکه گندم را بصورت «شش» در آوردند آنرا در جوال و

#### « Jare » - ۱

- تقریر از سید جمال ترابی طباطبائی

#### « Sâmân » - ۲

« Kür » - ۳

« Kürak » - ۴

« Süš » - ۵

« Cânâx » - ۶

- دج قالب چوبی که گندم توode شده را بوسیله آن علامت‌گذاری می‌کنند.

« Cânâx » - ۷

با گونی‌ها می‌ریزند و بوسیله اسب و الاغ از خرمنگاه بخانه حمل می‌کنند.  
در گذشته برای نگهداری گندم‌چاهی بعمق دو الی دو و نیم متر در زمین می‌کنند  
و جهت جلوگیری از رطوبت به ته و دیواره‌های چاه کاه می‌چینند.

مردم ترکمن چای آسیاب را «دیرمان»<sup>۱</sup> می‌نامند. و سابق براین دارای چهار آسیاب آبی یودند و آنرا یکنفر مرد اداره می‌کرد و جهت بکار انداختن آن آب نهر را به «نو»<sup>۲</sup> یعنی «ناوچوبی» می‌انداختند. مزد آسیابان را به نسبت هر خروار گندم چهار و نیم کیلو گندم می‌پرداختند. در حال حاضر گندم را در عرض سه ماه یکبار برای آرد کردن به آسیاب می‌برند که آنرا اصطلاحاً «زومار»<sup>۳</sup> گویند آسیابهای جدید ترکمن چای با موتور کار می‌کنند و مزد آسیابان را که «کوزه»<sup>۴</sup> می‌نامند به نسبت هر بیست من یک من آرد و یا گندم پرداخت می‌کنند. کار حمل و نقل گندم و آرد بعهده مردان است. از آن پس زنان آرد را در خانه الک می‌کنند تا سپس آن گرفته شود تا برای خمیر کردن و پختن نان آماده گردد. معمولاً در هر بار سه الی ده من آرد را یکجا خمیر کرده و می‌پزند در موقع خمیر گرفتن به آن خمیر مایه می‌زنند و اصطلاحاً «آجی خمیر»<sup>۵</sup> گویند و آنرا در ظرفی بنام «تاباخ»<sup>۶</sup> قرار میدهند. زمان وقت پختن نان اکثر آ در سپیدهدم است و آنرا دونفر زن انجام میدهند. بدین طریق که یکی از زنان در روی میز گردی با وسیله‌ای بنام «وردن»<sup>۷</sup> خمیر را قدری باز کرده و آنرا بدست زانوا می‌دهد. سپس زن زانوا آنرا بوسیله دستهای خود کاملاً باز کرده و در روی وسیله‌ای بنام «رفیده»<sup>۸</sup> یا «لیفیده»<sup>۹</sup> قرار داده سپس «رفیده» را به تنور فرو

« Dayirmân » -۱

« Nov » -۲

Zumar -۳ « زومار » خرج طولانی یک خانواده را گویند.

« Kōze » -۴

« Âji Xamir » -۵

-۶ « Tâbûx » - طبق

Vardane -۷

« Rîfide » -۸

« Lifide » -۹

هرده و خمیرآمده در روی آنرا بدیواره تنور می‌چسباند. ترکمن‌جایها فقط یک نوع نان بنام «لواش» می‌پزند و تنور را که اصطلاحاً «تندیر»<sup>۱</sup> گویند در اکثر خانه‌ها وجود دارد.

## کشت یونجه بطریقه سنتی<sup>۲</sup>

کشاورزان ترکمن‌چای زمینی را که بخواهند یونجه بکارند بعد از شخم آن در اوایل بهار در آنجا بذر جو می‌پاشند و بعد از آن زمین را ماله می‌زنند. سپس تخم یونجه را مخلوط با تخم گیاهی بنام «خش»<sup>۳</sup> و یا تخم یونچه را بتهنائی می‌کارند. عumo لا در عرض پانزده روز یکبار به یونجه آب میدهند. بهمین جهت آن را در زمینهای حاشیه رودخانه کشت می‌کنند. نهری را که از آن به مزرعه یونجه آب میدهند «آرخ»<sup>۴</sup> گویند و آنرا هر چند ماه یکبار و یا لااقل هرسال یکمرتبه لای رویی می‌کنند تا جریان آب بهتر انجام گیرد. دو راهی یا سه راهی یک نهر با جوی را «وریان»<sup>۵</sup> مینامند که در واقع آب بخش کن چند مزرعه یا چند کرت می‌باشد.. بدین طریق وقتی آبیاری قطعه‌ای از مزرعه تمام شد «ریان» را می‌بندند و برای قطعه دیگر «وریان» مربوطه را باز می‌کنند.

سال اول از جو کاشته شده در مزرعه استفاده می‌کنند و سال بعد یونجه که کاملاً ریشه زده، تا ۷ سال می‌توانند از محصول آن در همین مزرعه استفاده کنند. مردم ترکمن‌چای یونجه را سالیانه دوبار درو می‌کنند. درو اول در اوایل تیرماه صورت می‌گیرد که آنرا «آنادرو»<sup>۶</sup> و یا «آودرو»<sup>۷</sup> یعنی درو اول می‌نامند.

« Tandır » - ۱

- آقای مسلم شیرچنگ و علی ساسانی

- خش : Xaše به معنی اسبوس

« Arx » - ۴

« Varyân » - ۵

« Ânâ Drov » - ۶

« Ava Drov » - ۷

درو دومی را در او اخر تیرماه انجام میدهند و آنرا «پشه درو»<sup>۱</sup> یا پیش درو می‌نامند . معمولاً بار سوم بنام «کلکه خزل»<sup>۲</sup> با زحمت فراوان و اغلب با داسهای کوچک مخصوص، یونجه را که حدا کثیر ده سانسیمتر شده است درو کرده و با برگهای پائیزی ریخته شده در گونی جمع کرده و به مصرف علوفة اولیه دامهای خود مصرف می‌کنند .

مرغوبترین یونجه «پشه درو» می‌باشد . اولی بعلت وجود آفات در وجود گیاهان هر ز بهاره یونجه ناخالص می‌باشد .

هر درو گر درو یونجه را در حالیکه سر پایستاده است باداس بزرگ بنام «در گر»<sup>۳</sup> و یا در حال خم شده با داس کوچک انجام میدهند . یونجه‌های درو شده را مانند گندم در مزرعه جمع می‌کنند و آنرا «جمه»<sup>۴</sup> گویند . پس از خشک شدن «جمعه»‌ها آنها را بصورت بسته‌هایی بوسیله مقداری یونجه که بهم تاب داده‌اندمی بندند و هربسته را «باغ»<sup>۵</sup> می‌نامند . مجموع هشت «باغ» یک خر باراست که آنرا «خالوار»<sup>۶</sup> گویند . پس بچه‌ها «خالوار»‌ها را بوسیله خر بخانه حمل می‌کنند و یکنفر مرد در پشت بام آنها را بصورت «تایا»<sup>۷</sup> رویهم می‌گذارد تا در زمستان بمصرف خوراک دامها برسد .

### کشت سیب زمینی بروش سنتی

تر کمن چائیها زمینی را که جهت کشت سیب زمینی انتخاب کرده‌اند در او ایل

« Peša Drov » -۱

Kilka Xazal -۲ از سید جمال ترابی طباطبائی

« Dar Gaz » -۳

« jama » -۴ - جمعه

« Bag » -۵

« Xalvar » -۶

Tâyâ تالا - تله یا تل -۷

آبانماه شخم می‌زنند و این شخم را «ایمارات»<sup>۱</sup> می‌نامند. اگر در زمین سیب‌زمینی سال قبل یونجه کاشته باشند در فصل بهار برای ازبین بردن علوفه‌ای هرز و ریشه‌های یونجه شخم دومی بنام «پرشیم» انجام میدهند. معمولاً شخم را بوسیلهٔ تراکتور و یا خیش<sup>۲</sup> می‌زنند.

«برای کاشتن سیب‌زمینی پس از شخم زدن زمین آنرا با کمک کج بیل، کرت‌بندی کرده و در روی پسته‌ها سیب‌زمینی را می‌کارند (انتخاب بذر سیب‌زمینی یکی از مسائل مشکل زارعین می‌باشد بعد از انتخاب بذر «یعنی عین سیب‌زمینی» آنرا با کارد یا چاقو بقطعبات مختلف تقسیم کرده و بنا به قوت زمن و قدرت بذر چند قطعه را در یک چاله قرار داده با خاک می‌پوشانند). و عملیات زیر را انجام میدهند.»<sup>۳</sup>

- ۱- وجین
- ۲- «ور»<sup>۴</sup> یا برگداشتن
- ۳- کود دادن
- ۴- آبیاری و حساب تناوب آن نسبت به زمان‌های مختلف اعم از گلنشستن - کود دادن - ور دادن .

«عمولاً محصول سیب‌زمینی را در آخر فصل پائیز برداشت می‌کنند و آنرا با کندن زمین بوسیلهٔ بیل از درون خاک بیرون می‌آورند. امروزه حدود صد «ایپ» زمین را زیر کشت سیب‌زمینی می‌برند .

### ابزار سنتی کشاورزی

- ۱- شنه ، šana ، (شانه‌آهنی)
- ۲- سواراخ ، sovârâx ، شانه تخته‌ای که از آن در موقع خرمن کوبی جهت باد دادن محصول گندم و جدا کردن کاه از آن استفاده می‌کنند .

Imârât - ۱

- ۲- از مید جمال ترابی طباطبائی

var - ۳

- ۳- بیل : برای کندن زمین مورد استفاده قرار میگیرد .
- ۴- تبر یا تیشه : در قطع کردن شاخه های درختان و شکستن هیزم مورد استفاده قرار میگیرد .
- ۵- مو ماگران momâgran، داس کوچکی است که با آن شاخه های کوچک درختان را هرس میکنند .
- ۶- ذر گز Dargaz، داس بزرگ با دسته طویل که در درو کردن یونجه بکار میرود .
- ۷- خیش آلات و اصطلاحات مربوط باشند .
- (۱) زوله zôla، برای محکم نگهداشتن گاردن گاو در قسمت «بویون دوروخ»<sup>۱</sup> بکار میرود و آنرا بوسیله طنابی بنام «چاتی»<sup>۲</sup> به «بویون دوروخ» نصب میکنند .
- (۲) اوخ ox، تیرچوبی بزرگ که یک سر آن بوسیله طناب به قسمت وسط «بویون دوروخ» و سر دیگرش به قسمت آخر «دنده»<sup>۳</sup> متصل میشود و در انتهای آن سه سوراخ بنام «کان» تعییه میکنند .
- (۳) دند Dand، تیر چوبی است که یک سر آن به «اوخ» و سر دیگرش به گار آهن وصل میشود .
- (۴) تو تاج Tutaç، دسته چوبی را گویند که کشاورز هنگام شخم زنی با یک دست آنرا محکم میگیرد .
- (۵) هنگه جوا Hangajuvâ، میله چوبی است که جهت محکم ناردن «بویون دوروخ» در «اوخ» بوسیله بند چرمی باشند .
- (۶) قلش gills، وسیله چوبی است که «تو تاج» را به «دنده» وصل میکند .

« Boyundurux » - ۱

« çati » - ۲

« Dand » - ۳

- تو تاج : وسیله ای که هنگام شخم با دست میگیرند .

(۷) چانی «çâti»، طنابی که بوسیله آن «زوله» و «بویون دوروخ» را در گردن گاو محکم نگه میدارد.

(۸) گافائین<sup>۱</sup> (Gâfâin)، قسمت آهنی گاو آهن که در هنگام شخم زنی بزمین فرو می‌رود و آنرا می‌کند.

### دامداری سنتی

گاوداری: مردم ترکمن‌چای به صاحبان زمین‌های بزرگ «هامپا»<sup>۲</sup> مینامند. و هر «هامپا» به نسبت بزرگی زمین زراعی خود گاوماده شیرده نگهداری می‌کند. آنها را روزانه دوبار صبح و عصر شیردوشی می‌کنند و آن از وظایف زنان خانه می‌باشد. سپیده‌دم پس از دوشیدن گاو یکی از افراد خانواده معمولاً پسر بچه‌ها آنها را بطرف مراتع هدایت می‌کنند و برای چرا در آنجا رها می‌نمایند و اغلب پای گاو را با طناب یا بند طویلی بزمین نصب می‌کنند تا مانع ورود آن به کشتزار دیگران گردد.

موقع عصر پس از فراغت از کار دوباره گاوها را جمع کرده ب محل شیردوشی که معمولاً خانه است منتقل می‌کنند زنان شیردوشیده شده را بلا فاصله در دیگی بنام «قازان»<sup>۳</sup> می‌جوشانند و جهت گرفتن کره آن در کوزه‌ای بنام «نهره»<sup>۴</sup> ریخته مدتی آنرا تکان می‌دهند تا کره گرفته شود باقیمانده آنرا که بصورت دوغ «آیران»<sup>۵</sup> بمصرف غذائی میرسانند.

---

- ۱ - گاو آهن

- ۲ - Hâmpâ «هامپا» معادل «همپا» بکشاورزانی اطلاق می‌شود که از نظر وسعت زمین زراعی در آمد نسبی در حد مالک روستا باشند و بعد از اصطلاحات ارزی اصطلاح صاحب نسق پیشتر متدائل شد.

- ۳ - Gâzân

- ۴ - Nehra

- ۵ - Âyran

## نگهداری بز و گوسفند بطریقه سنتی

از هزار خانواده تر کمنچای صد و بیست خانواده هر کدام صاحب بیش از هفتاد الی هشتاد رأس بز و گوسفند می باشند و بقیه آن سه الی ده رأس نگهداری می کنند.

خانواده هاییکه دام بیشتری دارند وظیفه چوپانی را خودشان عهده دار می شوند. بدین طریق که یکی از اعضای ذکور خانواده معمولاً پسر بچه ها آنها را جهت چرا بر ارعای خصوصی خود می برنند ولی خانواده های کم بضاعت که دام کمتری دارند جهت نگهداری آنها باهم متحد شده کسی را بعنوان چوپان استفاده می کنند و آنرا برای چراندن دامها یشان می گمارند اکنون در ترکمنچای سه نفر چوپان مشغول کار است که مزد اورا از روز چهل و پنجم بهار الی چهل و پنجم پائیز حساب می کنند. در گذشته مزد چوپان به نسبت هر رأس گوسفند یا بز سالیانه (از چهل و پنجم بهار الی چهل و پنجم پائیز) نیم من گندم و به نسبت هر رأس بره نیم عدد نان بصورت روزانه پرداخت می شد. در حال حاضر رسم گذشته تغییر یافته و برای هر رأس دام سالیانه هفتاد تومان<sup>۱</sup> به چوپان مزد پرداخت می کنند و برها را خودشان در خانه نگهداری می کنند.

زنان ترکمنچای بز و گوسفند را مانند گاو روزانه دوبار می دوشند و زمان آن صبح و عصر می باشد. سپیده دم پس از دوشیدن آنها را توسط یکی از پسر بچه ها در میدان روستا و یا در چراگاه بچوپانان تحويل میدهند. آنان رمه را روزها در مراتع

---

۱- ترکمنچایها مراتع دیمی را «کالاک Kâlâk» و مراتع آبی را «جیمن çiman» می گویند.

۲- در گذشته یکی از کارهای مهم کشاورزان استخدام چوپان بود که معمولاً چند ساعت پس از تحويل سال در عید نوروز در مسجد جمع می شدند و جهت انتخاب آن ساعت ها باهم مجادله می نمودند.

۳- این مبلغ مربوط بسال ۱۳۵۷ میباشد.

می‌چرانند و هنگام عصر پس از چرا بطرف خانه‌ها روانه می‌کنند تا هر کدام طویله خود را پیش گیرد قبل از ورود آنها به طویله دوباره دوشیده می‌شوند. در زمستان جهت گرم نگهداری دامها آنها را در «کوم» نگهداری می‌کنند.

خوراک عمده دامها در زمستان علوفه و یونجه خشک است که معمولاً در پشت بام بصورت «تاپا» نگهداری می‌شود و جهت چاق شدن آنها یونجه را با کاه مخلوط کرده و مقداری جو اضافه می‌کنند و آنرا «گوموجه»<sup>۱</sup> می‌گویند.

ترکمن چائیها بره‌های نوزاد را از روز تولد تا بیست روز به پیش مادرشان رها می‌کنند تا در این مدت قدری بزرگ شده و باصطلاح «دهنشان علف» گیرد. از آن به بعد بره‌ها را جداگانه نگهداری می‌کنند و بندرت برای شیر خودرن نزد مادرشان می‌برند. زیرا معتقدند که هر روز شیر مادر را بمکنند مادر ضعیف شده می‌میرد. همچنین شیر که یکی از پایه‌های اقتصاد خانواده است در اثر مکیدن بره‌ها کمتر می‌شود.

معمولًا شیر بز و گوسفند را در کاسه‌ای بنام «بایدا»<sup>۲</sup> می‌دوشنند و پس از عبور دادن آن از تور سیمی، یا مدقال بعنوان صافی در دیگی بنام «فازان» می‌جوشانند.

فراورده‌های حاصل از شیر بز و گوسفند پنیر، کره، ماست و دوغ می‌باشد که بمصرف غذائی خانواده می‌رسد و اضافه آنرا در بازارهای هفتگی بفروش می‌رسانند.

ترکمن چائیها در قدیم کسی را بنام «ناخرچی»<sup>۳</sup> استفاده می‌کردند تا دامها را سلده دم در میدان یا محل مخصوص تحویل گرفته و به چرا برده و عصر در همان محل تحویل بدهد.

---

Gümüje — ۱

Bâyda — ۲

Naxırçı — ۳

## پزشکی عامیانه دامها

- ۱- دباغ *Dabbâg* : در این بیماری پاهای حیوان زخمی شده بحدی که میان ناخنها آن در اثر زخم مجروح می شود . برای معالجه آن از نفت سیاه و یا «ذی»<sup>۱</sup> استفاده می کنند .
- ۲- دلیجه *Dalija* : در این بیماری دامها گیج می شوند و بلا فاصله بدور خود پیچیده بزمین می افتد و می میرند . شیوع این بیماری معمولاً در فصل تابستان با خوردن ساقه های با قیمانده گندم در مزارع می باشد زیرا کیسه ای بنام «داوار جخ»<sup>۲</sup> در حد فاصل میان ریشه و ساقه گندم وجود دارد که سم سبز رنگی بنام «گورداخ»<sup>۳</sup> از آن تولید می شود که حیوان بمحض خوردن آن قسمت از ساقه مسموم می گردد .
- ۳- کوبیه *Kôbbe* : شکم حیوان هنگام ابتلا به این بیماری باد می کند و آن در اثر اصراف در خوردن یونجه سبز و تازه پدید می آید . جهت معالجه این بیماری از نمک و نفت سیاه استفاده می کنند و بعضی «با جوالدوز باد شکم او را خالی می کنند . محل فروکردن جوالدوز قسمت مثلث بین دندوه های سینه و مهره ها و ران حیوان می باشد . البته این عمل مهارت و تخصص زیادی لازم دارد»<sup>۴</sup> .
- ۴- اسهال : در صورت ابتلای دامها به بیماری اسهال پهن گاو را در تنور گرم کرده بوسیله آن ستون فقرات حیوان را گرم می کنند .

## مبادله محصولات کشاورزی و دامی

تولیدات محصولات دامی و کشاورزی در ترکمن چای معمولاً مستقیماً توسط دامداران و کشاورزان ب شهرستان میانه حمل و در آنجا بفروش می رسد . روستائیان

۱- زاج سفید *Zay*

۲- *Dâvârjx*

۳- *Gurdâx*

۴- تقریر از سید جمال ترابی طباطبائی

پولی را که از فروش محصولات خود بدست می‌آورند از مغازه‌داران شهر مایحتاج زندگی‌شان را خریداری می‌کنند. و یا محصولات خود را به بازارهای هفتگی دهات مجاور می‌برند. در این بازارها اجناس یا بصورت نقدی و یا با محاصله‌ای که در این روستاهای تولید می‌شود مبادله می‌کنند<sup>۱</sup> بازارهای هفتگی روزهای چهارشنبه در روستای «غريب دوست» و روزهای جمعه در روستای سومعه سفلی تشکیل می‌گردد.

اغلب دامداران و کشاورزان کم‌بضاعت مصرف روغن خودشان را از شهرستانها تأمین می‌کنند که این خود دلیل بر عدم ثبات کشاورزی و دامداری است.

صنایع دستی از قبیل فرش و گلیم که در دهات مجاور تولید می‌شود با کشاورزان تر کم‌چائی بمبادله می‌گذارند. در اینصورت یا نقداً خرید و فروش می‌کنند و یا با محصولات دامی و کشاورزی مبادله می‌نمایند.

### علل رکود کشاورزی در ترکمن‌چای

رکود کشاورزی در ترکمن‌چای را می‌توان معمول چند عامل دانست:

- ۱- راحت طلبی روستاییان و عدم کار با آلات وابزار کشاورزی سنتی و عدم دسترسی به ماشین‌آلات مدرن کشاورزی در حال حاضر.
- ۲- مهاجرت جوانان به شهرها و تأثیر پذیری آنان از زندگی شهری و رسوخ بی‌رویه و تدریجی فرهنگ شهری و بیگانه بفرهنگ اصیل روستایی، بطوریکه مانند اکثر روستاهای ایران مانع ادامه کار کشاورزی در زادگاه‌شان می‌باشد. روستاییان با فروش خانه و مزرعه خویش علايق خود را از دهکده قطع می‌کنند با پول بدست آمده از فروش مایملک خود تنها قادرند در شهرستانها مأمنی برای زندگی زن و فرزندشان تهیه کنند.

از طرفی بعلت کمی بازار کار به افزایش کارگر در شهرستانها کمک می‌نمایند

---

۱- معامله پایاپای

که در نتیجه موجب تجمع نفوس و شلوغی محیط شهری را فراهم می‌آورند. و گاهی با خریدن یک قطعه زمین چند متری جهت ساختن خانه موجب ازبین رفتن با غات اطراف شهرستانها و بزرگ شدن آنها می‌شوند.

بطوریکه در اثر این کوچها و رفتن اکثر جوانان از روستاهای آنان با زندگی شهری از صدها هکتار زمین زراعی در ترکمن‌چای فقط حدود چهارصد هکتار آن به زیر کشت می‌رود.

۳- با ایجاد کارخانه‌های مونتاز در شهرستانها و نیاز به کارگر ارزانقیمت که این نیز فقط از کارگران روستائی قابل تأمین می‌باشد این ده و نظایر آن خالی از دامدار و کشاورز و حتی از سکنه شده است زیرا آنان پس از قطع علاقه از روستای خود مجبورند کاری در شهرستانها دست و پا کنند.

باید اذعان نمود که وابستگی بآب و خاک جزء رسومات روستائیان می‌باشد و هیچیک از آنان حاضر به ترک زادگاه خود نمی‌باشد حتی در سخت‌ترین شرایط. و اگر کسی در شرایط فوق العاده مجبور به ترک روستا گردد باز نمی‌تواند تمام علائق خود را از زادگاهش قطع نماید.

### سن همسر گزینی در ترکمن‌چای

«در ترکمن‌چای یکی از شرایط مهم ازدواج پسر با دختری رضایت‌وال‌دینشان می‌باشد. بخصوص در گذشته پسران حق انتخاب همسر آینده خود را نداشتند. ازدواج‌ها بیشتر جنبهٔ شرعی و اقتصادی داشت و بدین جهت پدر داماد دختری را که از نظر پاییندی بمعذهب و تناسب اقتصادی جهت خانواده‌اش مفید بود برای همسری پسرش انتخاب می‌کرد. حتی در این مورد مادران نیز نمی‌توانستند دخالتی داشته باشند که در نتیجه ممکن بود عروس چندین سال از داماد بزرگتر یا کوچکتر باشد». امروزه نیز در بسیاری از خانواده‌ها با اندکی تغییر این سبک محفوظ مانده است. مثلاً ممکن است پسری دختری را دوست داشته باشد و اگر مایل بازدواج

با او باشد باید رضایت والدین خود را جلب کند تا ازدواج صورت پذیر باشد<sup>۱</sup>.

## مراسم خواستگاری

مردم ترکمن چای عروسشان را خود انتخاب می‌کنند و برای خواستگاری او شب هنگام پدر داماد با چند نفر از فامیلها و ریشن سفیدان محل بخانه عروس می‌روند. اگر پدر عروس با این ازدواج موافق باشد.

اولاً با رفتار و حرکاتی که توأم با احترام زیاد می‌باشد آنها را از نیات درونی خود آگاه می‌سازند. ولی برای بالا بردن وجهه دخترشان و جلوگیری از شایعات که دخترشان را زودتر و بدون مطالعه از سرشان واکرده‌اند، به بهانه اینکه تمایل عروس را بدست آورند چند روز برای دادن جواب مناسب مهلت می‌خواهند.

یکی دیگر از علایم تمایل پدر دختر نسبت به این خواستگاری تعارف شیرینی است که پدر داماد همراه خود اورده است مرسوم است پس از آنکه پدر داماد «هه‌بلی» را از پدر عروس گرفت بلا فاصله در همان مجلس رزی را برای بردن انگشت و یک دستمال جهت عروس معلوم می‌کنند. در روز تعیین شده چند نفر از زنان نزدیک و فامیل داماد یک حلقه انگشت و یک دستمال شبیه روسی بخانه عروس می‌برند.

در این مراسم عروس از رو برو شدن با فامیل داماد خجالت می‌کشد برای جلوگیری از شرمندگی او بجهت امتحان بزرگی و کوچکی انگشت، آن را به انگشت یکی از خواهرانش فروکرده و روسی را به سرش می‌اندازند. رسیم است فامیل‌های داماد پس از طی این مراسم پولی بمقدار پانصد تومان بعنوان هدیه بین خواهران عروس تقسیم می‌کنند. بعد از اینکه موافقت خانواده عروس جهت این پیمان کسب

---

۱- مسلم شیرچنگ و علی ساسانی.

۲- «هه‌بلی» «Habeli» یعنی «باله‌بران».

گردید . زمان عقد و شیرینی خوری نیز بوسیله زنان تعیین می شود .

### عقد کنایی و مراسم شیرینی خوری در ترکمنچای

ترکمنچائیها در مراسم عقد کنایی معمولا تمام فامیل و همسایگان خود را دعوت می کنند . دعوت شدگان از طرف داماد بخانه او جمع شده و از آنجا بخانه عروس روانه می شوند . فامیل عروس مهمانان را نسبت به شخصیت و سن جا نشان میدهند . جهت تفکیک زنان از نامحرمان در مجلس جداگانه ای دور از دید آنان می نشینند . مرسوم است که « قوللوخچی »<sup>۱</sup> ها شیر سماور را با صطلاح باز نمی کنند . تا اینکه بدینوسیله از مهمانان پول جمع کنند . جمع کردن پول توسط « قوللوخچی » ها از مهمانان تماشایی است زیرا توأم با بعضی شوختی و تفریح های سالم انجام می گیرد و مدتی بطول می انجامد . پس از آن توسط « قوللوخچی » ها چای تعارف می شود . لازم به توضیح است که مخارج قند و چای مصرف شده در این روز بعنه مده خانواده داماد است که قبله تهیه دیده اند .

پس از صرف چای مقدار مهریه عروس را که چند روز قبل در مجلس « هه بلی »<sup>۲</sup> توسط خانواده های عروس و داماد تعیین شده بود بوسیله یکنفر از ریش سفیدان در روی کاغذ نوشته می شود و آنرا در اختیار روحانی که جهت خواندن عقد شرعی دعوت شده قرار میدهند . ایشان پس از ملاحظه مقدار مهریه و کلای ذوجین را که معمولا پدران آنان می باشند مخاطب قرار داده و حاضرین بوکالت آنها گواهی می دهند . هنگام جاری شدن صیغه عقد توسط روحانی با یستی مهمانان سکوت مجلس را رعایت کرده چهار زانو بنشینند و دستها را روی زانوان خود قرار دهند . زیرا معتقدند که هنگام جاری شدن صیغه عقد چنانکه دستهای خود را بصورت شانه

---

۱ - « قوللوخچی » مردم ترکمنچای پذیرایی کنندگان افتخاری را « قوللوخچی » می نامند .  
۲ - « Habali »

بهم وصل کند و یا بحالت بسته نگهدارد داماد در شب «زفاف» باصطلاح بسته خواهد شد.

پس از اتمام عقد شرعی چندنفر از ریش سفیدان حاضر در جلسه بعنوان شهود زیرقابله ازدواج را که توسط روحانی روی کاغذ عادی نوشته شده است امضاء می کنند. ممکن است سن یکی از ذوجین کمتر از سن قانونی باشد در این صورت تا زمانیکه سن او بحد قانونی نرسیده سند ازدواج را به ثبت نمی رسانند بلکه باسند محلی ازدواج کرده، پس از آنکه سن قانونی طی شد آنرا به ثبت میرسانند.

در گذشته پس از برقراری عقد و صرف شیرینی نوازندهای را بنام «عاشخ» دعوت می نمودند و چند ساعتی زنان و مردان در اطاقهای جداگانه جشن و سرور برپا می کردند، مرسوم است که پس از سیری شدن مراسم عقد کنای غدائی بنام «ایسدی پای»<sup>۱</sup> یعنی غذای گرم از طرف داماد بخانه عروس فرستاده می شود و معتقدند که آن گرمی و صمیمت را بخانواده عروس بار مغایر می آورد. وظیفه بردن «ایسدی پای» بخانه عروس بهده زنان نزدیک داماد است. همزمان با «ایسدی پای» در خانه عروس نیز آش شیر می پزند و معتقدند که شیر و برنج مایه است و برای داماد و عروس هوش بختی می آورد. معمولاً این آش بعد از ظهر بعنوان دسر تناول می شود.

یکی دیگر از رسومی که مردم ترکمن چای در رعایت آن تأکید دارند فرار و دوری کزیدن عروس از زنان مسن می باشد. بهمین جهت در بسیاری از مراحل جشن یا بخانه یکی از فامیلها و یا همسایه نزدیک می رود. اگر احیاناً دختری در رعایت آن کوتاهی نماید، میگویند آن دختر باصطلاح «سبک» است و برای شوهر کردن از اول مشتاق بوده است.

دو سه روز پس از «ایسدی پای» داماد بخانه عروس دعوت می شود. و او بهمراهی چند نفر از دوستان نزدیک و یا خواهر خود این دعوت را می پذیرد. چنین رسم است که پدر زن باید از خانه بیرون برود و یا در اطاق دیگری دور از دید داماد

بنشینند. زیرا در غیراین صورت معتقدند که سنت خجلت و شرمندگی از بین خواهد رفت. این دعوت معمولاً عصرها انجام می‌گیرد و داماد شام را در خانه عروس صرف می‌کند. پس از صرف شام مادر عروس بآنها شیر و میوه تعارف کرده داماد نیز بعنوان قدردانی از مادر زن مقداری پول به بشقاب می‌گذارد هسراهان نیز ازاو تبعیت می‌کنند. در عوض محبت آنان مادر زن بهر کدام یک جفت جوراب و یادستمال هدیه می‌کند. از این روز به بعد داماد میتواند بر احتی بخانه عروس رفت و آمد نماید ولی حق ملاقات با عروس را ندارد. حتی عروس تا زمان عروسی در پیش او چادر بسر است.

در مدت نامزدی در اعیاد نوروز و چهارشنبه سوری فاسیلهای داماد بدیدار عروس خود می‌روند و هر یک نسبت بقدرت مالی خود یکدست لباس یا جوراب به او هدیه می‌کنند در اینجا داماد هم باید بمنظور تبریک گفتن و بازدید از مادر زنش بخانه عروس رفته و جهت عروس عیدیانه نقدی بدهد.

معمولًا در عید قربان خانواده داماد گوسفندی قربانی کرده و از گوشت آن برای عروس می‌فرستند. همچنین همراه گوشت یکدست لباس و یک جفت کفش برای عروس ارسال میدارند.

## مراسم عروسی در ترکمن‌چای

۱- توی دانشگی «ToydanIšIgi» : پس از پایان دوران نامزدی هردو فامیل در خانه عروس جمع شده و برای تعیین روز عروسی مشاوره می‌کنند. کسانیکه در این مشاوره حق شرکت دارند عبارتند از: فامیلهای نزدیک، چندنفر از ریش‌سفیدان مورد اعتماد هردو خانواده . با توجه باینکه مخارج عروسی بعهده خانواده داماد است قبل از هر چیز مقدار آن را معین می‌کنند و هنگام تعیین آن طرفین هر قدر ممکن باشد در مورد مقدار آن چانه می‌زنند . یعنی طرف داماد سعی می‌کنند که کمتر بدهد و طرف عروس سعی می‌کند بیشتر بگیرد پس از تعیین مخارج و روز عروسی چند

نفر از فامیلهای طرفین جهت خرید وسائل عروسی به شهرستان میانه و یا بازارهای هفتگی دهکده غرب دوست رهسپار می‌شوند. وسائل خریداری شده در این روز عبارتند از:

- ۱- دو عدد «یخدان»<sup>۱</sup> بمنظور نگهداری لباس.
  - ۲- یکدست لباس عروسی «در گذشته آنرا در خود ترکمن چای از پارچه‌های معمولی تهیه می‌کردند».
  - ۳- یکدست لباس برای داماد.
  - ۴- خلعت: داماد باید بکسانیکه همراه او شهر رفته‌اند هدیه‌ای از قبیل پیراهن، جوراب و کفش بخرد. همچنین داماد خلعتی برای مادرزن خود تهیه می‌کند.
  - ۵- یک گردنبند و یک انگشت‌تر طلا جهت استفاده عروس در روز عروسی.
  - ۶- یک جفت کفش سفید، یک چادر شب مشکی و یک جفت جوراب سفید جهت عروس.
  - ۷- چند کیلو قند و چای، ده الی بیست من برنج، هفت الی هشت کیلو روغن حیوانی و یک کیسه آرد.
- ۲- پالتارکسمه «Paltarkasma»: پس از «توی دانشگی» و خرید، وسائل خریده شده را فامیلهای داماد اعم از خواهر و خاله، عمه، دختر خاله، دختر عمو و دختر عمه بااتفاق همراه چند نفر از جوانان جهت مراقبت از آنان بخانه عروس می‌برند پس از صرف چای و شیرینی جوانان بر می‌گردند ولی زنان جهت بریدن پارچه برای دوخت لباس می‌نشینند. مرسوم است که یکی از زنان مسن که در برش پارچه مهارت دارد، یک تکه از پارچه‌های خریداری شده را باندازه تن عروس می‌برد. حاضرین کف می‌زنند و شادی می‌کنند و به عروس تبریک می‌گویند. البته این کار بمنظور دوختن لباس نیست بلکه برای آشنائی بیشتر دو فامیل جدید انجام می‌گیرد. پس از بریدن لباس یکبار دیگر از مهماتان با چای و شیرینی پذیرائی می‌کنند،

و لحظه بعد همه متفرق می‌شوند. بعدها پارچه‌ها را به خیاط می‌برند تا جهت روز عروسی دوخته و آماده کند.

۳- چای مصلحت: مرسم است چند روز قبل از عروسی خانواده داماد همه مردان نزدیک از قبیل فامیل و همسایه عروس و داماد را بخانه خود و بهمین ترتیب خانواده عروس نیز تمام زنان نزدیک را بخانه‌شان دعوت می‌کنند. اگر احیاناً کسی این دعوت را قبول نکند معلوم می‌شود که در عروسی نیز شرکت نخواهد نمود. پس از صرف چای یک‌فر لیست اسمی کسانی را که در روز چای مصلحت حاضر شده‌اند در روی کاغذی می‌نویسد تا از روی لیست جهت شرکت در عروسی دعوت نمایند و معمولاً کسانی که در این روز حضور نداشته باشند دیگر به سایر مراسم عروسی نیز دعوت نمی‌شوند.

۴- یاغ دویو گونی «Yâg düyü günü»: مقدار روغن و برنجی که در روز «توی دانشگی» تعیین کرده بودند. توسط چند نفر پسران و دختران جوان با تشریفات خاصی نزدیکی‌های عصر بخانه عروس برده می‌شود. مادر عروس جهت تشکر از آنها بهریک هدیه‌ای از قبیل جوراب و دستمال که قبلاً بهمین منظور تهیه کرده است میدهد. این روغن و برنج در طول مهمانی‌های عروسی بمصرف می‌رسد.

۵- تاباخ گورمه «Tâbâx Görme» یا جهیز استو «jahiz üstü»: مردم‌تر کمن چای خوانچه‌را «تاباخ»<sup>۱</sup> گویند و یک روز پس از مراسم «یاغ دویو گونی»<sup>۲</sup> مادر عروس جهیزیه دخترش را دریک اطاق روی «تاباخ» هائیکه از «تاباخ چی»<sup>۳</sup> کرده کرده‌اند می‌چینند و برای نشان دادن آنها از اقوام و همسایه‌ها عصر همانروز دعوت بعمل می‌آورد. البته این دعوت تنها از زنان صورت می‌گیرد. مهمانان ضمن اینکه به اشیاء موجود در «تاباخ»‌ها تماشا می‌کنند زنی دستمالی را وسط اطاق پهن کرده تا هریک از تماشاگران بمیزان قدرت مالی خود پولی بعنوان «جهیز استو» در روی آن بگذارند.

---

- ۱ - طبق Tâbâx

- ۲ - Yag düyü günü

- ۳ - jahiz üstü

از بین زنان یکنفر که خواندن و نوشتمن میداند لیست اسامی پول دهنده‌گان را نوشته و با صدای بلند قرائت می‌کند تا همه از مقدار آن مطلع شوند.

این صورت برداری برای آن است که مادر عروس باید متناسب با آن مقدار در روز عروسی فرزند آن شخص بهمان عنوان پس بدهد.

هنگام رسیدن شب دعوت شدگان یکی پس از دیگری عازم خانه‌خود می‌شوند. عده‌ای نیز جهت صرف شام می‌نشینند که آنرا اصطلاحاً «خش»<sup>۱</sup> می‌نامند.

همزمان با مراسم «تاباخ گورمه» در خانه داماد مراسم سرتراشی داماد صورت می‌گیرد.

بدین طریق که همه دوستان بخانه او جمع می‌شوند و سلمانی که قبل از جهت این عمل دعوت شده با تأثی و توأم با شوخی و تفریحات بخصوصی سر داماد را می‌تراشد. پس از خاتمه سرتراشی دوستان داماد هر کدام پولی را بعنوان دستمزد سلمانی دریک سینی جمع می‌کنند و پس از آن حاضرین باشیرینیهای موجود خود را شیرین کام می‌کنند.

۶- بی پالتاری «Bay Paltari»: مردم ترکمن چای تازه داماد را «بی»<sup>۲</sup> می‌نامند. خواهران و زنان نزدیک داماد در وقت شام پس از پایان مراسم «تاباخ گورمه» بلا فاصله بخانه داماد برمی‌گردند و مجلس زنانهای در اطاق جداگانه ترقیب می‌دهند و شام را برای پذیرائی مهمانان آماده می‌کنند. پس از صرف شام مرسوم است که سلمانی لباس داماد را باستثنای بازوی چپ او می‌پوشاند و تازمانیکه تحفه‌ای بصورت پول یا جنس از او نگیرد از پوشاندن بازوی چپ خودداری می‌کند.

در خاتمه بعضی از زنان حاضر در مجلس پارچه‌ای بگردن داماد می‌اندازند که آنرا «خلعت»<sup>۳</sup> گویند که داماد آنها را بعداً به سلمانی پیشکش می‌نماید.

---

-۱ «Xat» بمعنی خرج

-۲ Bay

-۳ Xalat - خلعت

## مرااسم حنابندان<sup>۱</sup>

پس از پایان مرااسم «بی‌پالتاری» بلا فاصله دو فامیل جداگانه در خانه خودشان مرااسم حنابندان را اجرا می‌کنند در خانه داماد مهمانان با بی‌صبری منتظر و رو دسلمانی و داماد می‌نشینند. بمحض ورود آنها حاضرین دونفر از دوستان داماد را بعنوان «ساغدوش و سولدوش»<sup>۲</sup> انتخاب می‌کنند و ظایف آنها راهنمائی داماد است و بایستی در تمام مراسم عروسی تا شب زفاف همراه و راهنمای او باشند.

مرسوم است که در مرااسم حنابندان پیر مردان به بهانه خستگی جهت آزاد گذاشتن جوانان در اجرای این مرااسم یکی بعد از دیگری مجلس را ترک می‌کنند. پس از رفتن ریش سفیدان و بزرگان در حالیکه داماد در میان «ساغدوش و سولدوش» سرپا و رو بقبله ایستاده است سلمانی که اورا «دالاک»<sup>۳</sup> گویند با آهنگ بلند با نواختن دایره شروع بخواندن و باصطلاح «تعريف» داماد می‌کند. در این موقع همه مشغول خوردن شیرینی و میوه و مزاح کردن با دوست بغل دستی خویش می‌باشند و بعضی از دوستان داماد جهت خوشنود کردن او در مقابلش می‌رقصند. در این میان دو نفر دیگر از دوستان داماد «ساغدوش و سولدوش»<sup>۴</sup> را بحرف می‌گیرند تابوتاً نند چیزی از اشیاء متعلق بداماد را بدزدند.

بدیهی است که اگر لباس داماد در این موقع دزدیده شود بادستور او «ساغدوش و سولدوش» را کنک می‌زنند و البته دستورات داماد تا پایان مرحله حنابندان لازم الاجراست و بکسیکه کنک می‌زنند تا زمانیکه پولی از او نگیرند ادامه میدهند و این پول‌ها پس از جمع شدن توسط پدر داماد صرف مخارج حنابندان می‌شود. حدود نصف شب دونفر بنا بدستور داماد بخانه عروس رفته و غذائی را که قبل این موق-

---

۱- ذا کر علی ابراهیمی - مسلم شیر چنگ

۲- « Solduš - Sâgduš »

۳- « Dâllâk »

۴- ساغدوش در طرف راست داماد و سولدوش در طرف چپ او می‌ایستند.

پذیرائی از مهمانان تهیه دیده‌اند بخانه او می‌اورند تا بعداً مخلوط با غذاییکه درخانه داماد تهیه شده صرف نمایند.

نزدیکیهای صبح داماد به مراهی «ساغدوش و سولدوش» و عده‌ای از دوستان صمیمی خود بحمام «بی»<sup>۱</sup> که آنرا اصطلاحاً «بی‌حاما می»<sup>۲</sup> گویند می‌روند. دوستان دیگر داماد بعد از برگشتن آنان از حمام سفره غذارا آماده می‌کنند. بعد از صرف غذا کاسه‌ای پراز حنای خیس شده بمجلس آورده می‌شود و «ساغدوش» در حالیکه دست داماد را گرفته «سولدوش» بانگستان او حنا می‌گذارد. معمولاً بکف دستان داماد و عروس بوسیله حنا گل محمدی نقش می‌کنند و معتقدند که گل محمدی برای ذوجین خوشبختی می‌آورد. لازم بتوضیح است که مشابه همین مراسم نیز همزمان با آن در خانه عروس اجرا می‌شود.

### هراسم آوردن عروس بخانه داماد<sup>۳</sup>

صبح روز بعد حنابندان مهمانان جهت استراحت بخانه خودشان می‌روند ولی عده‌ای از فامیلهای نزدیک داماد بمنظور تهیه غذا و آوردن آب از چشمہ جهت پذیرائی از مهمانان در آنجا می‌مانند. موقع ظهر مدعوین که معمولاً مشکل از فامیلهای عروس و داماد هستند وارد می‌شوند. پس از صرف غذا و قدری استراحت موقع عصر «ساغدوش و سولدوش» به مراهی چند نفر از مردان و زنان نزدیک و عده‌ای از ریش‌سفیدان روستا برای آوردن عروس بخانه او می‌روند. آنها در یکی از اطاق‌های خانه عروس مورد پذیرائی قرار می‌گیرند. سپس یکی از ریش‌سفیدان که قبل از شیربهای عروس دا بنام «باشلخ»<sup>۴</sup> از پدر داماد تحويل گرفته است در اختیار پدر

۱ - « Bay » - داماد

۲ - « Bay Hâmâmi »

۳ - مسلم شیرچنگ شغل آموزگار

۴ - « Bâshlix »

عروس قرار میدهد . بدیهی است که همه آنها بمنظور تهیه صورت جهیزیه عروس تا آخر می نشینند و یکنفر لیست آنها را روی کاغذی به ترتیب نوشته و حاضرین بعنوان شاهد زیر آنرا امضاء می کنند .

معمولًا جهیزیه را بوسیله اسب و در حالیکه پسر بچه ای روی آنها پشت اسب سوار شده بخانه داماد حمل می کنند . مرسوم است که این پسر بچه تا زمانکه پول ویا هدیه ای بعنوان چشم روشنی از داماد نگیرد از روی جهیزیه های موجود در پشت اسب پیاده نمی شود . داماد پس از راضی کردن او جهیزیه را با یاری «ساغدوش و سولدوش» بخانه خود حمل می نماید .

معمولًا ترکمن چائیها عروس را دو سه ساعت از شب گذشته بخانه داماد می آورند .

بدین طریق که پس از فرستادن جهیزیه دونفر از خواهران و یا عمه و خاله عروس که آنها در زبان محلی «بنگه»<sup>۱</sup> گویند در حالیکه دو بازوی عروس را گرفته اند در میان زنان از خانه خارج می کنند و پیاده ویا سوار بر اسب بطرف خانه داماد روانه می شوند . تا دم در خانه داماد شخصی بعنوان نوازنده بنام «عاشق»<sup>۲</sup> با ساز محلی خود می نوازد .

قبل از ورود عروس و همراهان بحیاط خانه ، داماد با تفاق «ساغدوش و سولدوش» در پشت بام در کمین می نشینند و منتظر ورود آنها می شوند . بمحض رسیدن عروس ، داماد یک عدد سیب را که قبلا بهمین منظور تهیه کرده دو نصف می کند یک نصف آن را بطرف عروس پرتاپ کرده و نصف دیگر را خودش صرف می کند . با این عمل به عروس می فهماند که از این بعد تمام هستی خودشان را بطور مساوی تقسیم خواهند کرد . سپس داماد از پشت بام پائین آمد و آئینه ای را بطرف صورت عروس می گیرد زیرا معتقدند که آئینه روشنائی می آورد و درنتیجه هردو تا آخر عمر

خوشبخت خواهند شد. «ینگه»‌ها عروس را ب مجلس زنانه هدایت می‌کنند و مهمانان مرد جهت صرف شام در یکی از اطاقها در انتظار می‌نشینند.

البته این مهمانان کسانی هستند که در مراسم «چای مصلحت» حضور داشتند و لیست نام آنها قبل تهیه شده است.

پس از صرف شام مقداری پول از مهمانان جمع آوری می‌شود که آنرا اصطلاحاً «دوران»<sup>۱</sup> می‌نامند.

رسم براین است که در شب عروسی قبل از عزیمت عروس بخانه داماد یکی از پسر بچه‌ها کمر او را باطنابی محکم می‌بندد. زیرا معتقدند که در اثر آن کمر عروس سفت شده و صاحب اولاد زیاد خواهد شد. در مقابل عروس بصورت بچه‌گرد آرد می‌پاشد تا زندگی زناشوئی عروس و داماد پربر کت باشد. در شب عروسی از مردان تنها «ساغدوش و سولدوش» جهت راهنمائی داماد برای زفاف می‌نشینند و بقیه متفرق می‌شوند.

## مراسم زفاف

در ترکمن چای شب زفاف بغير از زنان نزدیک و «ینگه»‌ها همه مهمانان متفرق می‌شوند. «ینگه»‌ها وارد حجله عروسی شده رختخواب عروس را بنا باعتقادات مذهبی رو بقبله می‌اندازند و عروس را بطرف حجله‌اش راهنمائی می‌کنند. او در حجله متنظر آمدن داماد می‌نشیند و اگر قرآن خواندن بلد باشد در این فاصله قدری قرآن می‌خواند. بهمین طریق «ساغدوش و سولدوش» نیز داماد را تا دم حجله هدایت می‌کنند و خودشان در اطاق دیگری دور از دید زنان در انتظار می‌نشینند. در این موقع یکی از خواهران داماد و یا «ینگه»‌ها دست عروس را در دست داماد می‌گذارد و آنان را تنها گذاشته و بخدا می‌سپارد. مرسوم اینکه هنگام دست دادن عروس

و داماد یکی از آنها پای خود را روی پای دیگری میگذارد و معتقدند که هر کدام زودتر پای دیگری را لگد کند در زندگی زناشوئی حاکم می شود و حرفش را بکرسی عمل می نشاند.<sup>۱</sup>

ینگه ها و سایرین در پشت در لحظه شماری می کنند بالاخره نیم ساعت بعد داماد در حالیکه دستمال سفیدی را که آغشته به چند قطره خون است از حجله بیرون آمده و آنرا تحویل ینگه ها می دهد «ینگه» ها دستمال را بعنوان شهود نسبت به بکارت عروس بحاضرین نشان می دهند. و سپس یکی از آنان بهمراه «ساغدوش و سولدوش» جهت اخذ چشم روشنی دستمال را به مادر عروس می برند.

ممکن است در اثر کثرت هیجان و شرم داماد «زفاف» در شب اول انجام نشود در این صورت معتقدند که دشمنان داماد را باصطلاح جادو کرده و «بسته» اند در این مورد جهت رفع آن به چاره های زیر اقدام می کنند.

۱- از دعانویس محل دعا گرفته در آب بهم می زند و آب آنرا بداماد می خورانند.

۲- دوستان داماد اورا پس از گذراندن از قبرستان از روی هفت «بولاغ»<sup>۲</sup> یعنی هفت چشمه واژ زیر هفت پل عبور می دهند و چنین باور دارند که اگر داماد را کسی «بسته» باشد جادوی آن لغو می شود.

### دواخ قاپما<sup>۳</sup>

«دواخ»<sup>۴</sup> در اصطلاح وسیله پوشش یا روسربی عروس را گویند. روز بعد

---

۱- رسم لگد کردن در نواحی مختلف در موقع مختلف مانند دست بدست دادن یا موقع اجرای صیغه عقد یا زمان امضای عقدنامه بعمل می آید فقط در دنیای جدید ماشینی است که این مراسم به پوج بودن محکوم می شوند.

۲- «Bülâg»

۳- «Duvâx Gâpmâ»

۴- «Duvâx»

از شب زفاف زنان در خانه داماد جمع شده و تا ظهر جشن وسرور بر پا می کنند و پس از صرف نهار و جمع آوری پول آنرا تحویل پدر داماد می نمایند تا کمک خرج عروسی شود. سپس یکی از ینگها عروس را بمجلس آورده و در صدر مجلس روی یک صندلی می نشاند و یک روسری به سر او می اندازد. در این موقع پسر بچه ای در حالیکه در دستهایش دو قاشق را محکم گرفته بجلو عروس آمده و چنین می گوید: «قاپم . قاپمایم»<sup>۱</sup> و آنرا سه مرتبه تکرار می کند . یکی از ینگها خطاب به پسر بچه چنین جواب میدهد «قاپما گلیندور»<sup>۲</sup> پسر بچه با سرعت روسری را با قاشق هایکه در دستش دارد از سر عروس برداشته و فرار می کند و تا هدیه ای نگرفته روسری را پس نمی بخشد .

### دختران دم بخت<sup>۳</sup>

در ترکمن چای دختران دم بخت برای اینکه زودتر شوهر کنند به اعمال نامبرده متousel می شوند .

۱ - در شب چهارشنبه سوری عده ای از دختران با تقاضا هم بسر یکی از چشمها را روستا رفته و در حالیکه هر کدام یک عدد قیچی به مرأه دارند در کنار آب می نشینند و پس از نیت کردن آب چشم را با آن چندین بار می برنند و چند مرتبه از روی آب می پرند و این جملات را به زبان آذری تکرار می کنند «آتل باتل چارشنبه، بختیم آچل چارشنبه»<sup>۴</sup> معتقدند که با این عمل بختشان باز شده و درد بدنشان نیز شفا پیدا می کند .

۲ - شب چهارشنبه سوری دختران دم بخت پشت در حیاط خانه می ایستند و یک کلید را به سوراخ قفل آن می اندازند و منتظر گذشتن کسی از جلو در می شوند.

---

GâpIm GâPmâyIm -۱

Gâpmâ Gelindür -۲

-۳ - مسلم شیر چنگ و مامای محل

-۴ - آتIl bâtIl çârşanba baxtim âçIl çârşanba یعنی به پر و پائین آی چهارشنبه بخت باز شو چهارشنبه .

اگر در میان سخنان شخصیکه از جلو در عبور می کند لفظ «الله» و یا اسم ائمه آورده شود معلوم می شود که بخت دختر باز شده و شوهری برایش پیدا خواهد شد.<sup>۱</sup>

۳- دختران دم بخت در ترکمن چای جهت باز شدن بختشان از دعائنویس محل دعا می گیرند و بدین ترتیب معتقدند که چلهشان بریده شده بختشان باز می شود.

### اعتقادات درباره زنان نازا<sup>۲</sup>

بچه دار شدن از نظر فطری و روانی یکی از آرزو های هرزنی است بدین جهت زنانی که حامله نشوند کمبودی در خود حس کرده و همواره برای رفع آن چاره هایی جستجو می کنند معمولاً زنان ترکمن چای برای رهائی از نازائی اعمال زیر را انجام می دهند:

۱- زنان نازا در ترکمن چای برای بچه دار شدن بوسیله علوفه هایی که از اطراف باغات و مزارع جمع می کنند داروئی بنام داروی «حامملگی» درست کرده می خورند و معتقدند که با خوردن آن بچه دار خواهند شد.

۲- با مخلوط کردن این علوفه ها با روغن دمبه داروئی بنام «چله داغی» درست کرده و آنرا در رحم زن نازا می گذارند زیرا براین عقیده اند که رحم او خشک شده که «چله داغی» آنرا نرم کرده و بدین وسیله حامله خواهد شد.

۳- روز سوم شهادت حضرت امام حسین (ع) آش نذر می پزند و دو عدد گردو را پس از علامت گذاری یکی را بنام شوهر و دیگری را بنام زن بداخل آش می اندازند اگر گردوها هردو جوانه بزنند معلوم می شود که زن نازا حامله خواهد شد. ضمناً گردوها علت نازائی را معلوم می کنند.

معتقدند گردوئی که بنام شوهر علامت گذاری شده جوانه نزنند معلوم می شود

---

۱- گوش ایستادن

۲- مامای محل باورهایی که مردم درباره آن می اندیشنند اکثراً از اعتقادات مذهبی آنان سرچشمه می گیرد.

Cilla Dâgi -۳

نازائی از مرد است و یا برعکس گردوئیکه بنام زن علامت گذاری شده جوانه نزند  
نازائی زن را معلوم مینماید .

۴- اگر از روش‌های فوق نتیجه نگیرند نذر می‌کنند پس از بچه‌دار شدن در  
اما مزاده غذائی پخته و به زوار او احسان کنند .

۵- زنان نازا در روز تاسوعای سیدالشهداء از زیر شبیه اطاق قاسم که در  
منطقه تهیه می‌کنند رد می‌شوند ولی مردان از عبور زنان از زیر آن جلوگیری می‌کنند  
زیرا معتقدند زنان کسانیکه در این مراسم شرکت کرده‌اند نازا خواهند شد.

۶- زنان نازا نذر می‌کنند اگر بچه‌دار شوند تا هفت سالگی موهای بچه‌را  
نزنند معمولاً پس از برآورده شدن حاجات‌شان بچه را در هفت سالگی بزیارت امام  
هشتم بردۀ زلفش را در آنجا اصلاح می‌کنند و این نوع بچه‌ها را اگر پسر باشد  
حیدری می‌گویند .

۷- نذر می‌کنند اگر بچه‌دار شوند دختر باشد اسمش را فاطمه و اگر پسر  
باشد علی بگذارند زیرا فاطمه نام دختر بزرگوار و علی نام داماد پیغمبر و امام اول  
شیعیان است .

### ویار و باورهای مربوط به آن<sup>۱</sup>

در ترکمن‌چای ویار کردن را «یریک لهمک»<sup>۲</sup> می‌گویند. معمولاً چهل روز پس  
از آنکه نطفه در بطن مادر افتاده دهن او بی‌طعم می‌شود و از خوردن بعضی از غذاها  
لذت بردۀ و به بعضی از غذاها بی‌میل می‌شود . ترکمن‌چائیها در این روزها غذای  
مادران ویار شده را کنترل می‌کنند. زیرا معتقدند غذائیکه مادر بچه می‌خورد از لحاظ  
روحی و فیزیکی در بچه اثر می‌گذارد .

۱- مسلم شیرچنگ - مامای محل  
Yariklamak - ۲

- ۱- زنان در مرحله ویار کردن نباید از دست افرادی که بروججه آنان آشنائی نداشته و نظر مساعدی ندارند غذا بخورند که آنرا «تیکه»<sup>۱</sup> گویند اعتقاد دارند که روحیات اخلاقی او دربچه اثر خواهد گذاشت. از دست افرادی که از نظر دید اجتماع شخصی صالح و نمازخوان می باشند «تیکه» می خورند. زیرا معتقدند که بچه شان مثل او صالح و نمازخوان خواهد شد.
- ۲- مادران ویار کرده از خوردن سیر و پیاز اجتناب می کنند باورشان براین است که بچه ای که بدنیا می آید تا آخر عمر، زندگیش با گریه و زلزله مسپی شده و بی هوش و تنبیل بیار می آید.
- ۳- در ترکمن چای اعتقاد براین است که اگر مادر ویار کرده انلر بخورد بچه اش پس از بدنیا آمدن با هوش خواهد شد.
- ۴- بعضی از مادران در زمان ویار کردن میل به خوردن «گیل»<sup>۲</sup> حمام دارند. و با وجودی که معتقدند خوردن آن در ونگ پوست بچه اثر خواهد گذاشت و اورا سیاه رنگ خواهد کرد باز این عمل را انجام میدهند بهمین جهت زنانه مسن آنها را از خوردن آن باز میدارند و تا پایان مرحله ویار از آنها مراقبت می کنند.
- ۵- بعضی از زنان ترکمن چای در دوره ویار مهر جانمaz را خرد کرده و می خورند و معتقدند که بچه ای که بدنیا می آید مؤمن و نمازخوان خواهد شد.

### **پیشگوئی در باره پسر و یا دختر بودن بچه<sup>۳</sup>**

مردم ترکمن چای در مورد پسر و یا دختر بودن بچه باورهای بسیاری دارند از جمله اگر بچه دو شکم مادر کمتر حرکت کند معلوم می شود که بچه دختر و اگر

- لقمه Tika -۱

- Gil معنی «گل» که در گذشته در حمام برای سر شستن مصرف میشد.

- مسلم شیر چنگ و مامای محل

پیشانی مادر در زمان حاملگی روشن و چهره‌ماش گلگون باشد بچه پسر است. اگر نوک پستانهای مادر سیاه باشد پسر و اگر معمولی باشد دختر بدنیا خواهد آورد. لک شدن چهره مادر دلیل بر دختر بودن نوزاد است.

### مرحله زایمان و باورهای مردم درباره آن<sup>۱</sup>

بنا باعتقاد مردم ترکمن چای پس از برقراری نطفه در رحم مادر در مدت نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه بچه بدنیا می‌آید و برای آسان شدن زایمان باورهای بسیاری دارند.

۱- در هنگام شروع وضع حمل گیاهی را بنام «چنگ میریم» بداخل آب می‌گذارند. تصور می‌کنند زمانیکه این گیاه در توی آب شکوفه بازند بچه نیز بدنیا خواهد آمد این گیاه را حاجیان بعنوان سوغاتی از مکة معظمه می‌اورند و چنین اعتقاد دارند که حضرت میریم (ع) هنگام وضع حمل حضرت عیسی (ع) در کنار بوتهای از این گیاه نشسته و با آن چنگ زده برد.

زنان براین باورند که اگر گیاه مذکور تا هنگام زائیدن بچه گل زرد باز کند نوزاد پسر و اگر گل سرخ باز کرد دختر خواهد بود.

۲- اگر زایمان دیرتر از موعد و بسختی انجام گیرد بدعا نویس رفته و دعائی بنام «آزادناما»<sup>۲</sup> می‌گیرند و آنرا به ران مادر می‌بندند زیرا معتقدند که این «آزادناما» بچه را آزاد می‌کند.

۳- اگر پس از بدنیا آمدن نوزاد جفت او در رحم مادر گیر نماید کوزهٔ خالی را جهت دمیدن بدست مادر میدهند تا در اثر فشار جفت نیز بیرون آید.

۴- زنان ترکمن چای در موقعی که عمل زایمان بسختی انجام گیرد بدور زائو یک خط دایره می‌کشند و هیچکس حتی ماما حق ورود بداخل آنرا ندارند. زیرا

۱- مسلم شیر چنگ و مامای محل.

۲- آزادنامه – *Âzâd nâmâ*

معتقدند درغیر اینصورت ارواح خبیثه در هیئت پرنده‌ای که آنرا «قوش»<sup>۱</sup> می‌نامند به نوزاد آسیب رسانده و موجب مرگ او می‌شوند و حیوانی بنام «آل»<sup>۲</sup> جگر مادر را از جایش می‌کند. ضمناً براین باورند که خط دایره باعث آسانی زایمان و از زرد شدن چهره زائو و بیمار شدن او جلوگیری مینماید.

### باورها و سنن درباره جفت و ناف بچه

در ترکمن‌چای بلافاصله پس از بدنیا آمدن نوزاد بفاصله سه انگشت از شکم ناف او را با قیچی از جفت جدا کرده و آنرا سفت با طنابی می‌بندند. معمولاً جفت را در زیر خاک دفن می‌کنند تا از دسترس حیوانات گوشتخوار مصون باشد. زیرا اعتقاد آنها براین است که جفت جزء اعضای بدن انسان است و سهل‌انگاری در این مورد برای پدر و مادر گناه محسوب می‌شود. پس از هفت روز ناف بچه می‌افتد. اگر نوزاد پسر باشد ناف او را در آستانه مسجد دفن می‌کنند تا بدینوسیله پس از بزرگ شدن فرد نمازخوان و مؤمن باشد و اگر دختر باشد ناف او را در یکی از اطاقهای خانه دفن می‌کنند تا پس از بزرگ شدن زن خانه‌دار و علاقمند بخانه باشد. بعضاً ناف نوزادان پسر را برای اینکه در بزرگی در دامداری موفق باشند در آستانه طویله دفن می‌کنند.

### سنن و باورها از روز تولد نوزاد تا روز دهم

۱- ترکمن‌چائیها به پیروی از سنن دینی خود بلافاصله پس از تولد نوزاد بهردو گوش او اذان می‌خوانند و اگر نوزاد پسر باشد باو لقب محمد و اگر دختر باشد فاطمه می‌دهند زیرا محمد نام پیغمبر «ص» مسلمانان و فاطمه نام دختر بزرگوار

آنحضرت است. و بعداً پدر و مادر بچه در مراسم نامگذاری اسم اصلی فرزندشان را انتخاب می‌کنند.

۲- پس از وضع حمل زائو را در رختخواب خوابانده و بچه را در کار او جا می‌دهند و زیربالش یا متكای هردو کاردی را بصورت باز قرار میدهند زیرا معتقدند که در غیر اینصورت ارواح و جن به نوزاد و مادرش آسیب می‌رسانند.

۳- مردم ترکمن‌چای معتقدند که اگر تا روز دهم پس از زایمان زائو و بچه را لحظه‌ای تنها بگذارند حیوانی بنام «آل»<sup>۱</sup> که آنرا «آل آروادی»<sup>۲</sup> می‌نامند جگر زائو را بیرون می‌آورد برای رهائی از ضرر این حیوان پیازی را به نوک داس فرو کرده و آنرا بالای سرزائو و بچه‌اش نصب می‌کنند و باور دارند که «آل آروادی» از طعم تلخ پیاز نفرت دارد و از اینکه داس از جنس آهن و برنده است می‌ترسد و نمی‌تواند نزدیک بیاید.<sup>۳</sup>.

۴- برای رفع ترس از دل زائو زنان ترکمن‌چای در اطاق او بالای سرزائو علامت (+) می‌کشند و در فاصله زمانهای مختلف اسپند دود می‌کنند. معتقدند که

---

### آل - ۱

۲- *آل آrvâdi* - مردم ترکمن‌چای معتقدند که «آل آروادی» حیوانی است شبیه بیک زن که بجگر زدن زائو علاقمند است و اگر در نزد زائو چیز برندۀ‌ای شبیه کارد و یا داس قرار ندهند «آل آروادی» از فرصت استفاده کرده و به زائو حمله می‌کند منقول است که سالها پیش شخصی بنام عباس ابراهیمی ساکن ترکمن‌چای «آل آروادی» را گرفته و جهت جلو گیری از فرار او سنجاقی را به یقه او نصب کرده بود. این حیوان مرتب هیزم‌ها را از کوه جمع آوری کرده و بخانه نامبرده حمل می‌نمود. گویند روزی شخصی سنجاق را از یقه او باز کرده و درنتیجه حیوان فرار نموده ولی موقع فرار به پشت بام می‌رود و چنین می‌گوید «من میروم ولی از خانه شما نباید زباله کم شود» بهمین جهت همیشه خانه این شخص مملو از زباله می‌باشد.

۳- بتحقیق ثابت شده پیاز بریده شده در محل برش میکرب و ویروس‌ها را جذب می‌کند بنا بر این قراردادن پیاز بریده شده در زیر تخت زائو جنبه بهداشتی دارد.

نشانه (+) را حضرت زهراء (ع) در هنگام زائو شدن در بالای سر خود می‌کشید.

۵- در بعضی مواقع «آل آروادی» بذائو آسیب می‌رساند که منجر به مریض شدن و مرگ او می‌شود در این گونه موارد جهت معالجه او از دعا نویس دعا می‌گیرند و آنرا در نقطه‌ای از رختخواب وبا بازوی زائو می‌بنند.

### مراسم حمام بردن زائو

ترکمن چائیها روز دهم زایمان زائو را به حمام می‌برند و جهت موازنیت او چند نفر زن و «ماما» با او همراه می‌شوند استحمام و لباس پوشاندن به زائو بعلت خبرگی بعهده «ماما» می‌باشد. البته اگر چشم داشتی به انعام نداشته و خبرگی را کلاه شرعی نسازد.

در فاصله‌های معین جهت تقویت او برایش زردۀ تخم مرغ می‌خورانند. معمولاً این تخم مرغهارا که بتعداد چهار عدد می‌باشند بعد از زایمان بعلت خوش‌یعن بودن بالای سر زائو می‌گذارند.

پس از پایان استحمام پیاده و یاسوار برابر که نزدیکان داماد دم در حمام برای عروس آماده کرده‌اند بخانه بر می‌گردند در این روز عده‌ای از زنان نزدیک زوچین که برای صرف نهار بخانه داماد دعوت کرده‌اند، در وقت ظهر جهت صرف نهار حاضر می‌شوند. پس از صرف نهار مراسم نام‌گذاری نوزاد شروع می‌شود.

### مراسم نام‌گذاری

معمولًا نام کودک را در ترکمن چای رئیس خانواده که پدر بزرگ می‌باشد انتخاب می‌کند. زیرا اکثر خانواده‌های ترکمن چای در سیستم خانواده بزرگ<sup>۱</sup> می‌باشند. در صورتیکه پدر بزرگ در حی نباشد، به ترتیب مادر بزرگ<sup>۲</sup> پدر و مادر

۱- خانواده بزرگ در فصل سیستم‌های خانواده بتفصیل آورده خواهد شد.

۲- منظور از مادر بزرگ مادر داماد است.

کودک نام او را تعیین می کنند . نامگذاری در روز دهم تولد نوزاد انجام میگیرد و به ترتیب مذکور عمل می کنند .

در مجلس زنانه که روز حمام بردن زائو در خانه داماد تشکیل شده «ماما» کودک را بغل کرده و پس از اذان و اقامه خواندن و ذکر اسمی ائمه (ع) در گوش او نامش را نیز ذکر می کند سپس او را تحويل مادر بزرگ داده او نیز پس از انجام همان مراسم به ترتیب از طرف راست کودک را دست بدست حاضرین می دهد در خاتمه «ماما» او را گرفته تحويل مادرش میدهد . در این مراسم هدایائی بصورتهاي مختلف از مهمانان جمع آوري می شود .

۱- مبلغی بعنوان بخشش جهت «ماما»

۲- فاميلهای نزدیک هر کدام پارچه‌ای بصورت چادر، جوراب ، لباس زنانه جهت هدیه به «ماما» میدهند .

۳- مادر بچه در حدود صد تو مان بعنوان دستمزد برای «ماما»

## شیرها

در ترکمن‌چای شیرها را «باشلخ»<sup>۱</sup> می‌گویند و آن مقدار پولی است که باید پدر داماد در موقع عروسی فرزندش به پدر عروس پرداخت نماید .

ممکن است شیرها بصورت جنسی مانند یک گاو ماده شیرده و یا دو سه رأس بز و گوسفند نیز پرداخت شود . مرسوم بودن شیرها در ترکمن‌چای را می‌توان معلول چند عامل دانست :

۱- در ترکمن‌چای تازمانیکه دختر در خانه پدر خود زندگی می کندیک نیروی کار محسوب می‌شود و از نظر اقتصادی و همکاری با افراد خانواده در امور دامی و کشاورزی نقش مؤثری دارد بنابراین جای او در صورت جدا شدن از خانواده پدر

حالی میماند از طرفی نیروی کار او در آینده پس از رفتن بخانه شوهر صرف کمک بخانواده او خواهد شد.

۲- از نظر عاطفی و روانی افراد خانواده از جمله پدر و مادر با جدا شدن یکی از فرزندان دلبند خود دچار ناراحتی می‌شوند.

۳- رسم براین است که مادران دختران خود را در زمان شیرخوارگی نیم سال «شش ماه» بیش از پسران شیر میدهند و معتقدند که باید قیمت شیر اضافی از پدر داماد گرفته شود.

بهمین جهت پدر داماد مطابق سن قدمی مجبور به پرداخت مقدار شیر بهای تعیین شده می‌باشد البته مقدار آن بستگی به نیروی اقتصادی پدر داماد می‌باشد.

### از شیر گرفتن بچه

مدت شیرخوارگی کودکان در ترکمن‌چای نسبت به جنس آنان متفاوت است بطوریکه دختران را شش ماه بیش از پسران شیر می‌دهند. برخی از زنان تایلک سال و برخی تادوسال و نیم بکودکان خود شیر میدهند و بدیهی است که معمولاً مدت شیر خوردن بچه بسته بقدرت بدنی مادر است.

بمنظور از شیر گرفتن بچه زنان ترکمن‌چای جهت تلخی آن نوک پستانهای خودشان را بوسیله ماده‌ای بنام «زنجفیل»<sup>۱</sup> آغشته می‌کنند تا هنگام تماس با دهن بچه احساس تلخی کرده و از آن تنفس حاصل کند تا دوباره بمکیدن پستانهای مادر رغبت ننماید.

### دندان در آوردن بچه

ترکمن‌چائیها بمحض مشاهده اولین دندان‌شیری کودکان خود «دیش‌هدیگی»<sup>۱</sup> می‌پزند و مواد آن مخلوط گندم و نخود می‌باشد. معتقدند که اگر «دیش‌هدیگی» را بموقع بپزند دندانهای بعدی باسانی بیرون آمده و سفت و محکم می‌شوند همچنین کودک بهنگام بزرگ شدن فرد آرام و ساکت بیار می‌آید.

پس از پختن و آماده کردن «دیش‌هدیگی» تعداد هفت عدد دانه گندم و یک عدد از دانه‌های نخود را در نخی فروکرده و آنرا از یقه کودک آویزان می‌کنند تا نسبت به درآوردن دندانهای بعدی تسريع بعمل آید.

پس از ریختن و آماده شدن «دیش‌هدیگی» جهت اطلاع فامیل و همسایگان بین آنان تقسیم می‌کنند و آنها نیز در عوض یک جفت جوراب و یا چند عدد تخم مرغ برای بچه هدیه می‌کنند. زیرا معتقدند که خالی برگرداندن ظرف «دیش‌هدیگی» بخانه نوزاد بدین است.

مرسوم است که هر کس دندان اولی کودک را قبل از همه به بیند بایستی یک عدد پبراهمن به کودک هدیه کند.

اگر کودکی او لین دندان‌شیری خود را از قسمت فک بالا درآورد در این صورت پدرش باید قربان ذبح کند و نوع آن بستگی به قدرت اقتصادی خانواده دارد اگر کم بضاعت باشند یک خروس و یا از قدرت مالی برخوردار باشند یک گوسفند قربانی می‌کنند. زیرا معتقدند درآوردن دندان اول از فک بالا سخت و مشکل می‌باشد و در ضمن با این عمل از عوارض چشم زخمها جلوگیری می‌کنند.

### مراسم ختنه کردن کودکان

ختنه کردن کودکان در ترکمن‌چای معمولاً از سه سالگی تا ده سالگی صورت می‌گیرد. در این مراسم همه فامیلها و همسایگان را برای صرف نهار دعوت می‌کنند. بدیهی است که زنان حق ورود به مجلس مردانه را ندارند.

در ترکمن‌چای عمل ختنه را سلمانی که آنرا «دال‌لاک»<sup>۳</sup> می‌نامند انجام میدهد.

---

Dis Hadigi -۱

Dâllâk -۲

-۳- یکی از عواملی که ترکمن‌چائیها کودکان را در سنین ده سالگی ختنه می‌کنند عبارت از این است که چون کودک در این سن تمام اتفاقاتیکه در محیط زندگی خود می‌بیند درک می‌کنند در نتیجه در مراسم ختنه سورانی محبت‌ها و نوازش‌ها و هدایائیکه با و میدهند در روحیه او تأثیر خواهد گذاشت.

بدین طریق که پس از صرف نهار «دال لاك» بهمراهی دو نفر مرد که معمولاً دایی یا عموی کودک است وارد مجلس زنانه شده و پس از تحویل گرفتن کودک از مادرش یکی از آنها او را بغل کرده و مواطن دست و دیگری پاهای او می‌شود تا تکان ندهد سپس «دال لاك» پوسته محل ختنه را بوسیله گیره‌ای بنام «کس کاچ»<sup>۱</sup> که از ساقه نی درست کرده است گرفته و آنرا با تیغ می‌برد و جهت جلوگیری از خونریزی به روی آن خاکستر ریخته و محل زخم را با تنظیف و یا پارچه‌های تمیز محکم می‌بندد. مزد «دال لاك» معمولاً خیلی کم است زیرا معتقدند که این عمل سنت رسول اکرم (ص) و یکی از واجبات شرعی می‌باشد و شخص ختنه‌کننده علاوه از پاداش دنیوی پاداش اخروی دارد. «دال لاك» در بعضی موارد از خانواده‌های کم بضاعت مزدی دریافت نمی‌کند.

در مراسم ختنه سورانی هدایائی که مدعوین به کودک می‌آورند بقرار زیر می‌باشد:

- ۱- اسباب بازی از قبیل عروسک‌های پارچه‌ای و آنرا خودشان درست می‌کنند.
- ۲- اسباب بازی پلاستیکی که از شهر بهمین منظور خریداری کرده‌اند.
- ۳- لباس بچه‌گانه.
- ۴- جوراب بچه‌گانه.
- ۵- وانیکاد طلائی یا فلزی.
- ۶- کالسکه و نظایر آن.
- ۷- پول نقد و آن بمصرف مخارج ختنه سورانی میرسد.
- ۸- یک رأس بز یا گوسفند.
- ۹- یک خرس.
- ۱۰- چند عدد تخم مرغ.
- ۱۱- کاشتن نهال بنام بچه.

### - ۱ - Kiskaç - گیر.

۲- معمولاً در روستای ترکمن‌چای در مراسم تولد، دندان در آوردن، از شیر گرفتن و ختنه کردن کودکان توسط «پدر، عمو یا دائی» آنان در یکی از باغات میوه بنام کودک یک‌نهال بعنوان هدیه کاشته می‌شود.

در گذشته مردم ترکمن چای مراسم ختنه سورانی را بطور مفصل اجرامی کردند و آنرا «سنت تویی»<sup>۱</sup> می‌نامیدند زیرا علاوه بر اینکه یکی از واجبات شرعی محسوب می‌شد، معتقد بودند کوک از یک مرحله زندگی به مرحله جدیدی قدم می‌گذارد و جای جدیدی در اجتماع برای خود پیدا می‌کند.

مهمانان علاوه بر هدایای که بکوک می‌آورند هر کدام به نسبت قدرت مالی خود پولی را به پدر کوک هدیه می‌نمودند. بطوریکه حتی علاوه بر تأمین مخارج ختنه پدر کوک قرض‌های خود را بوسیله آن پرداخت می‌نمود.

### سیستم خانواده در ترکمن چای

پیش از آنکه سیستم خانواده در ترکمن چای را مورد مطالعه قرار دهیم بطور اختصار به تشریح خانواده و انواع آن می‌پردازیم.

بشر موجودی منفکر، خلاق و اجتماعی آفریده شده است دین در نهاد او فطری و دائمی در جستجوی حق و حقیقت بوده است. «بنا بر عقیده پروفسور «کورت شیلینگ»<sup>۲</sup> همانگونه که برخی از حیوانات مانند میمونها - اسبها - فیل‌ها اجتماعی زندگی می‌کنند. انسانهای اولیه نیز باهم بشکار میرفته و یا از خود دفاع می‌کرده‌اند که تعداد آنها ابتدا کم بوده رفته بر تعداد آنها افزوده شده است.» گروهی از محققین انسانهای اولیه را بصورت خانواده‌های مجزا دارای معتقدات و رسومات خاص تصور کرده‌اند و خاطرنشان ساخته‌اند که تکامل و پیشرفت انسان بوسیله انتقال تجارب به نسل‌های آینده توسعه می‌یابد. در اعصار اولیه که شرایط برای ارتباط و انتقال تجربه نامساعد بوده تحول و تکامل نیز بسیار کند انجام

---

— ۱ — عروسی ختنه کردن: در این مراسم مانند تازه داماد بکوک لباسهای فاخر و تازه می‌پوشانندند تا روحیه او شاداب و خاطره بهتری از این مراسم داشته باشد.

— ۲ — Cort Siling فیلسوف و محقق آلمانی.

یافته است و هنگامی که رابطه گروهها بوجود آمده ، تکامل زبان بخصوص باین ارتباط کمک نموده و سرعت حرکت تکاملی افزایش یافته است .

پس از پیدایش تمدن و شهرنشینی و ارتباط نزدیک و مداوم شهری ، از دیاد جمعیت و امکان حفظ و انتقال سیستماتیک تجارب ، شتاب بیشتری بخود گرفته است . ما در این صد سال اخیر به خوبی شاهد افزایش شتاب حرکت اجتماعات می باشیم . اگر ده هزار سال تمدن گذشته را با دو قرن اخیر مقایسه کنیم از نظر ابداع بشر در این قرون به مراتب پیش از آن ده هزار سال پیشرفته است .

حیوانات زندگی غریزی دارند ولی انسان موجودی است متغیر که مستقل ایجاد نظام و قرارداد می نماید بنابراین مفهوم خانواده بین انسانهای اولیه نیز بر مبنای اجتماعی عقیدتی و مذهبی که افراد آن باهم ایجاد می نماید پی ریزی شده است که حربیم آن همواره مقدس و قابل احترام می باشد .

در بین مردم ایران قدیم « قبل از اسلام » بالفطره مذهب نقش بسیار اساسی داشته و نظام اجتماعی تحت تأثیر این جامعه بوده است . پرستش اجداد و آداب و رسوم خاص مربوط به آن مثل سایر اقوام آریائی در سرزمین ایران رواج داشت بطوریکه رئیس خانواده علاوه از اینکه سرپرست خانواده بود مسئول حفظ و حراست از سنن و آداب خاص دین خانواده نیز بشمار میرفت . اجتماع این خانواده ها عشیره و از تجمع عشیره ها قبیله ، در نتیجه ناحیه بوجود می آمد .

خانواده : واحد اجتماع خانواده است و شالوده آن بر اساس معتقدات دینی و تناسب اقتصادی و تقسیم کار بین افراد آن ریخته شده که شامل مرد و زن و فرزندان آنها می باشد . خانواده در نظام تمام جوامع بشر خانواده نقش بنیانی و اساسی دارد و بحسب تعداد اعضاء ، وظایف آنها ، انواع ازدواج و تشکیلات داخلی وغیره تقسیم بندی شده است .

۱- خانواده بزرگ<sup>۱</sup> : افراد آن شامل پدر و مادر و فرزندان ازدواج کرده آنها .

در این نوع خانواده‌ها پدر و مادر بزرگ و فرزندان «پسران» ازدواج کرده‌انها هم کدام بهمراه فرزندان خودشان در یک خانه باهم و در زیر یک سقف زندگی می‌کنند که پدر بزرگ رئیس خانواده محسوب می‌شود.

۲- خانواده‌کوچک : این نوع خانواده‌ها از خانواده‌های بزرگ مشتق می‌شوند و افراد آن شامل پدر و مادر و فرزندان ازدواج نکرده آنان می‌باشند.

۳- خانواده مدرن یا هسته‌ای.

### سیستم خانواده در ترکمن‌چای

خانواده‌های ترکمن‌چای اکثراً بصورت خانواده بزرگ می‌باشند که افراد آن شامل پدر و مادر و پسران ازدواج کرده‌انها ، هر کدام با زن و فرزندشان در یک خانه و زیر یک سقف زندگی می‌کنند. در آمد همه افراد آن به‌جیب پدر بزرگ ریخته می‌شود که بعنوان رئیس خانواده می‌باشد . چون مخارج خانواده و تنظیم مهمانیها و سایر موارد بعهدۀ رئیس خانواده است . در این خانواده‌ها تمام افراد موقع غذا خوردن در اطاقی بنام «او» باهم غذا صرف می‌کنند و رئیس خانواده برای هر یک از پسران ازدواج کرده خود اطاق جداگانه ترتیب می‌دهد تا شبها هنگام خواب و استراحت بهمراه زن و فرزندشان از آنجا استفاده کنند . روزها عروسان غذا خوردن و کارهای روزمره را در «او» انجام میدهند . در این خانواده‌ها مادر بزرگ حاکم بر عروسان خود می‌باشد و تا زمانیکه شوهرش درحال حیات است همه افراد خانواده از او اطاعت می‌کنند . اختلافات بین عروسان را مادر بزرگ با انتکاء به شوهر خود حل و فصل می‌نماید .

پسران موظفند در مواردی که زنانشان از اطاعت مادر بزرگ سرپیچی کنند تنبیه نمایند . در صورتیکه اگر مادر بزرگ در نزد پسران خود از عروسان شکایت کند آنها قدرت اعتراض ندارند و حق ندارند از او بدگوئی کنند و مجبور به تسلیم هستند . در غیر این صورت شوهرشان آنها را کتک می‌زنند. اگر یکی از پسران در موقع

تبیه کردن زنش بجای چوب از بالش یا متكا استفاده کند معلوم می شود که طرف زنش را گرفته و نظر او جدا شدن از پدر و مادرش می باشد . در این صورت رئیس خانواده فوراً برای او خانه جداگانه ای ترتیب می دهد و اجازه جدا زندگی کردن اورا صادر می نماید زیرا معتقدند که رفته رفته اختلاف بزرگ شده و سایر عروسان نیز از اطاعت سرپیچی خواهند کرد .

ممکن است پس از مرگ پدر بزرگ «رئیس خانواده» برادران مثل سابق تا آخر عمر در یک خانه زندگی نمایند در این صورت یکی از برادران کارдан وظایف رئیس خانواده را بهده می گیرد .

وجود خانواده های بزرگ در ترکمن چای عامل اقتصادی دارد . زیرا در محیط روستا معاش مردم بسختی تأمین می شود و نیاز به همیاری بیشتری دارند . بنابراین افراد این خانواده ها سختی های حاصل از زندگی را درین خود تقسیم می کنند . از یک طرف وابستگی های اقتصادی و از طرف دیگر وابسته بودن به آب و خاک عامل دیگری است که حاضر به گستنگی خانواده نمی شوند .

### عمل ازهم پاشیدن خانواده های بزرگ

ازهم پاشیدن خانواده های بزرگ در ترکمن چای و تشکیل خانواده کوچک بندرت اتفاق می افتد در گذشته اگر پسر خانواده ای بدین عمل مبادرت میورزید مردم اورا سرزنش نموده و باصطلاح می گفتند پسر «ناصالح» است .

عواملی که موجب پاشیدگی خانواده های بزرگ می شوند بقرار زیر است:

- ۱- ضعف قدرت اقتصادی رئیس خانواده «پدر بزرگ» .

- ۲- اگر رئیس خانواده در اثر پیری قدرت اقتصادی خود را ازدست بدهد و نتواند هم آهنگی لازم را درین افراد خانواده فراهم آورد در این صورت هرج و مرج بوجود آمده و موجب می شود که پسران جهت رهائی از آن، خانواده جداگانه تشکیل دهند . در این گونه موارد نگهداری پدر و مادر بهده فرزند بزرگ می باشد .

۳- مرگ رئیس خانواده سبب می شود که افراد خانواده نسبت بقوانین آن بی تفاوت باشند چنانچه با مرگ پدر بزرگ سلطه مادر بزرگ در خانه کم شده موجب سریچی عروسان از او امر او می شود . در نتیجه منجر باختلاف در میان آنها گشته بطوریکه شوهران آنان را نیز فرا می گیرد . در اینصورت هر کدام از پسران برای رهائی از این وضعیت خانه جداگانه قریب می دهند . نگهداری مادر بزرگ بعدها پسر بزرگ می باشد .

۴- یکی از عوامل دیگری که منجر به تقسیم خانواده های بزرگ می شود رسوخ فرهنگ شهری و آشنائی جوانان با زندگی شهری که حاصل آن کوچ روستائیان شهر های بزرگ و زندگی شهری توأم با فرهنگ روستائی می باشد .

۵- در گذشته تعدد زوجات در ترکمن چای رواج داشت و بعضی از مردان دارای دو الی چهار زن بودند و زنان مجبور به زندگی در یک خانه بودند . فرزندانیکه از زنان مختلف متولد می شدند باز در همان خانه بزرگ شده وازدواج می کردند . بنابراین پس از مرگ پدر بین برادران ناتنی بعلت تقسیم دارائی پدر اختلاف و کشمکش بوجود آمده تا حدیکه منجر بدعوهای محلی گشته که نتیجه آن پاشیدن خانواده می باشد .

در بعضی موارد بعلت کار دانی یکی از برادران ناتنی می توانست سلسله را تا د مرگ خود در همان خانه نگهدارد .

### اصطلاح های خطاب در ترکمن چای

افراد هر خانواده یاقومی موقع صدا کردن یکدیگر اصطلاحات و قراردادهای مخصوصی بکار می بردند و این اصطلاحات نسبت به سن و موقعیت شخصی مورد خطاب تغییر می کنند .

۱- ترکمن چائیها در گذشته پدران خود را با لفظ « داداش یا دده »<sup>۱</sup> صدا

- می کردند ولی حالا جای آنرا «آقا و یا آفاجان» گرفته است .
- ۲- پدران فرزندان خود را با نام صدا می کنند . در گذشته رسم براین بود که پدران فرزندان خود را نزد بزرگتران در اثر شرم و حیا صدا نکرده و با آنان کم توجهی می کردند .
- منقول است که روزی پسر هفت ساله‌ای در محل تجمع ریش‌سفیدان رومتا از اسب فرو افتاده، پارش بعلت شرم و حیا فوراً از محل حادثه دور شده و نخواسته از حال قرزنده خود جویا شود .
- ۳- برادران خواهران بزرگتر از خود را بالفظ «باجی»<sup>۱</sup> و خواهران کوچکتر را بنام صدا می کنند .
- ۴- خواهران برادران بزرگتر را با لفظ «داداش»<sup>۲</sup> و کوچکتر را بنام صدا می کنند .
- ۵- خواهرزاده‌ها برادران مادرشان را با لفظ «دایی»<sup>۳</sup> و برادران پدرشان را با لفظ «عمی»<sup>۴</sup> صدا می کنند .
- ۶- در ترکمن‌چای شوهران زنان خود را بالفظ «قیز»<sup>۵</sup> یا «ای فلان کسین قیزی»<sup>۶</sup> و یا «او آروادی»<sup>۷</sup> صدا می کنند .
- ۷- شوهران وقتیکه بخواهند در نزد اشخاص دیگر از زنان خود بحثی بیان آورند با لفظ «او»<sup>۸</sup> یا «بیزیم او شاخلارین آناسی»<sup>۹</sup> یاد می کنند .

---

Bâji	-۱
Dâtiâş	-۲
Dâyi	-۳
ami	-۴
Gîz	-۵
ay Filân kasiñ gîzi	-۶
avârvâdi	-۷
O	-۸
Bizim uşâxlârIn ânasi	-۹

.. مادر بچه‌های ما

- ۸- زنان شوهران خود را در زمان تنهایی با لفظ «سن»<sup>۱</sup> و در نزد دیگران «کیشی»<sup>۲</sup> صدا می کنند.
- ۹- در ترکمن چای مردان دیگر هم دیگر را بالفظ «عم او غلی»<sup>۳</sup> یا «حالا او غلی»<sup>۴</sup> و زنان دیگر هم دیگر را با لفظ «عم قیزی»<sup>۵</sup> یا «حالاقیزی»<sup>۶</sup> صدا می کنند.
- ۱۰- وقتیکه زنی در جمع زنان راجع به شوهر خود سخنی بمبیان می آورد بعلت شرم و حیا از ذکر نام او خودداری کرده و با لفظ «او» و یا «بیزیم کیشی»<sup>۷</sup> از او یاد می کنند.
- ۱۱- فرزندان مادران ناتنی را «آباجی» و مادران ناتنی آنان را بنام صدا می کنند.
- ۱۲- فرزندان دو برادر اگر پسر باشند بهم دیگر «عم او غلی» و اگر دختر باشند «عم قیزی» می گویند.
- ۱۳- فرزندان به پدران ناتنی «دادالیک»<sup>۸</sup> می گویند.
- ۱۴- فرزندان یکمرد خواهر اورا با لفظ «عمه» صدا می کنند.
- ۱۵- فرزندان یکزن به فرزندان برادر او «دایی او غلی»<sup>۹</sup> و بر عکس فرزندان یکمرد به فرزندان خواهر او «بی بی او غلی»<sup>۱۰</sup> می گویند.
- ۱۶- فرزندان مادران خود را بالفظ «ننه»<sup>۱۱</sup> صدا می کنند ولی اخیراً در بعضی

تو	- San	- ۱
مرد	- Kişî	- ۲
	Amogli	- ۳
	Xâlâogli	- ۴
	Amgizi	- ۵
	XâlâgIzi	- ۶
	Bizim kişî	- ۷
	Dadalik	- ۸
	Dâyogli	- ۹
	Bibiogli	- ۱۰
	Nane	- ۱۱

از خانواده‌ها بجای آن لفظ «مامان» نیز بکار می‌برند.

۱۷- مادران فرزندان خود را بنام صدا می‌کنند.

## انواع ازدواج در ترکمنچای

خواستگاری یکی از سنن دیرینه ایرانیان است.

۱- ازدواج از طریق خواستگاری و شرح آن در بخش مراسم خواستگاری گذشت

۲- ازدواج با زن برادر : مرسوم است که اگر شوهر زنی بمیرد با برادر

شوهرش ازدواج می‌نماید در اینگونه ازدواج‌ها ممکن است سن برادر شوهر چندین سال از او کوچکتر باشد . این نوع ازدواج‌ها عوامل اقتصادی دارد .

زیرا زن شوهر مرده با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی خانواده و وضع روحی بچه‌ها در صورت وجود برادر شوهر ترجیح میدهد که با او ازدواج کند که با این عمل اولاً دارائی خانواده به بیرون رخنه نمی‌کند و ثانیاً مردی که با مادر بچه‌ها ازدواج کرده در بهتر نگهداشتن آنها مؤثر و با این عمل مرد بیگانه‌ای وارد زندگی آنان نخواهد شد .

۳- ازدواج با خواهرزن : مرسوم است که اگر زن کسی بمیرد با خواهر کوچکتر او ازدواج می‌نماید و ممکن است خواهر زنش چندین سال کوچکتر از او باشد . در این مورد نیز وضع روحی بچه‌ها و عوامل اقتصادی مطرح می‌باشد زیرا خاله بچه‌ها زودتر و بهتر از هر زن دیگر جای مادرشان را می‌گیرد و ثروت و مال به بیرون رخنه نمی‌کند .

۴- ازدواج با بیوه زنان : معمولاً زنان و مردان در ترکمنچای با در نظر گرفتن شرع نبوی بایستی ازدواج کنند و اگر کسی از دستور شرع سرپیچی نماید مورد سرزنش مردم قرار می‌کشد .

۵- ازدواج از طریق نذر : اگر دختری در کودکی مربیض شود والدین او نذر می‌کنند که پس از بهبودی او را به نکاح پسر می‌بدی در آورند .

## تقسیم کار در بین افراد خانواده بر حسب جنس و سن

### الف - کارهای مخصوص مردان :

بعلت زیادبودن قدرت جسمانی مرد انجام کارهای سخت به عهده مردان می باشد.

- ۱- شخم زمین
- ۲- بذرپاشی زمینهای زراعی
- ۳- آبیاری زمینهای زراعی
- ۴- درو کردن محصولات گندم و جو و یونجه
- ۵- برداشت محصولات کشاورزی
- ۶- حمل محصولات گندم و جو و یونجه از مزارع به خانه یا خرمنگاه
- ۷- انجام خرمن کوبی
- ۸- جمع آوری هیزم و تهیه سوخت خانه
- ۹- بردن گندم با آسیاب و حمل آرد بخانه
- ۱۰- در صورت داشتن دام نگهداری آنها
- ۱۱- مبادله محصولات دامی و کشاورزی در شهرستانها و بازارهای هفتگی
- ۱۲- شرکت در امر تصمیم گیری برای کارهای اجتماعی
- ۱۳- تصمیم گیری در مراسم بخصوصی مانند ازدواج فرزندان خانه
- ۱۴- درختکاری
- ۱۵- تهیه مایحتاج افراد خانواده از قبیل لباس و آذوقه
- ۱۶- اقدام به ساختن خانه
- ۱۷- حصارکشی اطراف باغ
- ۱۸- تهیه جهیزیه دختران

### ب - کارهای مخصوص زنان

زنان ترکمن چای بفراخور قدرت جسمانی خود انجام کارهای سبک را  
به عهده می گیرند .

- انجام کارهای خانه مانند پخت و پز
- شستشوی لباس در رودخانه و یا چشمه
- آوردن آب آشامیدنی از چشمه
- تهیه خمیر و پختن نان
- نگهداری اطفال کوچک
- شیردادن به نوزادان
- همکاری در جمع آوری میوه درختان باغات با سایر افراد خانواده
- دوشیدن شیر دامها
- درست نمودن «یاپ با» و «گرمه» از پهن گاو و گوسفند جهت گرم کردن تنور در زمستان
- دوخت و دوز لباس افراد خانواده
- شرکت در اجرای مراسمی از قبیل عروسی و مرگ و میر با اجازه شوهر
- حمل غذای مردان از خانه به مزرعه
- یاری رساندن به شوهر در تمیز کردن طولیله
- نگهداری مرغان خانه
- همکاری در ساختن خانه با شوهر
- درست کردن جوال و خورجین و هرنوع بافتی
- مبادله محصولات کشاورزی در صورت عدم حضور شوهر

**ج - کارهای مخصوص پسر بچه‌ها :**

- یاری رساندن به پدر در امر کشاورزی و دامداری
- حمل محصولات گندم و جو و یونجه از مزرعه بوسیله اسب و خر
- همکاری در جمع آوری هیزم جهت سوخت در تنور
- همکاری در بردن دامها به مراتع و چراندن آنها
- همکاری در جمع آوری میوه درختان با سایر افراد خانواده

- ۶- یاری رساندن به پدر در امر مبادله محصولات دامی و کشاورزی
- ۷- همکاری در ساختن خانه با سایر افراد خانواده
- ۸- خانواده‌هایی که فرزندان ذکور متعدد دارند بعضی از آنها را جهت کار و کمک به اقتصاد خانواده برای مدتی به شهرهای بزرگ می‌فرستند.

#### د - کارهای مخصوص دختر بچه‌ها

- ۱- یاری رساندن بمادر در کارهای خانه از قبیل پخت و پز غذا
- ۲- نگهداری خواهران و برادران کوچکتر از خود در موقع ضروری
- ۳- همکاری در آوردن آب از چشمه با مادر
- ۴- یاری رساندن بمادر جهت بردن غذا به مزرعه
- ۵- همکاری در جمع کردن علف‌های هرز مزارع با سایر افراد خانواده
- ۶- یاری رساندن بمادر در امر شیردوشی دامها و کمک در تهیه جوال و خورجین و بافتی‌ها
- ۷- نگهداری بردهایی که قدرت رفتن بمراتع را ندارند.

### روابط اهل خانه با یکدیگر

#### الف - روابط زن و شوهر

- ۱- در ترکمن‌چای زنان علاوه بر انجام کارهای خانه در مزارع برای شوهران خود دستیار خوبی هستند.
- ۲- در بیشتر موارد حق تصمیم با مردان است. مخصوصاً در کارهای اجتماعی زنان حق مداخله ندارند و باحترام شوهر از تصمیمات او پیروی می‌کند.
- ۳- زنان در ترکمن‌چای احترام بشوهر را در حدا علای خود رعایت می‌کنند و در نزد آنان با مهمانان بیگانه «مرد» صحبت نمی‌کنند و حتی بعلت رعایت محرم و نامحرم وارد اطاق مهمانی نمی‌شوند.
- ۴- در مواقع کنک خوردن زن از شوهر خود، یا در موارد اختلاف با

یکدیگر و قهر از شوهر نباید بخانه پدرش پناهنده شود بلکه در اینگونه موارد بخانه یکی از فامیلهای ریش سفید و یا همسایه می‌روند. زیرا معتقدند در غیر اینصورت معلوم می‌شود که زن قبل از طریق پدر و مادر باین کار تهییج و تشویق شده است.

۵- زنان در موقع صدا کردن شوهران خود آنان را با اسم صدا می‌کنند و جهت احترام با آخر اسم شوهر لفظ «آغا»<sup>۱</sup> اضافه می‌کنند مانند «محمد آغا»، «علی آقا» و ...

زنان در حضور افراد دیگر حتی نزدیکان خود شوهرانشان را بنام صدانمی کنند بلکه با لفظ «بیزیم کیشی»<sup>۲</sup> مخاطب قرار می‌دهند.

۶- در خواستگاری و انتخاب عروس خانه و تعیین مقدار شیرها، شوهر تصمیم میگیرد و زن موظف است از او تبعیت نماید.

۷- معتقدند اگر زنی از شوهر اطاعت نکند فرزندان نیز به تبعیت از او از اطاعت پدر سرپیچی خواهد کرد.

### ب - روابط میان پدر و پسران

- ۱- در ترکمنچای انتخاب عروس و مخارج آن بعهده پدر داماد است. در صورت عدم اطاعت پسر از تصمیم او معتقدند که پسر «عاق والدین» شده و در زندگی موفق نمی‌شود.
- ۲- یکی از وظایف مهم پدر ختنه کردن و آماده کردن پسر برای ازدواج می‌باشد.
- ۳- خانواده‌هایی که دارای یک فرزند ذکور می‌باشند نگهداری پدر و مادر پیر بعهده او می‌باشد و باید تا آخر عمر از آنان مواظبت کند. در اینصورت وارث خانه پدر نیز او می‌باشد. زیرا خواهران بعلت تنها بودن برادرشان از حق خودمی گذرند.
- ۴- نگهداری والدین در زمان پیری بعهده پسر بزرگ خانواده است.

---

- ۱ آغا معنی آقا  
- ۲ Bizim kişi

- ۵- در مواردیکه پسران بزرگتر یکی پس از دیگری بعد از ازدواج از خانه پدر جدا شوند نگهداری والدین پیر بهدهه پسر کوچک خانواده می باشد.
- ۶- پدر دارای صلاحیت داشتن قدرت و حاکمیت خانه است . پسران از پدران خود اطاعت می کنند و این احترام بیک سلسله قواعدی منکی می باشد.
- ۷- پسران در نزد پدران خود بدون اجازه حق اظهار عقیده ندارند.
- ۸- پدر در نزد پسر خود از مسائل زناشوئی بحث و گفتگو نمی کند .
- ۹- پدران وظیفه مدرسه فرستادن، یاد دادن کلیه مسائل کشاورزی و دامداری را به پسران خود دارند و از انجام آن کوتاهی نمی کنند .
- ۱۰- خیلی بندرت پدران پسران خود را از ارث محروم می کنند.
- ۱۱- اگر پدری از استطاعت بدنی بیفتند حتی اگر پرسش درسنین متوسط کودکی «۱۴-۱۵ سال» باشد و ظایف پدر را بهدهه می گیرد. اما رعایت احترام پدر مثل سابق در میان افراد خانواده بقوت خود باقی میماند .
- ۱۲- فرزندان برادرانیکه قبل از فوت پدر بدرود حیات گفته اند طبق موازین دین میبن اسلام از ثروت پدر بزرگ ارث نمی برند ولی نگهداری و تربیت آنها به ترتیب بهدهه پدر بزرگ و پسران او می باشد .
- ۱۳- برادران بزرگتر نسبت به برادران کوچکتر خود صاحب قدرت و نفوذ هستند و برادران کوچکتر موظفند از آنها اطاعت کنند. برادر بزرگتر را بالفظ «داداش» و یا «آقاداداش» صدا می کنند .
- ۱۴- برادران در موقع ضروری بهم باری میرسانند و در دعواهای محلی یار و پشتیبان یکدیگر می شوند .
- ۱۵- در بعضی موارد پس از مرگ پدر برادران زیر نظر برادر بزرگ دریک خانه زندگی می کنند .

### ج - روابط مادرشوهر و عروس

- ۱- یکی از تحولات اساسی ورود شخص ناشناس بنام عروس در خانواده

است زیرا وقتیکه یك دختر بعنوان عروس قدم بخانه شوهر میگذارد تا موقعیکه صاحب اولاد، بخصوص اولاد ذکور نشده نمیتواند جای وارزش خود را در آنجا پیدا کند.

۲- در ترکمنچای به عروس «گلین»<sup>۱</sup> میگویند. انجام دادن تمام کارهای خانه و خدمت به پدر، مادر، خواهران و برادران داماد جزء وظایف «گلین» میباشد.

۳- در خانواده های بزرگ موقعيت و آتیه عروس بسته به رابطه میان مادرشوهر و عروس میباشد. زیرا اين رابطه هر قدر خوب باشد بهمان اندازه آسایش عروس در خانه بهتر خواهد شد.

۴- وظایف نگهداری نوزادان و کودکان در يك محیط دوستانه میان آنان تقسیم می شود.

۵- عروس در امر خانه داری تمام تجارت مادرشوهر را فرا میگیرد و در موارد لزوم مورد استفاده قرار میدهد.

۶- عروس به پیروی از موازین شرع مقدس اسلام موظف است در مقابل برادران شوهر «مو، سر و صورت» خود را بپوشاند و از حرف نزدن و صدا کردن بنام آنان و سایر حرکات مشابه اجتناب کند. حتی این اعمال را در موقع حضور مردان فامیل نیز اجرا میکند. این عمل را در زبان محلی «گلین لیک ایله مه»<sup>۲</sup> میگویند.

۷- اگر عروس صاحب پسر شود وضعیت او درخانه شوهر ثبیت شده و يکی از اركان اصلی در تصمیم گیری های اساسی خانواده بحساب میآید. زیرا مادرشوهر دوست دارد نوه اش پسر باشد برای اینکه ادامه نسل شوهرش را بوسیله او میداند.

۸- در اکثر موارد بین عروس و مادرشوهر اختلاف بوجود میآید، بدون اینکه مردان از آن اطلاع حاصل کنند و این اختلاف ممکن است تا آخر عمر ادامه پیدا کند.

---

— عروس Galin — ۱

— وظیفه عروسی Galin lik aylama را نسبت به افراد خانه بجای آوردن.

## د - روابط زنان برادران در خانه با یکدیگر

در ترکمنچای به زنان دو برادر «قین خاتنی»<sup>۱</sup> می‌گویند. آنان در یک محیط تفاهم خانه را بین خود تقسیم کرده و بزندگی روزمره خود با شوهرشان ادامه میدهند. در هنگام مرگ پدرزبزرگ با تدبیر برادر بزرگتر همه آنان در همان خانه زندگی می‌کنند.

## ه - روابط مادر و پسر

- ۱ - بدنیا آوردن فرزند پسر آرزوی هرمادری است بخصوص در ترکمنچای موقعیت تازه عروس در خانه شوهر بسته بوجود این پسر است.
- ۲ - در مقابل خشونتها و زورگوئی‌های پدر نسبت به پسران مادر از آنها دفاع می‌کند.
- ۳ - تربیت پسر به عهده مادر است. پسران بالغ بمادرشان احترام می‌گذارند و یکی از وظایف آنان نگهداری مادر در هنگام پیری می‌باشد.
- ۴ - بنا بر سمتی پسران در نزد مادر از دختران برتر هستند.
- ۵ - در موارد ضروری پسران می‌توانند بمادرشان امر و نهی نمایند.
- ۶ - مادران شوهرمرده تا آخر عمر با عزت و شرف در نزد پسران خود زندگی می‌کنند.
- ۷ - بدون چون و چرا مادر در خانه سایر پسران خود عزت و احترام می‌بیند.
- ۸ - روابط پسر و مادر از سایر روابط قوی‌تر و مهم‌تر است.

## و - رابطه پدر و دختر

- ۱ - برخی از پدران با بدنیا آمدن فرزند دختر به تشویش و دلهره می‌افتد. اگر از آنها راجع به تعداد اولاد سؤال شود هنگام شمارش اولاد دختر را بحساب نمی‌آورند.

- ۲- دختران مدت چهارده الی هیجده سال از عمر خود را در خانه پدر سپری می کنند و از کوچکی واردگروه زنان می شوند .
- ۳- اکثر پدران نسبت به دختر خود مشق و مهربان هستند .
- ۴- پدر محبت خود را بدخترش در موقع ازدواج با مقدار «باشلخ» که از پدر داماد می گیرد نشان میدهد یعنی هرقدر مقدار «باشلخ» زیاد باشد دختر برای خود ارزش زیاد قائل می شود .
- ۵- پدران فرار کردن دختران خود را از خانه شوهر و پناهنه شدن آنها را بخانه خود نمی پسندند و مقبول نمی دانند و مشهور است که :
- دختری شکایت پیش پدر برد که شوهرم مرا کنک زده است . پدر برخاست و دختر خود را کنک جانانه ای زد و گفت بشوهرت بگو که تو دختر مرا کنک زدی منهم زن تو را کنک زدم .

#### ز - روابط میان برادران و خواهران

- ۱- دختران کوچک به نوزادان خانه از هرجنس باشند خدمت می کنند .
- ۲- در زمان کوچکی برادران، وقتیکه باهم بازی می کنند امکان اختلاف وجوداً شدن از بازی وجود دارد . با افزایش سن آنان به برادران بزرگتر از خود احترام می گذارند و با لفظ «داداش یا آداش» صدا می کنند .
- ۳- برادران به خواهران بزرگتر از خود «باجی» می گویند و هیچ وقت آنان را بنام صدا نمی کنند در غیر این صورت دلیل بهبی حرمتی می باشد .
- ۴- برادران کوچکتر پس از بزرگ شدن وقتیکه بسن بلوغ رسیدند می توانند به خواهران بزرگتر از خود امر و نهی کنند .
- ۵- پس از شوهر کردن خواهران در صورت فوت پدر برادران نسبت با آنان وظیفه پدری را بجای می آورند .

## روابط همسایگان با یکدیگر

- ترکمن چائیها به همسایگان خود ارزش والای قائلند و همواره سعی می‌کنند با آنان رابطه حسن داشته باشند و معتقدند که همسایه خوب با صلاح «قیمت ندارد» و از فامیل هم بانسان نزدیکتر است. در سختی‌های زندگی یار و یاور یکدیگر می‌شوند.
- ۱- اگر مرد همسایه‌ای در مسافت باشد مردان همسایگان دیگر در آبیاری مزرعه و باغات او به زن و فرزندش کمک می‌کنند.
  - ۲- در موقع پختن غذای گرم دریکی از همسایه‌ها از وظایف همسایگی است که سهم همسایگان نزدیکتر را جدا کرده بفرستد.
  - ۳- همسایه‌ها بندرت از هم قهر می‌کنند و اگر اتفاقاً بین دو همسایه گلایه‌ای وجود آید بیش از یک روز کدورت آن ادامه پیدا نمی‌کند و زود آشتی می‌کنند زیرا معتقدند که قهر کردن از همسایه گناه نابخشودنی در پیشگاه خداوند متعال است.
  - ۴- اختلافات کلی را با دخالت و تدبیر همسایه مسن و ریش سفید بطريقه کدخدامنشی حل و فصل می‌کنند.
  - ۵- اشخاص بزرگتر و مسن در تربیت کودکان همسایه بیرون از خانه مداخله می‌کنند. مثلاً پیرمردان جوانان را از انجام کارهای زشت و ناپسند منع کرده و بآنان نصیحت می‌کنند و راه بهتر و سر بلند زندگی کردن را در جامعه روستائی نشان میدهند. و اگر خلافی از جوانان سرزند در صورت لزوم پدر شان را در جریان میگذارند.
  - ۶- در صورت مشاهده تخلف از کودکان جهت خیرخواهی آنان اجازه تنبیه نیز دارند در اینگونه موارد حتی پدر کودک از آن شخص تشکر هم می‌کند.
  - ۷- در حل مسائل اجتماعی روستا با مشاوره هم‌دیگر تصمیم می‌گیرند و سعی می‌کنند که تصمیم آنان منجر به زیان هیچ یک از همسایگان نباشد.
  - ۸- در درجه اول والدین در انتخاب همسر پسران، آنرا از دختران همسایگان انتخاب می‌کنند.
  - ۹- همسایه‌ها دائماً بدبادار یکدیگر رفته و از مشکلات هم‌دیگر باخبر می‌شوند و اکثر وقت فراغت خودشان را با هم سپری می‌کنند.

۱۰- در مراسم عروسی و سوگواری و حتی در موقع بیماری قبل از همه بیاری یکدیگر می‌شتابند و آن به نسبت دوری و نزدیکی همسایه فرق می‌کند.

## اقامت

دختران پس از شوهر کردن در خانه او کنار پدر و مادر شوهر که آنها را اصطلاحاً «قین آنا»<sup>۱</sup> و «قین آنا»<sup>۲</sup> گویند اقامت می‌کنند. در مواردی که دختر تنها اولاد خانواده باشد و والدین او ازداشت او لاد ذکور محروم باشند. پس از عروسی کردن دخترشان داماد در خانه عروس سکنی می‌گزیند تا جای خالی پسر آنان را پر نماید. زیرا معتقدند که با اصطلاح «او جاق»<sup>۳</sup> پدر در آینده کور نشده بلکه بواسیله داماد روشن خواهد شد. در گذشته صرفاً بهمین سبب پدر دختر خود را در سنین ۱۴-۱۵ سالگی بشهوتمیداد که آنرا اصطلاحاً «او اوستی بی»<sup>۴</sup> گویند.

در گذشته رسم چنین بود که در موارد استثنائی اگر پدر داماد از قدرت مالی ضعیفی برخوردار بود و نمی‌توانست «باشلخ» عروس خود را به پردازد مطابق سنن روستا داماد مدتی در خانه عروس اقامت می‌گزید تا با کار کردن در مزرعه او بدینوسیله «باشلخ» تعیین شده را جبران نماید و پس از کسب رضایت پدر عروس دوباره همراه زن و فرزند خود بخانه پدرش برمی‌گشت.

عروس از روز زایمان بمدت ده روز جهت گذراندن دوره نقاوت در خانه شوهر اقامت می‌کند رسم براین است که پس از سپری شدن این دوره مدت ده الی بیست روز برای بازیابی تقدیرستی که آنرا اصطلاحاً «الایا خبر کیتمه»<sup>۵</sup> گویند بخانه پدرش برمی‌گردد.

---

-۱ - Gayn âtâ - پدرزن - قین ، معنی برادرش و یا برادرزن

-۲ - Gayn ânâ - مادرزن

-۳ - OJâg منظور از «او جاق» ادامه نسل پدر می‌باشد

-۴ - Ev üsfü bay - داماد سرخاذه

-۵ - El Eyâx Barkitma - در اکثر نقاط آذربایجان رسم چنین است که زادو را جهت بازیابی تقدیرستی مدت ده الی بیست روز به خانه پدرش می‌برند.

بیوه را در تر کمن چای «دول»<sup>۱</sup> و زن بیوه را «دول آرواد»<sup>۲</sup> گویند. عروس بیوه تازمانی که پدر و مادر شوهرش در حال حیات هستند و ازاو نگهداری می کنند در خانه آنان اقامت می گزینند پس از مرگ آنها بخانه پدر برگشته منتظر ازدواج می شوند و اگر دارای اولاد باشند و مایل بازدواج نباشند تا آخر عمر در آنجا زندگی می کنند.

### معتقدات مردم تر کمن چای

- اکثر امورات زندگی مردم تر کمن چای توأم است با بکار بردن باورهای محلی.
- ۱ - تر کمن چائیها شبها ناخن نمی گیرند زیرا معتقدند گرفتن ناخن در موقع شب بمنزله گرفتن ناخن مردگان است و روح آنان عذاب می کشد.
  - ۲ - ناخن دست و پا را دریک زمان نمی گیرند و بین گرفتن ناخن دست و پا فاصله زمانی را رعایت می کنند. در غیر اینصورت باستی چیزی مانند پارچه و یا نخ را با قیچی ببرند. زیرا معتقدند که در صورت گرفتن ناخن دست و پا دریک زمان موجب مرگ یکی از افراد خانواده خواهد شد.
  - ۳ - پس از گرفتن ناخن، ناخنها را به زمین نمی ریزند و معتقدند که اگر ناخن‌های گرفته شده در کف اطاق ریخته شود خانه‌شان ویران خواهد شد.
  - ۴ - اگر روی سگ آب بپاشند معتقدند که در روی دستهای آنان «زیگیل» تولید می شود.
  - ۵ - تر کمن چائیها به لب تنور «پی‌یه»<sup>۳</sup> گویند. معتقدند که اگر به «پی‌یه» و یا آستانه درب ورودی آب داغ بریزند دچار جن‌زدگی می شوند زیرا در این محلها وجود جن را باور می کنند و چنین اعتقاد دارند که عمل ریختن آب داغ باعث ناراحتی اجنه می گردد.

۱ - Dul - بیوه مرد یا بیوه زن

۲ - Dul Årvâd - بیوه‌زن

۳ - لب تنور را پیه گویند

- ۶- اگر روباهی در صحرای زوزه بکشد معتقدند که شکم روباه درد میکند . در این موقع کفش مرد خانه را در آستانه در وارونه میگذارند تا بدینوسیله درد شکم روباه بهبود یابد .
- ۷- اگر سگی زوزه بکشد معتقدند که بزودی بلا نازل خواهد شد و برای رفع آن نذر و نیاز می کنند .
- ۸- مردم ترکمن چای بانگ کردن مرغ را بفال بد میگیرند و آنرا بسید بخشش می نمایند .
- ۹- در موقع مسافرت روبرو شدن با روباه را نحس می دانند .
- ۱۰- اگر زاغچه‌ای در بالای در یا پشت بام کسی نشسته و بانگ برآورده، آنرا بفال نیک می گیرند و معتقدند که زاغچه خبر خوشی آورده، برای تشکر از آن برایش شیر و غذا تهیه می کنند .
- ۱۱- مردم ترکمن چای نشستن جغد را در پشت بام و یا بالای دیوار بفال بد می گیرند و معتقدند که اگر موقع برخاستن جغد صدای خنده از خود تولید کند خبر خوشی دارد و اگر صدای گریه و زاری ایجاد نماید خانه آنان ویران خواهد شد . برای رفع شر این پرنده نمک و ننان می آورند، تا پرنده نمک گیر شده و رأیش عوض شود تا به افراد خانواده آسیب نرسد.
- ۱۲- اگر کف پای کسی بخارد تعبیر آن بمسافرت رفتن آن شخص است و اگر کف دست بخارد بزودی پولدار خواهد شد .
- ۱۳- در صورت کم شدن گوسفتند در صحرای دعائی خوانده به چاقو می دمند و تینه آنرا می بندند . معتقدند با این عمل دهن گرگ بسته می شود و تا زمانی که چاقو بسته است گرگ جرأت گرفتن گوسفتند را نخواهد داشت .
- ۱۴- اگر کف کش کسی در آستانه در کج قرار گیرد معتقدند که در پشت سر او غیبت می کنند .
- ۱۵- افتادن نان در تنور علامت آمدن مهمان است.

- ۱۶- اگر مهمنه چای تک بخورد معتقدند که در زندگی تنها خواهد ماند و صاحب خانه مفروض می‌افتد.
- ۱۷- معتقدند که اگر از یک در وارد شده و از در دیگر خارج شوند مفروض می‌افتد.
- ۱۸- معتقدند که اگر یکی از افراد خانواده با دستهای خود دو پایه در را بگیرد که آنرا اصطلاحاً «داراخ لاماخ»<sup>۱</sup> گویند سرپرست خانواده مفروض خواهد شد.
- ۱۹- پس از رفتن مهمان ناشناس اسپند دود می‌کنند زیرا معتقدند که به چه ها را چشم زخم زده است.
- ۲۰- هنگام مسافت کسی او را سه بار از زیر قرآن رد کرده و پشت سرش با کاسه مفالی آب می‌باشند و سپس کاسه را می‌شکنند زیرا معتقدند آب روشنائی آورده و باحترام قرآن مبین مسافر بسلامت به مقصد می‌رسد.
- ۲۱- هنگام داد و ستد در اولین معامله روز، که آنرا «سوفته»<sup>۲</sup> کردن گویند، پول را از دست کسانی که نسبت باو دید خوبی ندارند نمی‌گیرند وازاو می‌خواهند که پول را در کفة ترازو و یا روی میز بگذارد. زیرا معتقدند که با اصطلاح «سوفته» شان کور خواهد شد و تا آخر روز فروش خوبی نخواهند داشت.
- ۲۲- از اقدام بشروع هر کاری در موقع ورود بدقدم یا بدیمن که با آن اصطلاحاً «آغرا یاخ»<sup>۳</sup> و یا «بد او غور»<sup>۴</sup> گویند خودداری می‌کنند. معتقدند که در غیر این صورت کار بگذری انجام خواهد گرفت و یا بشکست مواجه خواهد شد.
- ۲۳- در موقع مژده دادن تولد نوزاد، اگر نوزاد پسر باشد، پسر بودن او را محتقی می‌کنند و در وهله اول می‌گویند «فلانی یک دختر زائیده». زیرا از چشم زخمی که ممکن است به نوزاد وارد آید می‌ترسند.

Dârâx lâmâx - ۱

Süfte - ۲

ÂgIr ayâx - ۳

Bad ugur - ۴

- ۲۴- ترکمن چائیها زیر درخت «گردو» نمی‌خوابند . زیرا معتقدند که در زیر آن جن خواهد ممکن است جن آنها را بزند و دهنشان کج گردد .
- ۲۵- در روزهای جمعه گوسفند و یا سایر حیوان ذبح نمی‌کنند زیرا معتقدند که ارواح مردگان در این روزها آزادند .
- ۲۶- معتقدند که جو حمام سنگین است و جن‌ها در آنجا زندگی می‌کنند . بنابراین نباید تنها در حمام استحمام نمود زیرا مورد آزار جن‌ها قرار می‌گیرند.
- ۲۷- موقع حرکت کردن بچه در جنین مادر ، زن‌حامله بصورت هر شخص و یا هر حیوانی نگاه کند معتقدند که کودک شبیه آن شخص یا حیوان بدنی‌خواهد آمد.
- ۲۸- معتقدند که زن‌حامله هر چیزی را که دلش خواست بخورد کودک پس از بدنی آمدن چشم تنگ نمی‌شود .
- ۲۹- در ظرف ، لیوان و یا استکان لب پریده و ترک‌خورده بعلت بدین‌بودن آن ، آب ، چای و یا غذا نمی‌خورند .
- ۳۰- اگر استکان یا لیوانی بطور اتفاقی شکسته شود آنرا بفال‌نیک می‌گیرند و معتقدند که باصطلاح «دارلخ»<sup>۱</sup> اهل خانه از بین رفته است .

### پزشکی عامیانه

- مردم ترکمن چای در گذشته و گاهی امروز نیز از تداویهای محلی برای امراض گوناگون استفاده می‌کنند .
- ۱- در موقع گوش درد از بوته گیاهی بنام «کور او غلی تمکی»<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند . بدین طریق که بوته این گیاه را پس از خشک کردن در چق سوزانده

- ۱- به تحقیق ثابت شده که از درخت گردو روزها گاز اکسیژن و شبه‌ها گاز کربنیک بولید می‌شود که آن بسلامتی انسان زیان آور است .
- ۲- DârlIx - تنگستی و گرفتاری  
Kor ogli tammaki - ۳

- و دستمال خیس را روی آن می کشند. سپس دود آنرا بسوراخ گوش می دمند.
- ۲- اگر دهن کسی کج شود و یامبلا به درد چشم گردد، دعائی بنام «عرضه»<sup>۱</sup> از دعانویس گرفته و سپیدهدم پس از گرفتن وضو آنرا برودخانه می اندازند. معتقدند که با این عمل دهن و یا چشم شخص بهبود حاصل می کند.
- ۳- ترکمن چائیها هنگام درد چشم از بوتة گیاهان مختلف که از اطراف مزارع و باغات جمع آوری می کنند داروئی بنام «سخماجا»<sup>۲</sup> درست کرده و آنرا بوسیله پنبه بچشم می چکانند.
- ۴- اگر سفیده چشم با صطلاح «پاره» شود در موقع خواب در حالیکه پلکها بسته شده زردۀ تخم مرغ را با پارچه‌ای بروی چشم می بندند.
- ۵- جهت درمان تراخم چشم پلکها را با دست گرفته کناره آنها را با قند مالش می دهند تا قند کاملا خون و چرك آنرا جذب نماید.
- ۶- شکسته‌بندی : اگر استخوان قسمتی از بدن در اثر ضربه‌ای شکسته شود شکسته‌بند پس از مالش و جایجا کردن محل شکستگی آنرا با مخلوط عسل و حنا که در روی پارچه‌ای قرار داده می بندد و هر روز یکبار عسل آنرا عوض می نماید.
- ۷- در معالجه سوختگی جهت گرفتن سم آن سبب زمینی خرد شده و نه پخته را مخلوط با روغن حیوانی بنام «ساری یاغ»<sup>۳</sup> به قسمت سوخته شده می کشند.
- ۸- آغ یامان<sup>۴</sup> : نوعی تاول است که در زانوهای انسان پدید می آید و اگر معالجه نشود به قسمتها دیگر بدن نیز سرایت می کند جهت معالجه آن «دال لاك» آنرا بوسیله نیشتر از ریشه بیرون می آورد .
- ۹- مردم ترکمن چای تاول را «قابار»<sup>۵</sup> می گویند و جهت معالجه آن قند و

۱- عریضه – Erze

۲- عصاره‌ای است که پس از جوشانیدن گیاهان مختلف با فشار دادن گیاهان قطره قطره در ظرفی جمع می کنند.

۳- روغن حیوانی یا روغن زرد Sâri yâg

۴- نوعی تاول را گویند Åg yâmân

۵- تاول Gâbâr

آرد را با بذاق دهن مخلوط کرده به روی تاول می‌گذارند. پس از چهل روز تاول چرك و آماس کرده میتر کد و چرك آن گرفته می‌شود.

۱۰- کورقابار<sup>۱</sup>: برای معالجه این نوع تاول از مخلوط خمیر و روغن زرد استفاده می‌کنند و آنرا روی تاول می‌گذارند و مدتی همین طور نگهدارند تا بالاخره تاول بتر کد.

۱۱- درمان رماتیسم: جهت معالجه روماتیسم از «پهن»<sup>۲</sup> گاو استفاده می‌کنند. بدین طریق که آنرا در تنور سوزانده و بدن شخص مبتلا به رماتیسم را در مقابل حرارت تولید شده از سوختن آن گرم میکنند تا در اثر عرق کردن رماتیسم از بدن خارج شود.

۱۲- سحر و جادو: کسانیکه از نظر معیشت بطور اتفاقی دچار سختی می‌شوند و یا در موارد اختلاف میان زن و شوهر و امثال آن، معتقدند که توسط دشمنان خود جادو شده‌اند، برای ازبین بردن نحوست جادو، بدعا نویس سرزده جهت باطل شدن طلسم جادو دعای سحر می‌گیرند و آنرا مدتی در یک قسمت از لباسهای زیر نگهدارند.

۱۳- ترکمن چائیها تب خال را «اوچوخ»<sup>۳</sup> گویند و برای معالجه آن که معمولاً محل آن در لبها می‌باشد بواسیله «حلقه لهچه»<sup>۴</sup> در سپیدهدم فشار میدهند و معتقدند که با این عمل تب خال بر طرف خواهد شد.

۱۴- در موقع سرماخوردگی ارد کرده مخلوط گل گاو زبان و گیاهی بنام «یارپز»<sup>۵</sup> استفاده می‌کنند.

---

۱ - تاول کور Kor gâbâr

۲ - مدفوع گاو Pahn

۳ - تب خال Uçux

۴ - وسیله‌ای که بصورت زنجیر درها را با آن می‌شنند Halga laja

۵ - یونه YârpIz

- ۱۵ - برای رفع سینه درد دم کرده رازیانه، تخم گشنیز که آنرا «گرده گشنش»<sup>۱</sup> گویند می نوشند و چنین می گویند «رازیانه : گرده گشنش : گوی زیره - سینه مرحوم دی هر کیم او سگوره»<sup>۲</sup>.
- ۱۶ - جهت رفع درد شکم یک استکان از عرق عطر شاهی یا گیاهی بنام «کله لیک او تی»<sup>۳</sup> و یا نعناع می نوشند.
- ۱۷ - برای معالجه درد گوش پس از گرم کردن روغن حیوانی هنگام خواب آنرا بوسیله کاغذ آبی رنگ بگوش می چکانند.
- ۱۸ - برای معالجه نوعی گلودرد کودکان که باصطلاح آنرا «خورزک»<sup>۴</sup> گویند به «بوغاز باسان»<sup>۵</sup> مراجعه می کنند. این عمل را معمولاً زنان و بدبین طریق عمل می کنند. ابتدا گلوی کودک را با دو انگشت گرفته چند بار بطرف پائین بآرامی در حال خواهند ورد فشار داده که این عمل را «سعارلاماک»<sup>۶</sup> گویند. سپس جمله «قورت گلدی قهید»<sup>۷</sup> را مه بار تکرار می نماید. در خاتمه اگر گلودرد کودک سخت باشد از قسمت دهان بوسیله انگشت لوزه های لورا فشار میدهد. و در مقابل انجام این عمل مزدی دریافت نمی کند.

### مراسم مرگ و میر در ترکمن چای

ترکمن چایها در لحظه مرگ فامیل و یا همسایگان خود در بالین او حاضر

- ۱ - تخم گشنیز - Girda Gaşniş

Râziyâna Girda gaşniş goyzira siyniya marhamdi har kim - ۲

- برای کسانی که سرمه می کنند، رازیانه، تخم گشنیز و زیره مرحوم است.

- ۳ - Kahlik oti - کاکوتی نوعی علف کوهی است که کبک بخار از آن

تولید می شود آنرا دوست دارد و در اصطلاح محلی بهمین نام نامیده اند.

- ۴ - XorzaK

- ۵ - Bagâz bâşân

- ۶ - SIgârlâmâk - فشار دادن گلو بصورت لمس کردن

- ۷ - Gurt galdi gayid - گرس آمد بر گرد

می‌شوند و درباره زندگی و مرگ او سخن بمبان می‌آورند و از خداوند بتمام اموات طلب آمرزش می‌کنند.

مرسوم است که چند نفر از ریش‌سفیدان و زنان پیر دنیادیده به بالین کسیکه در حال جان‌کنند است نزدیک شده و برای اینکه از مردنش مطمئن شوند بجلو بینی او آئینه می‌گیرند. در صورتیکه در سطح آئینه اندکی بخار بنشینند معلوم می‌شود که هنوز نمرده است.

ترکمن‌چائیها معتقدند کسی که در حال احتضار است نباید جا بجا نمود. زیرا باصطلاح خودشان «جان‌بسر» شده و مرگش بتعویق میافتد، در فواصل مختلف باو آب می‌نوشانند تا تشهه از دنیا نرود.

یکنفر از کسانیکه قرآن خواندن بلد باشد در بالین او نشسته و سوره مبارکه «یس» و یا سوره جمعه را تلاوت می‌کند و ثوابش را بروح اوهدیه می‌نماید. البته این شخص در مقابل خواندن قرآن مزدی دریافت نمی‌کند.

اخیراً برای اینکار در مقابل پرداخت مزد «قاری» استخدام می‌کنند.

اگر مرگ شخصی کاملاً معلوم شود چند نفر را برای کنند قبر به قبرستان می‌فرستند. گورکنی در ترکمن‌چای افتخاری است<sup>۱</sup> و این عمل را برای کسب ثواب انجام میدهند و مزدی از بابت آن دریافت نمی‌کنند. زیرا معتقدند که دفن کردن مردگان وظیفه هر فرد مسلمان است و باید بجا آورند.

همزمان با گورکنند دو سه‌نفر داوطلب نیز برای تهیه آب از چشمه و جمع آوری هیزم جهت گرم کردن آب برای غسل دادن به میت انتخاب می‌شوند.

معمولًا غسل میت را در کنار چشمه و یا رو دخانه انجام میدهند.

زنان نباید در موقع فوت نزدیکان خود در حضور مردان نامحرم با صدای بلند گریه کنند. زیرا معتقدند که از نظر شرعی شنیده شدن صدای آنان بوسیله نامحرم گناه است. بنابراین در یک اطاق دور از دید و اجتماع مردان به تعزیه و گریه و زاری می‌پردازند.

---

۱- واجب کفایی است

اگر در بین زنان خانواده زن حامله‌ای وجود داشته باشد پیروزنان از نگاه کردن او به میت جلو گیری می‌کنند زیرا معتقدند که باصطلاح چشم نوزاد «دیارلی»<sup>۱</sup> یعنی بدنظر خواهد شد.

در این میان چند نفر از زنان همسایه حلواهی بنام «ته رک»<sup>۲</sup> تهیه می‌کنند که آنرا اصطلاحاً «آجی حالوا» نیز می‌گویند.

معتقدند که دهن میت تلخ شده و این تلخی بالحسان کردن حلوا بردم از بین خواهد رفت پس از مطمئن شدن از مرگ شخص اورا در تابوتی که قبل از مسجد آورده‌اند می‌گذارند و بدن اورا با پارچه سیاهی می‌پوشانند.

ترکمن چائیها میت را با عجله و بسرعت از خانه‌اش بیرون نمی‌برند زیرا معتقدند که هنوز روح او علاقه‌اش را از اموال دنیا و نزدیکان خود قطع ننموده است. در غیر اینصورت از بازماندگانش ناراضی شده و آنان را نمی‌بخشد. بنابراین پس از آنکه اورا در روی تابوت از خانه خارج کردند در وسط حباط و یا دم در بهزیمن می‌گذارند و حاضرین برای آمرزش روح او و اموات خودشان فاتحه می‌خوانند. البته این عمل را تا قبرستان چندین بار تکرار می‌کنند.

فamilیها و همسایگان تا لب رودخانه جهت حمل تابوت به مددیگر باری می‌کنند و در انجام این کار بیکدیگر سبقت می‌گیرند. زیرا معتقدند تمام مسلمین مطابق اخبار دین مبین اسلام با این مرحله خواهند رسید. بنابراین وظیفه شرعی هرفرد مسلمان است که در مرگ همسایه و فامیل به بازماندگان او کمک نموده و از تابوتش بگیرد، و هر قدر در این مورد بیشتر زحمت بکشد اجر زیادی نصیب او خواهد شد.

اگر میت زن و بچه داشته باشد زنان دیگر بآنان دلداری میدهند و به صبر و شکیباتی دعوت می‌کنند زیرا معتقدند که اگر عیال مرده زیاد گریه و بی‌تابی نماید روح میت ناراحت خواهد شد.

---

۱ - بدنظر Dayarli  
۲ - حلوای مهت Tarak

معمولًا در اینگونه موارد بچه‌های کوچکتر را جهت دور نگهداشتن از مراسم بمنظور غصه نکردن آنان بخانه یکی از فamil و یا همسایگان می‌برند و در این فاصله اشیاء متعلق به میت، از قبیل لباس، کفش و سایر وسائل شخصی او را دور از دید بازماندگانش در جایی مخفی می‌نمایند.

لازم بتوضیح است که اگر میت مرد باشد و اتفاقاً موقع شب فوت نماید مردان در یک اطاق و یا در مسجد تا صبح در کنار او می‌نشینند و اگر زن باشد این دفعه زنان در کنار او تا صبح می‌نشینند و در مدت شب برای آمرزش روح مرحوم و اموات خودشان قرآن و فاتحه می‌خوانند.

### مراسم غسل و کفن در ترکمن‌چای

غسل دادن و کفن کردن اموات به مردم مسلمان واجب کفایی است و اگر کسی آنرا انجام دهد از گردن دیگران مافظت می‌شود.

پس از آنکه میت را بوسیله تابوت از خانه بیرون برداشت، به کنار چشمه و یا رودخانه حمل می‌کنند چند نفر که قبل از جهت تهیه آب گرم بکنار چشمه آمده بودند وظیفه تغسیل میت را نیز بعهده می‌گیرند.

ترکمن‌چائیها مرده‌شوی را که اصطلاحاً «میرده‌شیر»<sup>۱</sup> گویند مزد نمیدهند و همه انجام دادن وظیفه مرده‌شوئی را وظیفه شرعی میدانند و بیکدیگر سبقت می‌جوینند. پس از غسل و دفن برای ادای نماز، میت را روی تابوت می‌گذارند. البته در بعضی از خانواده‌ها کفن را سال‌ها قبل که به اماکن متبرکه جهت زیارت رفته‌اند تهیه کرده در صندوق نگهداری می‌کنند تا از آن موقع کفن استفاده کنند.

پس از آماده کردن میت برای ادای نماز روحانی روستا شروع بخواندن نماز میت کرده و حاضرین باو اقدام می‌کنند.

بلا فاصله پس از انجام مراسم نماز میت مردم را تابوت بدوش گرفته بطرف قبرستان حمل می کنند . اگر حمل تابوت بکندی انجام گیرد معتقدند که میت از دنیا سیر نشده است و با صطلاح «چشم مرده از مال دنیا و بازماندگانش نگران است» . و اگر حمل تابوت سریعتر انجام گیرد معتقدند که میت از دنیا سیر شده است.

در موقع حمل میت بطرف قبرستان مرسوم است که تابوت اورا سه مرتبه در فو اصل مختلف بزمین گذاشته فاتحه می خوانند زیرا معتقدند روح میت در آنجا حضور دارد و اگر در گذاشتن او به قبر عجله کنند روح او ترسیده و از بازماندگانش ناراضی می شود .

بمحض رساندن تابوت به سر قبر که قبل از کردند آنرا بزمین گذاشته و فاتحه می خوانند اگر میت مرد باشد یکنفر از مردان حاضر و معمولاً یکی از کسانی که وظیفه گورکنی و مرده شوری را انجام داده اند اورا از قسمت کمر و گردن بغل کرده وارد قبر می کند و طوری اورا بقبر وارد می کند که پاهایش قبل از قسمت های دیگر بدن وارد شود . زیرا قبر منزل آخرت است و انسان موقع ورود بخانه در اولین مرتبه پاهایش را وارد می کند و اگر میت زن باشد بنا به اعتقاد شرعی ، مردان محروم مانند پسر و داماد اورا دفن می کنند . اولین تظاهر برای سوگواری میت گریه کردن است ، زنان در یک قسمت از قبرستان دور از دید مردان گریه و زاری می کنند و در مرگ عزیز خود اشک می ریزنند . در مراسم سوگواری یکی از زنان وظیفه «میشگری»<sup>۱</sup> را بجای می آورد و در فراق میت اشعار محلی می خواند و معمولاً در تمام مراسم سوگواری یکی از «میشگران» حضور دارد .

---

#### Misgar - ۱

- آزادی آیر دیلار

قومونان دویور دلار

من سندن آیر ل مازدم

ظلمان آیر دیلار

←

هنگام دفن میت روحانی رومتا در قسمت بالای سر قبر میت نشسته شروع به تلقین می نماید . کسیکه وظیفه بقبر گذاشتن را بعده گرفته طرف راست صورت اورا در خاک می گذارد و مرتب کفن او را حرکت میدهد و با این عمل میت را آگاه می سازند و اورا متوجه تلقین می نماید .

بمحض تمام شدن مراسم تلقین ، قبر را با سنگ های بزرگی که اصطلاحاً «بناین» گفته می شود می پوشانند . سپس از روی آن خاک ریخته بصورت پشته درمی آورند . در بالای سر قبر سنگی بعلامت نشانه قرار میدهند . این عمل برای آن است که محل قبر گم نشده ، بعداً بتوانند پس از حاضر شدن سنگ قبر اصلی آنرا جایگزین نمایند .

### اولی یهمه بی ۲

بعد از مراسم دفن تشییع کنندگان با تفاوت کسان میت جهت تسلیت گفتن بمنزل او برمی گردند و پس از فاتحه خوانی و خوردن چای آنجا را ترک می کنند .

←  
Ârâzi âyIrdllâr  
gumunân duyurdulâr  
man sandan âyrilmâzdlm  
zülmünan âylrdllâr

منقول است که کودک زنی فوت کرده بود و سالها قبل برادر همسایه او از دنیا رفته بود . گویند مادر کودک خیلی بی تابی می نمود . برای دلداری او همسایه ایکه برادرش فوت کرده بود چنین می گوید :

درد میرزا حسن دردی دی ای رخساره خانم

ساغ اولسون او نون دده نه نه سین ای رخساره خانم

Dard mirzâ Hasan dardidi - i Ruxsârâ xânIm  
Sâg olsun onun dada nanasin - i Ruxsârâ xânIm

۱ - معتقدند که روح مرده در داخل قبر بوده و ناظر و شاهد اعمال کفن و دفن جسد خود می باشد .

Banâyin - ۲

Oli yamayi - ۳

نزدیکان میت از قبیل فرزند، برادر، پدر، عمو، دائی و برخی از ریش‌سفیدان فامیل جهت تصمیم‌گیری برای انجام سایر مراسم تعزیه می‌نشینند و پس از صرف ناهار یا شام، در موقع فراغت در مورد مخارج احسان که بصورت غذا به عزاداران و مهمانان خواهند داد مذاکره و مقدار آنرا نسبت به تعداد مهمانهای دعوت شده تعیین می‌نمایند.

ترکمن‌چائیها غذائی را که در حق اموات خود احسان می‌کنند باصطلاح محلی «اولی‌یه‌مه‌یی» می‌گویند و چگونگی اجرای مراسم آن از نظر مادی «خش»<sup>۱</sup> می‌نامند معمولاً «خش» را سه روز پشت سر هم ادامه میدهند و از روز اول مرگ شخص شروع می‌کنند. مرسوم است کسانیکه در سوگواری شرکت می‌کنند، جهت صرف «اولی‌یه‌مه‌یی» نیز دعوت می‌شوند.

ترکمن‌چائیها مراسم «اولی‌یه‌مه‌یی» را در مسجد ترتیب می‌دهند. بدین طریق که از اول صبح نزدیکان میت بمسجد آمده و کنار در بعنوان عزادار بسوگواری می‌نشینند.

پس از چند لحظه مردم دسته جهت تسلیت گفتن به نزدیکان و بازماندگان میت بمسجد آمده و بروح او فاتحه می‌خوانند. کسانیکه کار واجبی دارند پس از صرف چای خدا حافظی کرده پی کار خود می‌روند.

در این مراسم شخصی را بنام «عرشه‌خوان» جهت خواندن قرآن دعوت می‌کنند. «عرشه‌خوان» تا پایان مراسم با صدای بلند قرآن خوانده، ثواب آنرا بروح مرده نثار می‌نماید.

البته کسانیکه قرآن خواندن بلد می‌باشند، یکی از جزوهای قرآن را که قبل از مسجد بدین منظور تهیه کرده‌اند برداشته و آنرا با صدای آرام می‌خوانند و ثواب آنرا بروح شخص فوت کرده و سایر مؤمنین و مؤمنات هدیه می‌کنند.

نزدیکیهای ظهر دعوت شدگان برای صرف ناهار که معمولاً اکثر همسایگان

و فامیل می باشد دسته دسته وارد مسجد می شوند یک نفر روحانی بمثابه رفته و مجلس را با صطلاح محلی «ختم» می کند یعنی بر می چیند.

مهما نان بحدی زیاد می شوند که تمام قسمت های مسجد را پر می کنند. زمانی که «قوللو خچی»<sup>۱</sup> ها شروع به چیدن سفره های غذا می نمایند مهمانان در دسته های مختلف جهت پهنه کردن سفره مربوط به خودشان جا باز می کنند.<sup>۲</sup> البته مهمانان در چند ردیف پشت به پشت می نشینند.

مراسم «اولی یهمه بی» سه روز متواتی از اولین روز فوت شخص ادامه می یابد «اولی یهمه بی» را مردان بدون دخالت زنان از گوشت گو سفندی که قبل از بهمین منظور ذبح کرده اند، بصورت آبگوشت در قسمت چایخانه مسجد تهیه می کنند.

«قوللو خچی» ها پس از پهنه کردن سفره مقداری آب گوشت را در کاسه و مقداری از گوشت آنرا در بشقاب جهت صرف دونفر که «هم کاسه» نامیده می شود می آورند. بهمین ترتیب از مهمانان پذیرائی می کنند. پس از صرف غذا و جمع آوری سفره روحانی حاضر در مجلس دعا و فاتحه داده همه مهمانان حمد و سوره می خوانند و ثواب آنرا به اموات صاحب احسان نثار می کنند و پس از تسلیت گفتن به بازماندگان میت که کنار در مسجد سرپا می ایستند، آنجا را ترک می کنند.

البته مجلس ترحیم جداگانه ای باش رکت زنان در خانه میت در همان روز برپا می شود و موقع ظهر جهت پذیرائی از مهمانان دعوت شده از آبگوشت موجود در مسجد توسط «قوللو خچی» ها آورده می شود. مرسوم است کسانی که جهت صرف «اولی یهمه بی» دعوت می شوند، هر کدام یک کله قند به همراه خود بمسجد می آورند این کله قدمها به مصرف مراسم سوگواری میرسد.

ممکن است در موقع فوت کسی صدھا کله قند بهمین ترتیب جمع شود. در این صورت یک‌کفر لیست اسامی کسانی را که کله قند آورده در روی یک صفحه کاغذ

---

۱ - Gulluxçi - پذیرائی کنندگان افتخاری

۲ - مهمانان در حالیکه پشت به پشت می نشینند در ردیف های خود نظر زی فارمی گیرند وقتی که یک‌کفر از دور نگاه کند مردم را بصورت مستطیل هائی در اطراف سفره ها می بینند.

یادداشت کرده تا صاحب میت بعداً بهمین منظور تلافي نماید.

اگر قدرت مالی یکی از فامیلها زیاد باشد بجای کله‌قند یک رأس گومفند هدیه می‌کند که گوشت آن بمصرف «اولی‌یمه‌ئی» میرسد.

ترکمن‌چائیها معتقدند که وقتی فردی فوت کند نیکی و بدی آن شخص در زندگی به نسبت رحمت مردم مشخص می‌شود یعنی مردم هرقدر زیاد رحمت‌بخوانند بهمان اندازه فرد نیک سیرت بوده است.

در اکثر نقاط آذربایجان بخصوص «تبریز» برای میت شب جمعه می‌گیرند و آنرا «جمعه‌گه‌جه‌سی»<sup>۱</sup> گویند این مراسم را در خانه میت برپا می‌کنند و تمام فامیل و آشنا جهت تسلیت گفتن به بازماندگان میت حضور بهم میرسانند. در شبهای جمعه در حق میت بادادن شام‌باناها را احسان می‌کنند و این احسان تا روز چهلم‌دادمه می‌یابد.

### مراسم «ای‌له‌شمه»<sup>۲</sup>

یک هفته پس از مراسم «اولی‌یمه‌یی» زنان تا چله میت در خانه‌های خود به نوبت تعزیه برپا می‌کنند و آن را بدین طریق عمل می‌نمایند.

روزهای هفته را بین فامیل تقسیم کرده و هر کدام در نوبت خود در خانه‌اش بسوگواری می‌نشینند. اگر از قدرت مالی خوبی برخوردار باشند عده‌ای از نزدیکان را جهت صرف غذا بعنوان احسان در حق میت دعوت می‌کنند.

در مراسم «ای‌له‌شمه» زنان بر عکس مردان تا آخرین لحظه پایان مراسم می‌نشینند و جهت آمرزش میت حمد و سوره می‌خوانند.

---

1 - شب جمعه - Güma gajasi

2 - aylâşma - نشستن، این اصطلاح را در موافقیکه جهت سوگواری شخص فوت شده می‌نشونند اسنعمل می‌نمایند.

در این مراسم زنان «میشگر» تعزیه‌خوانی می‌کنند و آنرا بصورت «بایاتی»<sup>۱</sup> هایی که محتوای آنها توأم با سوز و گداز است و بنام «نیسگیل»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود بیان می‌کند بطوریکه دل بازماندگان میت از شنیدن آن سوخته و گریه می‌کنند . چند نمونه از این «بایاتی»‌ها را در فصل «بایاتی»‌ها خواهیم آورد .

مراسم «ای له شمه» معمولاً به ترتیب سنی فamil برگزار می‌شود یعنی از نزدیکترین فamil شروع شده و تا روز چهلم میت ادامه می‌یابد .

### مراسم برگزاری چله میت

پس از گذشت چهل روز از فوت شخص در روز چهلم در مسجد مراسم «چله» برگزار می‌کنند و زمان آن صبح تا ظهر و یا بعد از ظهر تا عصر می‌باشد . موقع عصر همه با تفاق بازماندگان میت بر سر قبر او حاضر می‌شوند . معمولاً زنان قبل از آمدن مردان به همراه چند نفر از جوانان با یک قطعه فرش، مقداری خرما و حلوا به سر قبر می‌روند . این فرش جهت انداختن به روی قبر می‌باشد .

همه در اطراف قبر اجتماع کرده و زنان در حالیکه به روی قبر افتاده اند گریه و فغان برای انداخته «نیسگیل»‌های مرده را بصورت «بایاتی» بازگو می‌کنند . مردان در حالیکه کمی از قبر فاصله گرفته اند حمد و صوره خوانده ثواب آنرا به میت و اهل قبور هدیه می‌کنند در خاتمه بعنوان احسان بهمه از خرما و حلوا موجود را تعارف می‌کنند .

بعد از برگشتن از قبرستان همه با تفاق تا دم در خانه میت بازماندگان او را مشایعت کرده هر کس مایل باشد بداخل خانه وارد شده و پس از فاتحه‌خوانی و صرف چای اگر برای صرف شام یانا هار دعوت شده باشد می‌نشینند در غیر این صورت تسلیت گفته خدا حافظی مینمایند .

---

Bâyâti - ۱  
دو بیتی  
Nisgil - ۲  
مصیبت

قبل از صرف شام یک نفر روحانی در اطراف زندگی میت و اعمال نیک او مسخنای ایراد کرده و پس از ذکر مصیبت دعا کرده و حاضرین فاتحه می خوانند . «قوللو خچی»ها سفره را می چینند و غذا را جهت صرف شام آماده می نمایند . همه مهمانان پس از صرف شام باستثنای چند نفر فامیل ریش سفید جهت تصمیم گیری در مورد ارث و سایر موارد آنجا را ترک می کنند . اگر شخص فوت شده مرد بوده و دارای اولاد باشد پس از صورت برداری از دارائی او به ترتیب زیر عمل می کنند .

### الف - اموال غیر منقول

- ۱- طبق موازین شرع مقدس اسلام پسران دو سهم و دختران یک سهم می برنند
- ۲- اگر برادران پس از فوت پدر مایل به جدا شدن از یکدیگر نباشند در این صورت فقط سهم خواهران را پرداخت می کنند .
- ۳- در اکثر موارد دختران ازدواج کرده برای حفظ موقعیت اقتصادی برادران که دلایل آن ذیلاً خواهد آمد از حق خود صرف نظر می کنند و آنرا به برادران خود واگذار می نمایند .

الف - ممکن است اموال پدرشان مختص به زمین زراعی باشد . در این صورت معتقدند که اگر اراضی کشاورزی موروثی از پدرشان تقسیم شود برادران از نظر نداشتند زمین زراعی بمضیقه افتاده نمی توانند معیشت خانواده شان را تأمین نمایند .

ب - چون برادران پس از مرگ پدرشان بعلت همبستگی عاطفی و اقتصادی در یک خانه زندگی خواهند کرد بنابراین مایل به تقسیم اراضی پدرشان نمی باشند

ج - در صورت تقسیم زمینهای زراعی ارزش اجتماعی برادران در جامعه روستا کمتر خواهد شد .

د - پس از مرگ پدر برادر بزرگتر و حتی برادران دیگر وظیفه پدری را نسبت بخواهان بجای می آورند .

۴- اگر مادر بچه‌ها مایل بتقسیم اموال شوهر فوت کرده‌اش نباشد در این صورت فرزندان بخاطر عدم رنج‌گذاندن مادرشان تازمانیکه او در حال حیات می‌باشد موقتاً از تقسیم آن صرف نظر می‌نمایند و حتی بخاطر او پسران ازدواج کرده باهم و در همان خانه زندگی می‌کنند.

## ب - اموال منقول

اموال منقول موروثی از قبل پول نقد و اساس خانه طبق موازین شرع مقدس اسلام بین وراث تقسیم می‌شود. ولی در برخی از خانواده‌ها بنابعلی تقسیم آنرا به بعد موکول می‌کنند و تمام آنها را صورت برداری کرده و در همان خانه نگهداری می‌کنند.

۱- بعلت عواطف موجود بین مادر و فرزند تازمانیکه مادر در حال حیات می‌باشد، حتی پسران از خارج شدن اموال از خانه پدر راضی نمی‌شوند.  
۲- در صورت تقسیم دارائی منقول خانه تهی شده و ممکن است مورد سرزنش و ریش‌خند فامیل و همسایه قرار گیرند.

۳- هیچیک از فرزندان مایل نمی‌شوند که باصطلاح «چراغ» خانواده‌که پدرشان سالها با مشقات زیاد فراهم آورده با تقسیم اموال غیر منقول او خاموش شود اگر میت فرزندان صغیری از خود به یادگار بگذارد بزرگان فامیل بخصوص پدر بزرگ نسبت به نگهداری و بزرگ کردن آنان تصمیمات لازم را می‌گیرند.

در صورت وجود پدر بزرگ نگهداری کودکان یتیم بعهده او می‌باشد. در غیر این صورت اگر مادر بزرگ در حال حیات باشد و عموهای کودکان در یک خانه زندگی کنند نگهداری زن و بچه برادر مرحوم شان را بعهده می‌گیرند. و مانند فرزندان خود معیشت آنان را فراهم می‌آورند. حتی آنان را بزرگ کرده اگر دختر باشند به شوهر میدهند و اگر پسر باشند زن می‌گیرند. بنابراین در اینگونه موارد تقسیم دارائی میت را موکول به بعد از بزرگ شدن کودکان صغیر می‌نمایند.

## مراسم عزاداری سیدالشهداء عليه السلام

مردم ترکمنچای جهت عزاداری سیدالشهداء (ع) از اول ماه محرم الحرام سیاهپوش شده و تشکیل «دسته‌های عزاداری می‌نمایند. و این مراسم از اول محرم تارو ز سوم شهادت آنحضرت به طول می‌انجامد و آخرین روز آنرا «یخه با غلاما»<sup>۱</sup> گویند. و بدین طریق عمل می‌نمایند.

نخستین روز ماه محرم اهالی هر محله بطور جداگانه و بعد از ظهر در حسینیه واقع در محله مسکونی خودشان که به تکیه نیز معروف است جمع شده و پس از یاد گرفتن نوحه مخصوص آن روز بحالت نوحه‌خوانی و سینه‌زنی بسوی مساجد رواستا بحر کت در می‌آیند. و این مراسم تا هنگام شام ادامه یافته و بعد از صرف شام تا پاسی از شب نیز ادامه دارد.

### حسینیه‌های موجود در ترکمنچای

- ۱- عباسیه
- ۲- حسینیه
- ۳- زینبیه
- ۴- قاسمیه
- ۵- اکبریه

### مساجد ترکمنچای

- ۱- مسجد جامع «رسول الله» : واقع در کوچه « حاجی لار»<sup>۲</sup>
- ۲- «آشاغی مسجد»<sup>۳</sup> : واقع در «آشاغی محله»<sup>۴</sup>
- ۳- «مسجد مهدلی» : معروف به مسجد امامزاده واقع در «مهدلی محله سی»<sup>۵</sup>

---

Yaxa baglâmâ	- ۱	- یخه بستان
Hâjllâr	- ۲	- حاجی‌ها
Âşâgi masjid	- ۳	- مسجد پائین
Âşâgi mahalla	- ۴	- محله پائین
Mahdili mahllasi	- ۵	- محله مهدلی‌لو

- ۴- مسجد «بابالی» واقع در «بابالی محله‌سی»<sup>۱</sup>
- ۵- مسجد حضرت ابوالفضل واقع در «احمدلی کوچه‌سی»<sup>۲</sup>
- ۶- مسجد امام حسین واقع در «کردلر محله‌سی»<sup>۳</sup>

### ترتیب عزاداری :

بعد از ظهرها مردم دسته در حسینیه‌ها جمع شده و پس از یادگار فتن نوحه مخصوص آن روز که آن را «ورد»<sup>۴</sup> می‌گویند از حسینیه خارج شده پس از عبور امحلات روستا در حال سینه‌زنی و زنجیرزنی بطرف مساجد براه می‌افتد. وقتیکه دسته‌ها به میدان جلو مسجد می‌رسند با رعایت نوبت وارد مسجد شده در آنجا نیز به اجرای مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. در ترکمن‌چای به سینه‌زنان «عرب»<sup>۵</sup> گویند طرز لباس پوشیدن «عرب» با زنجیرزنان متفاوت است بطوریکه پیراهن «عربها» دراز و تا پائین زانو یک نواخت می‌باشد و از قسمت جلو سینه تقریباً باندازه دو کف دست باز است.<sup>۶</sup> لباس زنجیرزنان از دو تکه بشکل پیراهن سیاه معمولی و یک دامن تا پائین زانو می‌پوشند.

در روز قاسوعای سیدالشهداء اطاقکی را بنام «اطاق قاسم» ترتیب می‌دهند و آنرا از اول صبح تا موقع عصر همراه عزاداران در تمام مساجد و حتی بخاره کسانیکه او لین سالگرد فوت یکی از اعضاء خانواده است می‌گردانند. هنگام غروب آفتاب افرادیکه نذر دارند بمساجد مراجعه و با روشن کردن شمع نذر خود را ادا می‌کنند. صبح روز عاشورا دسته‌های حسینی در حسینیه‌ها جمع شده و پس از گذشتن

- محله بابالو Bâbâli mahallasi — ۱
- محله احمدلو Ahmadli küçası — ۲
- محله کردها Kürdler mahallasi — ۳
- نوحه Vird — ۴

از تمام محلات و مساجد روستا و اجرای مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی ؟ زمان ظهر در میدان روستا جمع شده و در اجرای مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی شهدای کربلا شرکت می‌کنند حتی در روز عاشورا اهالی روستاهای مجاور نیز جهت شرکت در این مراسم به ترکمن‌چای مسافرت می‌نمایند در روز عاشورا اکثر خانواده‌ها «خش»<sup>۱</sup> می‌دهند و ترتیب «خش» بدین شکل است که هر یک از خانواده‌ها عده‌ای از روستائیان را که از اطراف آمده‌اند جهت صرف نهار بخانه خود دعوت می‌نمایند گاهی تعداد «خش» دهنده‌گان نسبت به تعداد مهم‌انان بیشتر بوده که فقط بمصرف افراد خانواده می‌رسد<sup>۲</sup>.

۴- زاداران عصر روز عاشورا در مساجد جمع شده و مراسم شام غربیان برگزار می‌کنند . در این مراسم چرا غ روش نکرده بلکه در تاریکی بعزا می‌نشینند . معتقدند که اسرای کربلا در این شب در تاریکی مانده بودند.

### مراسم جشنها و اعیاد

#### ۱- مراسم چهارشنبه سوری

در ترکمن‌چای مانند سایر نقاط آذربایجان مراسم چهارشنبه سوری برگزار می‌کنند . چهارشنبه سوری آخرین چهارشنبه هفت سال می‌باشد . معمولاً این مراسم از روز سه‌شنبه تا عصر روز چهارشنبه ادامه می‌یابد .

---

۱- X&F - یعنی خرج، جهت دادن احسان غذای گرم می‌پزند و آنرا «خش» می‌گویند.  
۲- داستانی در این مورد نیز به نقل از یکی از اهورا دخانواده‌ای که خود در این امر سهی است جنین نقل می‌کند سالها پیش سرپرست خانواده بملت نازا بودن زن خود نذر می‌کند که در روزهای عاشورا غذای گرم نخورد پس از آنکه صاحب اولاد می‌شود در روزهای عاشورا علاوه از اینکه «خش» تهیه نمی‌کند خودش نیز از خوردن غذای گرم اجتناب می‌کند ولی پس از گدشتن جلد نسل یکی از اجداد بعدی باصطلاح «سنت» را می‌شکند و در روز عاشورا جهت دادن «خش» عدای گرم تهیه می‌کند بلا فاصله پس از پخته شدن غذا مشاهده می‌کند علاوه از اینکه غذا خون‌آلود است یک شمشیر خون‌آلود نیز در روی دیگ غذا ظاهر گردید .

در این روز بچه‌ها لباسهای تازه خود را که والدین آنان بمناسبت ایام عیدنوروز تهیه کرده‌اند می‌پوشند و با شادی و صفت‌ناپذیر جهت‌گرفتن «چرشنبه‌لخ»<sup>۱</sup> به بازدید بزرگان می‌روند.

افرادی که به بچه‌ها «چرشنبه‌لخ» می‌دهند عبارتند از :

۱ - پدر بزرگ

۲ - مادر بزرگ

۳ - پدر

۴ - عموهای

۵ - دائی‌ها

۶ - عمه‌ها

۷ - خاله‌ها

۸ - برخی از ریش‌سفیدان فامیل

کودکان از پولهای بدست آورده بعنوان «چرشنبه‌لخ» می‌توانند مستقیماً برای خودشان اسباب‌بازی، شیرینی و سایر احتیاجات خود را بخرند. بنابراین برخی از بچه‌ها برای اولین بار از لذت خرید کردن بهره‌مند شده و چگونگی دادوستد را می‌آموزنند. رسم براین است که در شب چهارشنبه سوری همه «چرشنبه‌یه میشی»<sup>۲</sup> می‌خورند.

«چرشنبه‌یه میشی» عبارت است از :

«انواع «سه‌بی‌زه»<sup>۳</sup>، نخودچی، مغز‌گردو، معزبادام، فندق، پسته، خرمای زرد، «باسدخ»، انجیر، «میان‌پور»<sup>۴</sup> و امثال آنها می‌باشند.

بکسانیکه در چهارشنبه سوری «چرشنبه‌یه میشی» فرستاده می‌شود عبارتنداز:

---

çarşanba Ix - ۱

çarşanba yamışı - ۲

- ۳ - کشمکش Sabiza

- ۴ - Miyân pur - میان‌پر، داخل میوه‌هایی مازنده هلو. گلابی. شفتاب او را به نیلا خالی کرده‌اند با مخلوطی از شکر، گرد و هل پر می‌کنند

- ۱- اگر دختر کسی شوهر کرده باشد، مادرش سهیمه «چرشنبه یه میشی» اورا جدا کرده و عصر چهارشنبه همراه اشیائی از قبیل : جوراب ، لباس زنانه، چادر و امثال آنها را بطوریکه دریک خوانچه می چیند ، می فرسته .
- ۲- در شب چهارشنبه سوری بدخلتران نامزد از طرف داماد مقداری «چرشنبه یه میشی» بهمراه یک جفت جوراب ، کفش ، لباس زنانه ، چادر ، با قرار دادن آنها در خوانچه فرستاده می شود .
- ۳- در شب چهارشنبه سوری از طرف والدین عروس جهت نامزد او مقداری «چرشنبه یه میشی» یک عدد پیراهن ، یک جفت جوراب و گامی یکعدد ریشم تراش بر قی ویا دستی ، یک عدد ساعت دریک خوانچه چیده و فرستاده می شود. در روز چهارشنبه سوری کودکان کیسه‌ای را بوسیله طنابی بنام «فورشاخ»<sup>۱</sup> از سوراخ سقف بام خانه فامبل ویا همسایه‌ها بداخل اطاق می اندازند. مرسوم است که صاحب خانه کیسه را پر از «چرشنبه یه میشی» می کند تا بچه‌ها آنرا بالا کشیده و بخورند .

این عمل را پسران نامزد با بالا رفتن در پشت بام خانه عروس انجام میدهند و بدینوسیله «چرشنبه یه میشی» می گیرند .

در این روز دختران دم بخت جهت باز شدن بختشان مقداری از موی سر و ناخن خود را بهمراه یک عدد کشمش بداخل آب چشمه می اندازند و از روی آب چند بار می جهند و چنین می گویند .

«آتل باطل چرشنبه ، بختم آچل چرشنبه»<sup>۲</sup> سپس با قیچی ایکه همراه خود آورده‌اند آب را می بردند .

در روز چهارشنبه سوری و قنیکه خوانچه دختران نامزد از طرف داماد می رسد، دختران همسن و سال آنها بمادرشان چنین می گویند :

«ننه اوچ خونچا گلیب گون شوموزا فاطما سورایه<sup>۱</sup>»

«قوجا جاھل هامی گل میشدی اورایه<sup>۲</sup>»

«دو گداخ چای باشنا من آتلم بختیم آچل سین<sup>۳</sup>»

«گلن ایل گیدم آره گلین گولی باشیما ساچل سین<sup>۴</sup>»

مردم تر کمن چای معتقدند که در شب چارشنبه سوری پاسی از شب گذشته درختان خم شده و از چشمها آب می خورند و اگر در همان لحظه انسان هر آرزوی را از خداوند متعال خواستار باشد مورد عنایت پروردگار قرار خواهد گرفت . در این مورد داستانی را چنین نقل می کنند :

«در گذشته های بسیار دور دختری در شب چهارشنبه سوری وقتیکه از چشمها آب بر میداشت چگونگی خم شدن و آب نوشیدن درختان را با چشم خود می بیند و بلا فاصله از خداوند می خواهد که مادرش را طلا سازد .

وقتیکه دختر بخانه بر می گردد مادرش را بصورت یک مجسمه طلا می یابد . فوراً انگشت کوچک دست چپ او را قطع کرده و در بازار می فروشد و بدین وسیله افراد خانواده را از فقر نجات میدهد .

پس از سپری شدن یک ساعت باز در شب چهارشنبه سوری همان دختر در سرچشمها منتظر لحظه آب نوشیدن درختان می ایستد بمحض مشاهده خم شدن درختان باز از خداوند می خواهد که مادرش را از صورت طلا بحال اولیه بر گرداند . پس از آنکه بخانه بر می گردد مادرش را بحالت اولی خود می یابد ولی مشاهده می کند که انگشت کوچک دست چپ او قطع شده است<sup>۵</sup> .

1- Nana üç xonçâ galib Gonşumüzâ Fâtmâ sorâya

2- Gojâ jâhil hâmi Galmişdi orâya

3- Du gadâx çây bâşInâ man âtIlim baxtim âçIlsIn

4- Galan il gadam era galin güli bâşImâ sâçIlsIn

5- تقریر از مسلم شیرچنگ شغل آموزگار سن ۲۸ سال

معتقدند که در لحظه ایکه درختان جهت آب خوردن خم می‌شوند از چشم  
آب برداشته و به «نهره»<sup>۱</sup> بریزند تا پایان سال جدید چربی شیر دامها زیاد شده و  
محصول روغن بیشتر می‌شود.

تر کمن چائیها روزهای چهارشنبه اسفند ماه را نام‌گذاری کرده‌اند و معتقدند  
که در هریک از این چهارشنبه‌ها اتفاق بخصوصی می‌افتد و همچنین معتقدند که در  
این روزها «جمله»<sup>۲</sup> شکسته می‌شود.

بنابراین اگر دریکی از این چهارشنبه‌ها نوزادی بدنیا آید پسر باشد اسمش  
را «جمال» و اگر دختر باشد اسمش را «جمیله» انتخاب می‌کنند.

۱- اولین چهارشنبه اسفند ماه را «خبر چارشنبه»<sup>۳</sup> می‌نامند و معتقدند که این  
چهارشنبه خبر رسیدن بهار و گرم شدن هوا را به مرأه می‌آورد.

۲- دومین چهارشنبه اسفند ماه را «فوره چارشنبه»<sup>۴</sup> گویند و این تسمیه بعلت  
وزش بادهای شدید و ایجاد طوفان می‌باشد.

۳- سومین چهارشنبه اسفند ماه را «کوله چارشنبه»<sup>۵</sup> گویند. معتقدند که در  
این روز اگر نوزادی بدنیا آید و کسی باصطلاح بگوید «کوله قالاسان بویی می‌یه سن»<sup>۶</sup>  
نوزاد پس از بزرگ شدن کوتاه قد می‌شود.

در این روز پشم قسمتی از تن گوسفتان را می‌چینند و با این عمل نشان میدهند  
که فصل نظافت رسیده و باید تمیز کردن گوسفتان را آغاز نمود زیرا بعلت نگهداری  
گوسفتان در طول زمستان و تماس آنها با فضولات خودشان کثیف شده‌اند.

---

۱- کوزه‌ای است که شیر جوشیده را داخل آن ریخته و بوسیله نکان دادن  
گره شور را می‌گورند.

Jamla - ۲

Xabar çarşamba - ۳

Gara çârşamba - ۴

Küla çârşamba - ۵

Küla gâlâsân böyi miyasan - ۶

۴- چهارمین و آخرین چهارشنبه‌اسفندماه را «چر شنبه باز اری»<sup>۱</sup> گویند و رسیدن آن نشانهٔ فرا رسیدن عید نوروز و سال نو می‌باشد.

### ۳- مراسم نوروز

در ترکمن‌چای عید نوروز را مانند سایر نقاط آذربایجان با سور و شعف استقبال می‌کنند.

زن‌های ترکمن‌چای چند روز قبل از فرا رسیدن عید نوروز خانهٔ تکانی را شروع کرده و تمام فرش، گلیم و پرده‌های را که در طول زمستان در اثر دود تولید شده از سوختن تنور کثیف شده‌اند می‌شویند و برای عید نوروز آماده می‌کنند. علاوه بر این کارها زنان دوخت و دوز لباس افراد خانواده و بخصوص لباس بچه‌ها را نیز انجام می‌دهند.

زنان ترکمن‌چای پس از فراغت از خانهٔ تکانی و دوخت و دوز لباس با گل سفیدی که از کوه‌های اطراف بخش تهیه می‌کنند اطاقها را با آن سفیدکاری می‌نمایند تا در عید نوروز از بازدید کنندگان در خانهٔ تمیز پذیرائی کنند.

مردم ترکمن‌چای معمولاً چند ساعت قبل از تحویل سال نو در یکی از اماکن مذهبی مانند مسجد و یا حسینیه جمع می‌شوند و در انتظار تحویل سال می‌نشینند کسانی که قرآن خواندن بلد می‌باشند تا لحظه تحویل سال قرآن می‌خوانند. بعضی از آنها که در جاه رosta فرد مؤمن و متدين شناخته شده‌اند چهل بار سوره مبارکه «یس» را خوانده و به ظرف پراز آب می‌دمند بطوریکه این آب را پس از تحویل سال بوسیله استکانهایی بین حاضرین تقسیم می‌کنند تا آنرا برای نوشیدن افراد خانواده خود بخانه ببرند. زیرا معتقدند که هر کس از این آب بنوشد، بمدت یک سال مريض نخواهد شد.

ترکمن چائیها قبل از تحویل سال دو عدد گردو را بداخل ظرف پراز آب می‌اندازند معتقدند وقتیکه سوره مبارکه «یس» را چهل بار قرائت نمایند، در این فاصله اگر گردوها در سطح آب بهم بخورند معلوم می‌شود که سال تحویل شده است و اگر گردوها تنهشین شده و در ته آب دور از هم قرار گیرند می‌فهمند که هنوز سال تحویل نشده است. مرسوم است که زنان ده روز قبل از فرا رسیدن نوروز گندم سبز می‌کنند و آن نشانهٔ فرا رسیدن بهار و مرسبز شدن مراتع و مزارع می‌باشد و آنرا تا سیزدهم فروردین ماه در خانه نگهداری می‌کنند.

کودکان قبل از تحویل سال توبه و یا دستمالی را پراز تخم مرغ، غذا و شیرینی کرده و آنرا بوسیلهٔ طنابی بنام «فورشاخ»<sup>۱</sup> از سوراخ بام خانه یکدیگر پائین می‌اندارند و از این کار اذت فراوان می‌برند.

در عید نوروز همهٔ مردم بخصوص بچه‌ها لباس نو می‌پوشند و هرقدر قدرت مالی خانواده‌ای زیاد باشد افراد آن خانواده بهمان اندازه لباس با ارزش می‌پوشند. ترکمن چائیها پس از تحویل عیدنوروز بدید و بازدید می‌روند. ابتدا بزرگترها در خانه می‌مانند تا آن‌ها که کوچکترند بدیدنشان بیایند و بعد هم خودشان به بازدید بروند. در دید و بازدیدهای عیدنوروز، معمولاً هر چند نفر که باهم بیشتر مأونوسند همراه می‌شوند. آن‌ها به هر خانه که وارد بشوند، مبارک باد می‌گویند و شیرینی و میوه می‌خورند و پس از صرف چای به خانه‌ای دیگر می‌روند. بچه‌ها در هنگام بازدید از بزرگترها، از آنان عیدیانه دریافت می‌کنند. پدر و مادرها با اندازهٔ توانائی مالی خودشان، چند تومنی به بچه‌هایشان و به بچه‌های اقوامشان عیدی میدهند که آنرا در اصطلاح محلی «بایرام‌لخ»<sup>۲</sup> گویند.

کسانیکه به بچه‌ها عیدی می‌دهند عبارتند از:

- ۱ پدر
- ۲ مادر

۳- پدر بزرگ

۴- مادر بزرگ

۵- عموهای

۶- دائی‌ها

۷- عمه‌ها

۸- خاله‌ها

۹- برخی از ریش‌سفیدان فامیل

«بایرام‌لخ» هم مانند «چرشنبه‌لخ» انواع مختلف دارد.

۱- پول نقد

۲- تخم مرغ رنگی که آنرا زنان بوسیله پوست پیاز رنگ می‌زنند.

۳- جوجه

۴- اسباب بازی

۵- یک جفت جوراب

۶- یک عدد پیراهن

۷- یک جفت کفش و نظایر آنها

وقتی که دید و بازدید فامیل‌ها و همسایه‌ها و اهل ده تمام شود، دید و بازدید با مردم دهکده‌های همسایه شروع می‌شود و هر روز هشت الی ده تر کمن‌چائی برای تبریک گفتن بددهکده‌های همسایه می‌روند و یا عده‌ای از دهکده‌های همسایه به تر کمن‌چائی می‌آینند تا سال نو را تبریک بگویند و دوستی و مودت خود را در سال نو تجدید نمایند. دید و بازدیدهای تر کمن‌چائی‌ها تا سیزده فروردین ماه طول می‌کشد. روز سیزده سال نو که به آن «سیزده بدر» گویند از ده بیرون می‌روند و کار خودشان را تعطیل می‌کنند معمولاً افراد هر خانواده جهت تفریح در مزرعه متعلق به خودشان اجتماع می‌کنند و حتی ناهار را نیز در آنجا صرف می‌کنند. مرسوم است که صبح روز «سیزده بدر» زنان سبزه‌های را که بوسیله دانه‌های

گندم سبز کرده‌اند از حیاط خانه به بیرون می‌اندازند و چنین می‌گویند «سیزدهی ده  
اله‌دیم»<sup>۱</sup> یعنی بعقیده آنان چون عدد سیزده یک عدد نحس می‌باشد بنا براین می‌گویند  
«سیزده را ده کردیم» و با ادای آن نحوست بر طرف می‌شود.

### ۳- مراسم عید قربان

عید قربان یکی از اعیاد بزرگ و مهم مسلمانان جهان بشمار می‌رود.  
در ترکمن‌چای در این عید فرخنده حاجیان و کسانیکه از قدرت مالی برخوردارند  
گوسفند قربانی می‌کنند و گوشت آنرا در بین فامیل و همسایه تقسیم می‌نمایند.  
و هر سهم را «قربان پایی»<sup>۲</sup> می‌گویند. البته کسانیکه قدرت مالی آنها ضعیف بوده  
و به تنهاei قادر به ذبح قربان نیستند، در اینصورت اهالی هر محله مشترکاً یک  
قربانی خریداری می‌کنند و بدین‌طریق عمل می‌نمایند.

یکنفر بعنوان قصاب و یا فرد خیر و با اطلاع از هر یک از اهالی بمیزان  
قدرت مالی او پول جمع کرده و پس از خریداری یک گوسفند و یا گاو نر در میدان  
 محله ذبح می‌نمایند و گوشت حاصل از آنرا بین هر یک از مشترکین نسبت به سهم  
 تقسیم می‌کنند. این افراد بعد از تحویل گرفتن سهمیه خودشان بخانه برده و پس از  
 برداشتن سهمیه افراد خانواده بقیه را بین فامیل و همسایه‌ها تقسیم می‌کنند.

مرسوم است که هنگام ذبح قربانی یکنفر قرآن قرائت می‌کند و آنرا بگوشت  
 آن می‌دمد. عمل خواندن و دمیدن آنرا بگوشت قربان در اصطلاح محلی  
 «تیمورونی او خودی»<sup>۳</sup> گویند. باحترام آیات قرآن کریم و بعلت اینکه حیوان در اثر  
 قربانی شدن تقدیس شده استخوانهای آنرا در محلی دور از دسترس حیوانات  
 دفن می‌کنند.

۱- Sizdahi Oahaladim = سیزده ده کرد

۲- Gurbân Pâyi

۳- Taymuruni oxudi - تیمورش را خواند

بکسانیکه از گوشت قربان با آنها احسان می کنند عبارتند از :

- ۱- دختران ازدواج کرده خانواده
  - ۲- پسرانیکه پس از ازدواج خانواده مستقلی تشکیل داده اند
  - ۳- به عروس خانواده که هنوز در حال نامزد می باشد
  - ۴- فامیل های نزدیک
  - ۵ همسایگان صمیمی
  - ۶- همسایگانی که قدرت مالی آنها ضعیف است
- نوع دیگر قربانی کردن در ترکمن چای قربانی نذری می باشد که مردم پس از برآورده شدن نیازشان ذبح می نمایند و گوشت آنرا بطريق مذکور تقسیم می نمایند .

### صنایع دستی

امروزه مظاهر صنایع دستی در برابر هجوم آشکار کالاهای وارداتی در حال از بین رفتن است . کاسه ، سطل ، تابه ، اجاق فلزی ، قاشق ، بشقاب چینی یا آلومینیومی جایگزین ظرفهای سفالین ، قاشقهای چوبی و امثال اینها شده اند پارچه های کارخانه باف که نقوش و تزئینات بومی را عاریه کرده اند در همه مناطق در حال از بین بردن پارچه های دست بافت که بصورت پارچه های کم عرض در هم تافته اند ، صندلی های آهنی و چمدانهای معمولی جایگزین نیم کت های چوبی سنتی و سبد های دارای بافت و تزئینات زیبا می شوند .

هنرهای یک قوم مانند فولکلور نشان دهنده ذوق و استعداد آن قوم است . در گذشته صنایع دستی در ترکمن چای رونق زیاد داشت بطوریکه در کنار شغل کشاورزی یک شغل جنبی بعضی از افراد خانواده محسوب می شد و روستائیان مواد اولیه آنرا در خود روستا تأمین می کردند . ولی امروزه صنایع دستی در این بخش از رونق افتاده و به ندرت در بعضی از خانواده ها زنان پس از فراغت از کارهای خانه و مزرعه به چنین کارهایی نیز اقدام می کنند :

- ۱- جور اب بیافی . زنان پشم گو سفند را دریک وسیله‌ای بنام «ئیی»<sup>۱</sup> می‌ریسند و بوسیله میل می‌بافند .
- ۲- عرقچین : در گذشته زنان عرقچین را از پارچه‌های معمولی که از ازار خریداری می‌شد دوخته و بوسیله نخ ابریشم با گلدوزی تزئین می‌نمودند .
- ۳- کیسه حمام : کیسه حمام را بوسیله میخ با بکار بردن نخ می‌بافند .
- ۴- گلیم و جاجیم‌بافی : گلیم و یا جاجیم را در دستگاه چوبی که باصطلاح محلی «دزگاه»<sup>۲</sup> گویند می‌بافند و مواد آن از پشم گو سفند و موی بز می‌باشد .
- ۵- فرش‌بافی : ترکمن چائیها در گذشته فرشهای اعلا و با ارزش می‌بافتند که آثار آنرا در برخی از خانه‌ها می‌توان مشاهده کرد . ولی اکنون فرش مورد نیاز خودشان را از دهات مجاور<sup>۳</sup> خریداری می‌کنند .
- ۶- شال‌بنجک<sup>۴</sup> : در گذشته در دستگاه چوبی پارچه‌بافی بوسیله پشم گو سفند پارچه‌ای بنام «شال‌بنجک» می‌بافتند که فراورده آن جهت دوخت و دوز لباس مردان بمصرف می‌رسید .
- ۷- پاپاخ<sup>۵</sup> : در گذشته نوعی کلاه مردانه را از پوست پشم‌دار گو سفند می‌ساختند و آنرا پاپاخ مینامیدند .
- ۸- «دواوارجخ»<sup>۶</sup> از چرم دباغ شده گو سفند درست می‌کنند و برای نگهداری غذای چوپانان از آن استفاده می‌کنند .
- ۹- «چارخ»<sup>۷</sup> : در گذشته روستائیان بمجای کفش «چارخ» می‌پوشیدند و آنرا از چرم دباغی شده گاو می‌ساختند .

- ۱ - دوك (iy)

- ۲ - دستگاه Dazgâh

- ۳ - معمولا روستائیان مجاور تولیدات فرش و گلیم را در بازار ترکمن‌چای بفروش می‌رسانند

- ۴ - Sâlpanjak

- ۵ - Pâpâx

- ۶ - DâvârjIx

- ۷ - çârIx - چارق

۱۰- «بارماخ جیل»<sup>۱</sup>: وسیله‌ای است که کشاورزان موقع درو کردن گندم و جو بانگستان خودشان فرو می‌کنند و باندازه هریک از انگشتان دست از چرم درست می‌کنند.

## پوشاك محلى مردان ترکمن چاي

### الف - پوشاك مردان

مردان ترکمن چای لباسهایی را که در گذشته می‌پوشیدند امروزه اثری از آنها دیده نمی‌شود زیرا در اثر معاشرت با شهرهای بزرگ فرم لباس آنها عوض شده است.  
پوشاك مردان ترکمن چاي قبلا بقرار زير بود :

۱- «کوي نك»<sup>۲</sup>: پيراهنى با يقه تنگ تا قسمت ناف دگمه می‌گذاشتند و دگمه‌ها را معمولا در قسمت راست می‌دوختند بطور يكه دگمه آخری در روی شانه قرار می‌گرفت.

۲- «تومان»<sup>۳</sup>: ترکمن چائیها به شلوار «تومان» یا «دیز لیک»<sup>۴</sup> می‌گویند.

۳- «آرخالخ»<sup>۵</sup>: ترکمن چائیها به کت مردانه «آرخالخ» گویند و آرخالخ از دو قسمت تنه و پائين تنه بصورت بهم دوخته که دامن فرم چین دار و قسمت تنه تازير گلو دارای دگمه بوده است.

۴- «گىمه»<sup>۶</sup>: ترکمن چائیها به پالتو مردانه «گىمه» گویند و پارچه آنرا زنان از پشم گوسفند می‌بافنند.

- ۱ - Bârmâxçıl - انگشتانه

- ۲ - Köynak - پيراهن مردانه

- ۳ - Tumân - شلوار مردانه

- ۴ - Dizlik - شلوار مردانه

- ۵ - Ârxâlx - کت

- ۶ - Gayma - پالتو

۵- «پاپاخ» یا «بویلک» : مردان در گذشته از پوست پشم دار گوسفند کلاهی بنام «پاپاخ» می پوشیدند .

۶- «قوشاخ»<sup>۱</sup> : مردان ترکمن چای در گذشته جهت گرم نگهداشتن کمر خود از کمربندی بنام «قوشاخ» استفاده می کردند و آنرا زنان از پشم گوسفند می ہافتند.

۷- «چارخ» : کفش مردان در گذشته «چارخ» بود که آنرا از چرم گاو می ساختند .

۸- جوراب پشم ساقه بلند، که ساق آن جهت گرم نگهداشتن پاهای تازانو می رسید و معمولاً این نوع جوراب را بهمراه چارق در موقع زمستان و چوپانی می پوشیدند .

## ب - پوشان زنان

زنان ترکمن چای اصالت هفتاد ، هشتاد سال پیش خود را در لباس پوشیدن بخاطر کمی تماس با شهرها و تمدن شهری حفظ نموده اند .

۱- «دون»<sup>۲</sup> : دون لباس مخصوص زنان می باشد که از روی سایر لباسها می پوشند و تا بیست سانتی متر زیر زانو می رسد .

۲- «اتک»<sup>۳</sup> : زنان ترکمن چای از زیر «دون» دامنی «بنام» اتک می پوشند که دارای چین های متعدد می باشد .

۳- «تومان»<sup>۴</sup> : زنان از شلواری بنام «تومان» که از چیت دوخته شده است استفاده می کنند .

۱- کمربند Guşâx

۲- لباس زنانه Don

۳- دامن Atak

۴- شلوار Tumân

## اوزان و مقادیر

### الف - اندازه‌گیری وزن

اوزانی که در داد و ستد مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت باستثنای بعضی از این اوزان که منسوب شده بخصوص بعد از برچشیده شدن سیستم ارباب رعیتی و عبارتند از :

۱- مثقال

۲- پونزه

۳- سیه<sup>۴</sup>

۴- چرک<sup>۱</sup>

۵- باتمان<sup>۲</sup>

۶- دنگه

۷- کیل<sup>۳</sup>

۸- چanax<sup>۴</sup>

۱ کیلو = ۵ کیلو = ۱ من = یک چanax گندم

۱۶ پونزه = ۸ سیه = ۴ چارک = یکمن

یک چanax = ۲۰ دنگه

یک دنگه = ۵۰ مثقال

۳ کیلو = یک من قند

جهت وزن کردن گندم از «چanax» و یا «کیل» استفاده می‌کردند ولی در اوآخر ارباب رعیتی بوسیله یک قوطی که گنجایش آن ۴۰ کیلو گرم بود سهم ارباب را با آن جدا می‌نمودند اما در حال حاضر مقیاس وزن همان کیلو رایج می‌باشد.

---

çarak - چارک - ۱

Bâtmân - من - ۲

Kil - کیل - ۳

çanax - چanax - ۴

## ب - واحد طول

پیش از رایج شدن و استفاده از واحد متر برای اندازه‌گیری از «آرشن»<sup>۱</sup> استفاده می‌کردند که برابر بود با پنج وجب.

## ج - واحد سطح :

واحد اندازه‌گیری زمین‌های زراعی یا مراتع بوسیله «ایپ» یا مترمربع انجام می‌گیرد که مترمربع اخیراً رایج شده است.

$$794 \text{ مترمربع} = 27 \times 27 \text{ مترمربع}$$

$$16 \text{ پونزه} = 9 \text{ ایپ}$$

## ضرب المثل‌ها

ضرب المثل‌ها قسمتی از ادبیات شفاهی مردم را تشکیل میدهند که نمودار فرهنگ مردمان گذشته می‌باشند تا امروز سینه به سینه از اجداد گذشته بیادگار مانده است و اغلب بمناسبت اتفاقات و جریانات اجتماعی و تاریخی گفته شده است.

نمونه‌ای از ضرب المثل‌های مردم ترکمن‌چای:

۱- آتی، آتن یانندا با غلاسان، هم‌رنگ او لاما هم خوی او لار

1- Âti ÂtIn yânindâ bâglâsân hamrang olmâsà hamxuy olâr  
ترجمه‌فارسی: چنانکه دو اسب را کنار هم نگهدازید، اگر هم‌رنگ نباشند،  
هم خوی خواهند شد.

۲- هم‌نی‌شی‌نؤوی باب الله گئورن دسین هابلە

2- Hamnişinüvi bâb ala görän dasin hâbala  
ترجمه‌فارسی: دوست مناسب انتخاب کن تا مورد تحسین واقع شوی

---

۱- آرشن - ArşIn

### ۳- قویون، قوزی آیاغی باسماز

3- Goyun guzi âyâgi bâsmâz

ترجمه فارسی : گوسفند پای بره را لگد نمی کند

۴- ایلان هریره ای ری گه تسه ، او ز یووا سنا دوز گه در

4- ilân har yare ayri gatsa öz yuvâsInâ düz gadar

ترجمه فارسی : مار بهر جا کج برود بخانه خودش راست می رود

۵- دؤز یولدان گه دن یورول ماز

5- Cüz yoldân gadan yorulmâz

ترجمه فارسی : کسی که در راه راست قدم بر میدارد خسته نمی شود

۶- ئۆزوی یورول موش بیلسن ، یولداش ووی الموش بیل

6- Ozüvi yorulmuş bilsan yuldâsuvi Olmü\$ bil

ترجمه فارسی : اگر خودت را خسته میدانی ، دوستت را مرده دان

۷- قویونی درین قازان ، ئۇزى دوش

7- Guyuni darin gâzân özi dü\$ar

ترجمه فارسی ، چاه کن چاه را هر قدر عمیق بکند خودش درته آن است

۸- آشا، نه سالسان او چخار قاشغۇوا

8- Âşâ na sâlsân O çIxâr gâ\$Iquvâ

ترجمه فارسی : هر چه باش بیاندازی به قاشقت می آید

۹- او زووه أينه باتر ، یولداش ووا چووال دز

9- Ozüva iyna bâtlır yoldâ\$uvâ çuvâldIz

ترجمه فارسی : قبل سوزن را در خود فرو کن ، بعد جو الدوز را به دوست

## چیستانها

ترکمن چائیها در اصطلاح محلی به چیستان «تاپماجا»<sup>۱</sup> گویند. در شبههای طولانی زمستان در کار کرسی داغ برای گذراندن وقت خود و تفریح از یکدیگر «تاپماجا» می‌پرسند.

چند نمونه از «تاپماجا»‌های محلی را ذکر می‌کنیم:

۱- سوال: داغدان گه لیر حملی خانم، اللری حنالی خانم، چای قوروب، چایداخ قوروب، چتیری تو مان چیت آرخالخ

۱- Dâgdân galir halli xânlım, alları hanâlı xânlım, çây gurub çaydâx gurub, çatırı tumân çit ârxâlıx

ترجمه فارسی: خانم شیک پوشی در حالیکه بدستان خود هنا بسته از کوه پائین می‌آید و شلوار چتری و کت چیت پوشیده است

جواب: «کبک»

۲- سوال: آلچاخ دامدان قار یاغار

۲- Âlçâx dâmdân gâr yâgâr

ترجمه فارسی: از کوه پست برف می‌بارد

جواب: «الک کردن آرد»

۳- دامدان داما دنگه‌لی گؤز

۲- Dâmdân dâmâ, dangali göz

ترجمه فارسی: همه جا را با یک نظر می‌بیند

جواب «نگرگ»

۴- بیر آت دا چوللی داوشان

3- Bir âttâ çölli dâvşân

ترجمه فارسی: خرگوشی در یک اسب

جواب «مرده در روی تابوت»

۵- هامنی بهزر اوزی لوت گهزر

4- HâmIni bazar özi lüt gazar

ترجمه فارسی : همه را زینت میدهد ولی خودش عربان می گردد

جواب «سوزن»

۶- دام دالندا ، آت کیشنر

5- Dâm dâlIndâ ât kişnar

ترجمه فارسی : در پشت بام اسب شیوه می کشد

جواب «ناودان»

## «بایاتی»‌های محلی

دو بیتی‌های محلی ادبیات شفاهی آذربایجان که بنام «بایاتی» مشهور است، یکی از رایج‌ترین انواع ادبیات عامیانه این سرزمین می‌باشد که بصورت منظوم بیان می‌شود. «بایانی»‌ها که از زندگی عاطفی و رازو نیازهای مردم پاک و ساده دل سرچشم می‌گیرد و در قالب الفاظ روان و در خور فهم مردم جان می‌گیرند. بایاتی‌ها بطور وسیع در میان مردم رواج دارند و در طول نسل‌ها سینه به سینه بازگو شده و بصورت گنجینهٔ فولکلوریک عامیانه در آمده است.

بایاتی‌ها از هرنوع عبارت پردازی عاری بوده و بصورت ساده و بی‌آلایش ادا می‌شوند تنوع در مضمون «بایاتی»‌ها یکی از جنبه‌های برجسته آنها است، که می‌توان آنها را در زیر سرفصل‌های جداگانه تقسیم و قرارداد. مانند بایاتی‌های عاشقانه، زندگی خانوادگی، رنج، فراق و انتظار، درستکاری و مردانگی، اندرز و حکمت، معتقدات مردم در مورد بیماریها و لالائی‌ها و امثال آنها.

«بایاتی»‌ها از چهار مصروع ترکیب می‌شوند که مصروع‌های اول و دوم، مقدمهٔ مصروع سوم و چهارم محسوب می‌شوند و منظور اصلی معمولاً در دو مصروع آخر افاده می‌شود.

## چند نمونه از بایاتی‌های عاشقانه از زبان مردم ترکمن‌چای

۱

اوجا داغلاردان آشارام من  
يارىما كمیز قوشارام من  
حاجى قىزنى ورسەلر  
گرجى قىزنى بوشارام من

Uçâ dâglârdân âşârâm man  
Yârlımâ kamız goşârâm man  
Hâji gîzîn varsalar  
Gürji gîzîn boşârâm man

ترجمه : از فراز کوههای بلند عبور می‌کنم  
و به معشوقه‌ام ترانه می‌سرايم  
اگر دختر حاجی را بمن بدھند  
دختر گرجی را طلاق می‌دهم

۲

باغا باخ بوستان باخ  
ديله باخ داستانا باخ!  
باخىشى ايله او ووران  
گوزلرى مستانا باخ

Bâqâ bâx bostânâ bâx  
Dila bâx dâstânâ bâx  
BâxIşı ela od vurân  
Gözlari mastânâ bâx

ترجمه : به باغ و بستان نگاه کن  
به زبان و حکایتش گوش کن  
نگاه او به ایل آتش می‌زند  
به چشم مستانش نگاه کن

بوجاغین باشینا باخ

دېبىنин داشینا باخ

من سؤدىگىم گۈزلىن

گۈزونه - قاشینا باخ

BulâqIn bâšInâ bâx

Dibinin DâšInâ bâx

Man sövdügüm gözalin

Gözüna - gâšInâ bâx

ترجمه : به سرچشمە نگاه کن

به سنگ ته آن نگاه کن

زیباروئى کە اورا دوست دارم

به چشم و ابروی او نگاه کن

اولدوزلار باتماز آغلار

يارى او ياتماز آغلار

يار ياردان آيرى دوشسە

گئچەلر ياتماز آغلار

Ulduzlâr bâtmâz âqlâr

Yâri oyâtmâz âqlâr

Yâr yârdân âyri düssa

Gajalar yâtmâz âqlâr

ترجمه : ستارگان ناپدید نمى شوند و گرييە مى كند

مشوقە را بيدار نمى كند و گرييە مى كند

اگر عاشق از مشوق خود جدا شود

شبها به خواب نمى رود و گرييە مى كند

من عاشق سیزه داغلار  
 قار یاغمش سیزه داغلار  
 تو تایدیم یار الیندن  
 گلائیدیم سیزه داغلار

Men âşIg siza dâqlâr  
 Gâr yâqIş siza dâqlâr  
 Tutâydlıñ yâr alindan  
 Galeydim siza dâqlâr

ترجمه : کوهها من عاشق شما هستم  
 کوهها برف و باران مال شماست  
 ای کاش از دست معشوقه ام می گرفتم  
 به نزد شما می آمدم

یول اوستونده توز اولار  
 توزون رنگی بوز اولار  
 اگیل دسمالین گؤتور  
 من گؤتورسم سؤز اولار

Yol üstünde toz olâr  
 Tozun rangi boz olâr  
 Ayil dasmâtlıñ gôtür  
 Man götürsam söz olâr

ترجمه : راهها گرد و غبار دارد  
 رنگ گرد و غبار خاکستری می شود  
 خم شو دستمالت را بردار  
 اگر من بردارم حرف درمیآورند

سارالمیشام سولموشام  
بولودکیمی دولموشام  
سارالمایم نیلهیم  
یاریمدان آیریلمشام

Sârâlmîşâm solmuşâm  
Bulod kimi dolmuşâm  
Sârâlmâyım - naylayım  
YârImdân âyrılmışâm

ترجمه : رخسارم زرد شده رنگم پریده  
مانند ابر باردار پر شده ام  
چاره زرد شدنم چیست  
از معشوقة ام جدا شده ام

گلینه باخ گلینه  
زولفون آلیب الینه  
شیرین شیرین دانیشیر  
من قوربانام دیلینه

Galina hâx galina  
Zülfün âlib alina  
Şirin şirin dânişir  
Man gurbânâm dilina

ترجمه : به عروس نگاه کن، به عروس  
زلفانش را در دست گرفته  
شیرین، شیرین صحبت می کند  
به زبان او قربان هستم

یار گلیب یار گئورمه به  
عمرونی تار گئورمه به  
من با غچایا گلمزدیم  
گلدیم نوبار گئورمه به

Yâr galib Yâr görmaya  
Omrünü târ görmaya  
Man bâxçâyâ galmazdim  
Galdim nobâr görmaya

ترجمه : عاشق بدیدار معشوق آمد  
سیاهی زندگیش را به بیند  
من به این با غچه نمی آمد  
آمد نوبوش را به بینم

جیرانم داغدان آشدی  
گئوردوم گؤزوم قاماشدی  
یارلا اوز - او زه گلدیم  
بیردن دیلیم دولاشدی

Jayrânım dâgdân âşdi  
Gördüm gözüm gâmâşdi  
Yârlâ üz - üza galdim  
Birdan dilim dolâşdi

ترجمه : آهی من از کوه گذشت  
اورا دیدم ، چشم خیره شد  
با معشوقه ام رو برو شدم  
یک مرتبه زبانم بند آمد

استکانین خاشخاشدی

نلبکیسى تیراشدی

بیردانا يارىم واردى

اوجا بوی قلم قاشدی

Istikânin xâşxâşdi

Nalbakisi tirâşdi

Birdânâ yârim vârdi

Ucâ boy galam gâşdi

ترجمه : استکان تو چین چین است

نعلبکى او هلالى است

معشوقه‌ای دارم

بلند قد و ابرو قلمى است

شمالدان بير يئل اسدى

صبرى قرارىم كىسى

ساغ گۆزۈم سنه قربان

صول گۆزۈم منه بىسى

Şumâldân bir yel asdi

Sabri garârim kasdi

Sâq gözüm sana gurban

Sol gözüm mana basdi

ترجمه : بادى از شمال وزىد

صبر و آرامشىم را بهم زد

چشم راستم فدائى تو باشد

چشم چېم برايم كافى است

«بایاتی»‌ها یی که حاکی از خصایل مردانگی و صداقت و وفاداری و نفرت و ریاکاری و نامردی می‌باشند

۱

عزیزم کاسا دولماز  
مرد الی کاساد اولماز  
یئز نامردين چؤرهین  
دوغر اسان کاسا دولماز

Azizim Kâsâ dolmâz  
Mard ali kâsâd olmâz  
Yüz nâmardin çörayin  
Dogrâsân kâsâ dolmâz

ترجمه : عزیز من کاسه لبریز نمی‌شود  
دست مردانه کسادی ندارد  
نان صد نامرد را  
خردکنی کاسه پر نمی‌شود

۲

اگر سئوسه ایل سنی  
ییخا بیلمز سئل سنی  
نامرده بویون اگمه  
قوی آپارمین سئل سنی

Agar sôvsâ al sani  
YIxâ bilmaz sal sani  
Nâmarda boyun ayma  
Goy âpârsIn sal sani

ترجمه : اگر اهل ایل تورا دوست داشته باشد  
سیل ترا نمی‌تواند بخاک اندازد  
دست تمبا بطرف نامرد دراز مکن  
بگذار سیل ترا ببرد

قوی گندیم یوردا منی  
 تاپیشیر قوردا منی  
 گؤزی یولدا قالان وار  
 ئولدورمه بوردا منی

Goy gadim yurdâ mani  
 TâpIşIr gurdâ mani  
 Gözi yotdâ gâlân vâr  
 Oldürma burdâ mani

ترجمه : بگذار به خانه ام بروم  
 وساطت مرا به گرگ بکن  
 در انتظارم کسی است  
 مرا در اینجا مکش

او کیمدى آتار منی  
 هر درده قاتار منی  
 نامرد گلیب دوست او لماز  
 دوستلوقدا ساتار منی

O kimdi âtâr mani  
 Har darda gâtâr mani  
 Nâmard galib mard olmâz  
 Dostluxdâ sâtâr mant

ترجمه : او کیست که مرا رها می کند  
 به درد دچار می نماید  
 نامرد بجای دوست نمی شود  
 در عالم دوستی مرا فدا می کند

عزیزیم دیل یاراسی  
ساغالماز دیل یاراسی  
هریارا ساغالسادا  
ساغالماز دیل یاراسی

Azizim dil yârâsi  
Sâqâlmâz dil yârâsi  
Har yârâ sâqâlsâdâ  
Sâgâlmâz dil yârâsi

ترجمه : عزیز من زخم زبان  
بهبودنمی یابد، زخم زبان  
همه زخمها بهبود می یابد  
bastanai زخم زبان

عزیزیم گئدر قالماز  
آرخار سو گیدر قالماز  
وفالیه جاز قربان  
بی وفا گیدر قالماز

Azizim gedar gâlmâz  
Âxâr su gedar gâlmâz  
Vafâliya jân gurbân  
Biyvfâ gedar gâlmâz

ترجمه : عزیز من میروند نمی مانند  
آب می رود و یکجا نمی مانند  
جان فدای شخص باو فا  
شخص بی وفا میروند نمی مانند

عزیزیم قزل قالا

بشقابا قزل قالا

نامرد گلیب مرد او لماز

بویونجا قیزل قالا

Azizim glzll gâlâ

Boşgâbâ glzll gâlâ

Nâmard galib mard olmâz

Boyunca glzll gâlâ

ترجمه : عزیز من طلا، انباشته کن

بداخل بشقاب طلا انباشته کن

نامرد هیچ وقت مرد نمی شود

اگر باندازه قامتش طلا انباشته کنی

عزیزیم آغلاماژدیم

گوئلدیم آغلاماژدیم

بولسیدیم وفان بودور

سنہ بئل باغلاماژدیم

Azizim âqlâmâzdım

Gülardım aglâmâzdım

Bülsaydım vafân budur

Sana bal bâqlâmâzdım

ترجمه : عزیز من گریه نمی کردم

می خندیدم گریه نمی کردم

اگر وفای ترا می دانستم

بوفای تو کمر نمی بستم

چند نمونه از بایاتی‌هائیکه در هنگام فوت عزیزان خوانده می‌شود

۱

آغلايان باشدان آغلار  
کپريکدن قاشدان آغلار  
قارداشى ئولن باجي  
دورار او باشدان آغلار

Âqlâyân bâşdân âqlâr  
Kiprtkdan gâşdân âqlâr  
Gârdâşı ölan bâji  
Durâr obâşdân âqlâr

ترجمه : گریه کننده از سرگریه می‌کند  
با پلک و ابرویش با تمام وجود گریه می‌کند  
خواهر، برادر مرد را  
بر خاسته و سحرگاه گریه می‌کند

۲

غريبم وطن آغلار  
حاليمما ئوقن آغلار  
غربتنه جان وئره نين  
حالينا كفن آغلار

Qaribam vatan âqlâr  
Hâllimâ ötan âqlâr  
Qurbatda jân varanin  
Hâlinâ kafan âqlâr

ترجمه : به غریبی من وطنم گریه می‌کند  
بحالم رهگذر گریه می‌کند  
کسیکه در غربت بمیرد  
بحال او کفنش گریه می‌کند

بو داغلار يالين داغلار

محنتى قالين داغلار

سيزده بير ايگيت باسديرديم

كشيكده قالين داغلار

Bu dâqlâr yâlIn dâqlâr

Mahnaii gâlIn dâqlâr

Sizda bir igit bâsdIrdIm

Kaşikda gâlIn dâqlâr

ترجمه : اى كوههای عربان

كوههای پر محنت

جوانمردی را دراين کوه بخاک سپردم

اي کوهها نگهبان او باشيد

گول آچماز قارا باغلار

گوی باغلار قارا باغلار

باغدا بولبول ٿولنده

قيزيل گول قارا باغلار

Gül âçmâz gârâ bâqlâr

Göy bâglâr gâsâ bâqlâr

Bâqdâ bülbül olanda

Gizil gül gârâ bâqlâr

ترجمه : گل شکوفه نمیدهد و سياه پوش می شود

سبز و سياه می پوشد

موقعیکه در با غ بلبل بمیرد

گل سرخ سياه پوش می شود

بو داغلار اولو داغلار  
 چشمه‌لی سولو داغلار  
 بوردا بیر غریب ئولموش  
 گئوك‌کىشىر بولود آغلار

Bu dâqlâr ulu dâqlâr  
 Çaşmali sulu dâqlâr  
 Bürdâ bir qarib ölmüş  
 Gök kişnar bulud âqlâr

ترجمه : این کوههای مقدس  
 دارای چشمه‌های پرآب  
 در اینجا غریبی مرده است  
 آسمان میسوزد و ابر میگردید

من بئله دئمەمېشدىم  
 غم - غصە دئمەمېشدىم  
 ايستەردىم قوشادىك  
 من ئولۇم دئمەمېشدىم

Man bala damamışdim  
 Qam - Qussa damamışdim  
 Istardim goşâ gazak  
 Man ölüm damamışdim

ترجمه : قول و قرارمان اينظور نبود  
 قرار ما غم و غصە نبود  
 آرزو داشتم كه باهم باشيم  
 در انتظار مرگ نبودم

چند نمونه از بایاتی هائیکه در مورد زندگی خانوادگی به نظم کشیده شده

۱

نامردی ، مردی تانی  
اژل سئوهر مرد آنانی  
اوغول شعور سوز چیز  
ئولدورر درد آنانی

Nâmardi Mardi Tânî  
El sövar mard âtâni  
Oqul suursuz çIxsâ  
Oldurar dard âtâni

ترجمه : مرد و نامرد را بشناس  
پدر جوانمرد را قوم و خویش دوست دارند  
اگر پسر نالایق باشد  
پدر از شدت غم او میرد

۲

الده عصا ياخشى دور  
ياخشى او تواز ياخشى دور  
ياخشى يوردادا پيس اولاد  
هئچ قالماسا ياخشى دور

Alda asâ yaxşidur  
Yâxşî otur yâxşî dur  
Yâxşî yurddâ pis ovlâd  
Haç gâlmâsâ yâxşî dur

ترجمه : نگهداشتن عصا در دست بجاست  
معاشرت خود را با مردم بهتر کن  
در خانواده خوب پسر بد  
اگر نماند بهتر است

داغلارین تازا قارى  
ياغىبدور تازا قارى  
آروادى پىس اولانىن  
ساقالى تئز آغارى

Dâqlârlıñ tâzâ gâri  
YâqIbdur tâzâ gâri  
Ârvâdi pis olânIn  
Sâggâli tez aqâsi

ترجمه : برف تازه کوهها  
حالا بارىدە است  
اگر زنکسى بداخللاق باشد  
ريشش فوراً سفید مى شرد

دایى - دایى جان دایى  
من منه قربان دایى  
آنام پلو پىشترىب  
گل بىزه مهمان دایى

Dâyi - Dâyi jân dâyi  
Man sana gurbân dâyi  
Ânâm pilov pişirib  
Gal biza mehmân dâyi

ترجمه : دایى - دایى جان من  
جانم فدائى دائىم  
مادرم پلو پختە  
بخانە ما مهمان بىا

## چند نمونه از لالائی‌ها

۱

لای - لای دئدیم یاتینجا  
گؤزلرم آی باتینجا  
زارا امانا گلديم  
سن حاصله چاتینجا

Lây - Lây dadim yâtinjâ  
Gözlaram ây bâlInjâ  
Zâra âmânâ galdim  
San Hâsila çâtinjâ

ترجمه : تا موقع خواب تو برایت لالائی گفتم  
تا غروب مهتاب منتظر تو هستم  
به تنگ آمدم  
تا اینکه حاصل ترا به چینم

۲

لای - لای دئدیم آغلاما  
اورهییمی داغلاما  
بؤیی بیر قوچ ایگیت اول  
منه امید باغلاما

Lây - Lây dadim âqlâmâ  
Ürayimi dâqlâmâ  
Böyi bir iqit ol  
Mana ümid Bâqlâmâ

ترجمه : لالائی گفتم ، گریه مکن  
دلم را کباب مکن  
بزرگ شو ، قهرمان شو  
بمن امیدوار مباش

لای - لای دئدیم ئوجادان

سسىم چىخمىر باجادان

آلاه سنى ساخلاسىن

چىچكىن<sup>۱</sup> قىزىلجادان

Lây - Lây dadim ujâdân

Sasim çIxmIr bâjâdân

Âllâh sani sâxlâsIn

Çiçakdan gizIljâdân

ترجمه : بصدای بلند لالائى كفتم

صدایم از روزنە خانه بېرون نمیرود

خداؤند ترا حفظ كند

ار سرخلک و آبلە

بالا دادى ، بال دادى

بالا آدام آلدادى

ياخشىسىننا جان قربان

پىسى وئر بالا داغى

Bâlâ dâdi bâldâdi

Bâlâ âdâm âldâdi

YâxSIsInâ jân gurbân

Pisi varar bâlâ dâqi

ترجمه : طعم فرزند ، طعم عسل مىدهد

فرزند انسان را فريپ مىدهد

جان فدائى فرزند خوب

بىش داغ فرزند مىدهد

۱ - چىچك : يعنى گل كه بىخىم آبلە گويند :

بایاتی هائیکه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمنچای سروده شده است  
بعضی از آنها به جدائی آذربایجان و قفقاز اشاره‌ها دارد

۱

آراز آخار قیقاچی  
بوگلن ایکی باجی  
بیری منیم سوگولوم  
بیری باشی مین تاجی

Ârâz âxâr gaygâji  
Bu galan iki bâjil  
Biri manim sövgüüm  
Biri bâşImIn tâji

ترجمه : رود ارس با ناز و کرشمه جریان می‌ناید  
این دو خواهر که در پیش روی ما می‌آیند  
یکی معشوقه من است  
یکی تاج سرم

۲

آرازین آغینا باخ  
سینه‌مین داغینا باخ  
گؤنلدون منی ایسته‌مه  
محبت داغینا باخ

ÂrâzIn âqInâ bâx  
Sinamin dâqInâ bâx  
Gölün mani istasa  
Mahabbat dâqInâ qâx

ترجمه : سفیدی آب ارس بهین  
بسوز دل سینه‌ام نگاه کن  
هروقت برای من دلتگ شوی  
بکوه محبت نگاه کن

آراز آشاندا آغلار  
 کور جوشاندا آغلار  
 بالالار آناسیندان  
 آبری دؤشندە آغلار

Ârâz âşândâ âqlâr  
 Kür joşândâ âqlâr  
 Bâlâlâr ânâsIndân  
 âyri düşanda âqâr

ترجمه : ارس موقع طغیان گریه می کند  
 موج از نهایت شدت گریه می کند  
 کودکان از مادرشان  
 هنگام جدائی گریه می کنند

آرازی آبردیلار  
 قومونان دویوردولار  
 من سندن آیریلمازدیم  
 ظلممن آیردیلار

Ârâzi âyIrdllâr  
 Gümüşân doyurdulâr  
 Man sandan âyrılmâzdım  
 Zülmünan âyIrdllâr

ترجمه : ارس را تقسیم کردند  
 با شن کورش کردند  
 من و تو جدا نشدنی بودیم  
 با ظلم و ستم جدا کردند

# عهدنامهٔ ترکمان‌چای

یکی از وقایع مهم در تاریخ ایران عقد معاهدات  
ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸ میلادی است. پس از شکست  
ایران از روسیه، در قریب ترکمن‌چای بین عباس میرزا  
ولی‌عهد فتحعلی‌شاه و فرمانده قشون ایران به نمایندگی  
از طرف دولت ایران و سردار پاسکویچ ایراوانسکی  
فرمانده قشون روس از طرف امپراتوری روسیه تزاری  
معاهده صلح و یک عهدنامه تجارتی و یک قرارنامه  
در سنهٔ سابق الذکر با مضاء رسید. به مناسبت اهمیت آن  
در این مجموعه آورده می‌شود.

اول - معاهده سیاسی ترکمان‌چای  
دوم - معاهده تجارتی ترکمان‌چای  
سوم - صورت مجلس در باب پذیرائی سفراء کبار  
و مأمورین سیاسی

# عهدنامه صلح ما بین ایران و روسیه در ترکمانچای بتاریخ ۳۲ فوریه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان ۱۳۴۳

## بنام خداوند متعال

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت قوی شوکت معظم نامدار امپراطور و صاحب اختیار کل ممالک روسیه بالسویه و از صمیم قلب مایل هستند که برصدمات محاربه که مخالف میل طرفین است نهایتی داده و مجدداً روابط قدیمة حسن همجواری و مودت را مابین مملکتین بوسیله صلحی که فی حد ذاته متضمن اساس امتداد و دافع میانی اختلاف و برودت آته بوده باشد برپایه و بنائی محکم استوار دارند ، لهذا وزرای مختار خود را که برای این امر سودمند مامور هستند از اینقرار معین داشتند .

از طرف اعلیحضرت امپراطور کل روسیه «ژان پاسکیه و بچ» آجودان جنرال و سرتیپ پیاده نظام ، فرمانده اردوی قفقازیه ، کفیل امسور غیر نظامی گرجستان و حاجی قرخان و قفقازیه ، رئیس قوه بحریه دریای خزر ، دارای نشان آلکساندر نوسکی مکلل بالماس و نشان سنت آن از درجه مکلل بالماس و سن ولادیمیر از درجه اول و سن ژرژ از درجه دوم و دوشمشیر افتخاری که یکی مرصع و دیگری طلا که روی آن اینطور نوشته شده ، (برای شجاعت) و دارای نشان عقاب قرمز از درجه اول و نشان هلال عثمانی وغیره ر الکساندر ابروسکوف کنسیه دتا و پیشخدمت اعلیحضرت

امپراطور ، دارای نشان سن‌ولادیمیر از درجه سوم و سن استانی‌سلاس لهستان از درجه دوم سن‌ژان بیت‌القدس ، و از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران حضرت اشرف شاهزاده عباس میرزا .

وزرای سخنوار طرفین پس از آنکه در ترکمن‌چای اجلاس کرده و اختیار نامهای خود را مبادله و آنرا موافق قاعده و مرتب به ترتیبات شایسته یافته، فصول ذیل را منعقد و برقرار داشتند .

فصل اول – از امروز بعد مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روسیه و نیز مابین ممالک و وراث و اخلاف و اتباع اعلیحضرتین صلح و وداد و مودت کامله علی‌الدوام برقرار خواهد بود .

فصل دوم – چون مخاصمه طرفین معظمین که بسعادت امروز باختتم رسید ، تعهدات عهdename گلستان را باطل میدارد ، لهذا اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه چنین صلاح دیدند که بجای عهdename مذبور مواد و شرایط ذیل را که مبنی بر ازدیاد و استحکام روابط آتیه مودت و صلح مابین روسیه و ایران است برقرار نمایند .

فصل سوم – اعلیحضرت شاهنشاه ایران از طرف خود و اخلاف و وراث خود ، خانات ایروان را که در دو طرف رود ارس واقع است و نیز خانات نخجوان را بملکیت مطلقه بدولت روس واگذار می‌کند ؛ بناءً علیه‌ذا ، اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد می‌شود که دفاتر و استنادیکه راجع به حکومت و اداره خانات فوق الذکر است منتها در ظرف شش ماه از امضای این عهdename بمامورین روس تسليم نمایند .

فصل چهارم – دولتين معظمتيين معاهدتين قبول نمودند که خط سرحدى مابين دولتين از اينقرار ترسیم شود :

این خط از نقطه سرحد دولت عثمانی که بخط مستقیم نزدیکترین راه بقله کوه آخری کوچک است شروع شده بقله مذبوره رسیده و از آنجا بسرچشمۀ رود فراسوی سفلی که از دامنه جنوبی آخری کوچک جاری است فرود می‌آيد ،

پس از آن خط سرحدی طول مجرای این رود را الی محل تقای آن با رود ارس که محاذی شرور است طی نموده و از اینجا مجرای رود ارس را متابعت کرده و بقلعه عباس آباد میرسد . از استحکامات خارجی این قلعه که در ساحل راست ارس است خطی که طول آن نیم آغاج یعنی سه ورست و نیم رومند بوده باشد به تمام جهات کشیده خواهد شد و تمام اراضی که در حدود این خط واقع میشود منحصر بدولت روس بوده و در ظرف دو ماه از تاریخ امروز بطور دقت تخطیط خواهد شد . از محلی که طرف شرقی این خط متصل برود ارس میشود خط سرحدی مجرای رود مزبور را الی گداریدی بلوك متابعت میکند و خاک ایران از این نقطه اخیر الی سه آغاج یعنی بیست و یک ورست رومند در طول مجرای ارس امتداد مییابد ، بعد از وصول باین محل خط سرحدی جلگه مغان را بطور مستقیم گذشته بمحلى از مجرای بالهارود خواهد آمد که در سه آغاجی یعنی بیست و یک ورست پائین تراز ملتقای دو رود آدینه بازار و ساری قمیش واقع است .

پس از آن خط سرحدی از ساحل چپ بالها رود الی ملتقای دو رود مزبور ، آدینه بازار و ساری قمیش صعود کرده و از آنجا در ساحل راست رودخانه آدینه بازار شرقی الی سرچشمه آن ممتد و از سرچشمه مزبور الی قله تپه های جگیر میرسد ، بطور یکه تمام آبهاییکه بطرف دریای خزر جازی است متعلق برومند بوده و تمام آبهایی که جریانشان بطرف ایران است تعلق بدولت عليه خواهد گرفت .

چون در اینجا<sup>۱</sup> حدود دولتی بواسطه تیزه کوهها محدود میشود ، لهذا مقرر است که دامنه این کوهها که بسمت دریای خزر تمایل دارد متعلق بدولت روس بوده و دامنه آنطرف کوهها اختصاص با ایران خواهد داشت . از تیزه تپه های جگیر خط سرحد ، کوههایی را که فاصل بین طالش و ارشق است متابعت نموده و بقله کمرقوئی میرسد و قللی که فاصل دامنه دو طرف کوههای مزبور است در اینجا تحديد حدود مینماید ، بهمان قسم که در باب مسافت مابین سرچشمه آدینه بازار و قله جگیر ذکر شد .

---

۱- یعنی از سرچشمه رود آدینه بازار الی قله تپه های جگیر

پس از آن خط سرحد از قله کمرقوئی تیزه کوه هائیکه بلوک زوندرا از ارشق جدا مینماید متابعت نموده و بمحلی که حدود بلوک ولکیج است میرسد و ترتیبی که درباب جریان آب ذکر شده است مراعات خواهد شد و از اینقارابلوک زوند باستثنای قسمتی که در آنطرف کوههای مزبور است متعلق بروسیه خواهد بود.

از محلی که حدود بلوک ولکیج است خط سرحد بین الدولتين قلل کوه کلوپوئی و قلل سلسله عمدۀ کوههایی که از بلوک ولکیجی میگذرد متابعت نموده و بسرچشمۀ شمالی رودخانه موسوم به آستارا میرسد و اینجا هم مسئله جریان آب چنانچه در فوق ذکر شده است مرعی میباشد.

از آنجا خط سرحدی مجرای آستارا را الی مصب آن در دریای خزر طی نموده و حدود خاک دولتين را با تمام میرساند.

فصل پنجم - اعلیحضرت شاهنشاه ایران محض اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراتور کل روسیه دارند، بمحض همین فصل از طرف خود و از طرف وراث و اخلاق خود واضحًا و علنًا تصدیق مینمایند که ممالک و جزایری که مابین خط تحديدی فصل اخیر و تیزه جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی بدوى و غیره این نواحی متعلق بدولت روسیه میباشد.

فصل ششم - محض تلافی مصارف کثیره که از این جنگ بین الدولتين برای مملکت روسیه حاصل شده و در عوض خسارات و ضررها که بدین جهت باتباع روس رسیده است اعلیحضرت شاهنشاه ایران متعهد میشوند که وجه خسارتی تادیه کرده مصارف و ضررها مزبور را جبران نمایند.

طرفین معظمین معاهدین این وجه خسارات را بده کر و توان رایج یا بیست میلیون مناطق نقره معین کرده و مقرر میدارند که ترتیب اقساط و تضمین تادیه آن در قرارداد مخصوص مرتب شود. اعتبار و استحکام قرارداد مزبور بحدی خواهد بود که کانه، لفظ بلطف در همین عهدنامه درج شده باشد.

فصل هفتم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران چنین صلاح دیدند که حضرت

اشرف عباس میرزا، همایون فرزند خود را وارث و ولیعهد فرمایند لهذا اعلیحضرت امپراطور کل روسیه محض اینکه نیات دوستانه خود را مکشوف و میلی را که در مساعدت باستحکام این نوع وراثت دارد مشهود خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران نمایند متعهد میشوند که از امروز شخص حضرت عباس میرزا را وارث و ولیعهد دولت ایران شناخته و ایشان را از حین جلوس تخت سلطنت سلطان حقه این مملکت بدانند.

فصل هشتم - سفاین تجاری روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی در دریای خزر و در امتداد سواحل آن سیر کرده و بگذارهای آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجاری ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر نموده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم با آنها کمک و امداد خواهد شد.

اما در باب کشتی‌های جنگی، چون آنهایی که بیدق نظامی روس دارند از قدیم الایام بالانفراد حق سیر در بحر خزر را داشته‌اند، حال هم بدین سبب این امتیاز منحصر بهمان کشتی‌ها خواهد بود. بطوریکه بغيراز دولت روسیه دولت دیگری حق خواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد.

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل روسیه این است که در استحکام روابطی که بسعادت و میمنت مجدداً مابین دولتين استقرار یافته است سعی و کوشش نمایند، مقرر میدارند که سفراء کبار و وزراء مختار و شارژدارهایی که خواه برای انجام مأموریت موقتی و خواه بجهت اقامت دائمی بدربار یکدیگر فرستاده میشوند بفراخور مقام خود و موافق شأن و حیثیت طرفین و مطابق مودت و اتحاد بین الدولتين و نیز بر حسب عادات مملکتی مورد اعزاز و احترام شوند، علیهذا در باب تشریفاتی که باید از طرفین ملاحظ و منظور شود دستور العملی مخصوص مقرر خواهد شد.

فصل دهم - چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل

روسیه استقرار و توسعه روابط تجاری مابین دولت را از نخستین فواید اعاده صلح میدانند، چنین صلاح دیدند که ترتیباتی که راجع بحفظ تجارت و امنیت اتباع دولتین است دریک مقاوله نامه علیحده بطور مرضی طرفین نگارش یابد و این مقاوله نامه که مابین وزرای مختار طرفین انعقاد و باین عهدنامه انضمام خواهد یافت مثل این است که جزء متمم همین عهدنامه صلح بوده باشد.

اعلیحضرت پادشاه ایران بدولت روس حق میدهد که کما فی السابق هرجا که بجهت منافع تجاری لازم باشد با آنجا قونسول و وکیل تجاری بفرستد و متعهد میشوند که این قونسول و وکلای تجاری را که من تبع هریک زیاده ازده نفر نخواهد بود از حمایت و احترامات و امتیازاتی که لارمه سمت و رسمیت آنهاست بهره مند سازد. اعلیحضرت امپراطور روسیه هم وعده میدهد که رفتار بمثل را در ماده قونسول و وکلای تجاری اعلیحضرت شاهنشاهی منظور دارد.

در صورت شکایت حقه دولت ایران از بکی از مأمورین یا قونسولهای روس، وزیر مختار یا شارژداری که در دربار دولت علیه ایران اقامت و باین اشخاص ریاست بلافاصله دارد مشارالیه را از مأموریت خود خلع کرده و موقتاً کفالت کار او را بهر کس صلاح داند و اگذار خواهد کرد.

فصل یازدهم - پس از حصول صلح، بامور و دعاوی اتباع طرفین که بواسطه وقوع جنگ در عهده تعویق مانده بود مراجعت شده و از روی عدالت قطع و فصل خواهد شد و مطالباتی که اتباع طرفین از یکدیگر یا از خزانه جانبین دارند بال تمام عاجلاً تأدیه خواهد شد.

فصل دوازدهم - طرفین معظمین معاهدین نظر بمنافع اتباع خود متفق الرأى شدند که برای اشخاصی که در دو طرف رود ارس دارای اموال غیر منقوله هستند مهلتی سه ساله قرار دهند که موئی اليهم بتوانند آنرا بطور دلخواه بمبایعه و معاوضه برسانند، ولی اعلیحضرت امپراطور کل روسیه تاحدی که این شرط راجع بخود اوست حسین خان سردار سابق ایروان و برادرش حسن خان و کریم خان حاکم سابق نخجوان را از انتفاع مدلول شرط مزبوره مستثنی میدارد.

فصل سیزدهم – تمام اسراء جنگی را که طرفین در هنگام محاربه اخیره و یا قبل از آن دستگیر کرده‌اند و همچنین اتباع دولتین که در اوقات سایر اسیراً گرفтар شده باشند در ظرف چهار ماه مسترد خواهند شد.

بعد از آنکه باین اشخاص ارزاق و اشیاء لازمه داده شد، مومی‌الیهم را بطرف عباس آباد حرکت داده و در آنجا به کمیسرهایی که از طرفین برای استرداد و تهیه اعزام به اوطان ایشان مأمور شده‌اند نسلیم خواهند کرد.

درباره اسراء جنگی و اتباع دولتین که به اسیری گرفtar شده و بسبب بعد مکان آنها و یا بعلت دیگری در ظرف مدت فوق مسترد نشده‌اند طرفین معاهدین همین ترتیبات را مرعی و مجری خواهند داشت.

دولتین ایران و روس مخصوصاً این حق را برای خود قرار میدهند که برای وقت کان، این قبیل اشخاص را مطالبه نمایند و ملتزم می‌شوند که هر وقت خود اسرا اظهار کرده یا از طرفین مطالبه شدنده مومی‌الیهم را مسترد سازند.

فصل چهاردهم – دولتین معظمه‌تین معاهدتین اخراج فراری‌ها و ترانس‌فوژهای<sup>۱</sup> را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اطاعت و حکومت طرفین آمده باشند مطالبه نخواهند کرد. ولی چون مناسبات خفیه بعضی از ترانس‌فوژهای با تابعین و هموطنان سابق موجب حصول نتایج مضره می‌شود لهذا محض دفع و جلوگیری این نتایج، دولت علیه ایران متعهد می‌شود که در متصرفات خود که مابین حدود ذیل واقع است حضور و توقف اشخاصی که الحال یا پس از آنها با اسمه مشخص خواهد شد رواندارد و مقصود از حدود، از یکطرف رود ارس و از طرف دیگر خطی است که بواسطه رود جهریق و دریاچه ارومی و رود جفتور و رود قزل اوزن الی مصب آن در دریای خزر ترسیم می‌شود.

اعلیحضرت امپراتور کل روسيه نيز و عده ميدهد که در خانات قراباغ و

---

۱- کسیکه از اردوی خود باردوی خصم رفته باشد «Transfuges»

نخجوان و در قسمت خانات ایروان که در سمت راست واقع است ترانس فوژهای ایرانی را نگذارد توطن و سکنی نمایند، و لیکن مقرر است که این ماده صورت لزوم نخواهد یافت مگر در باره اشخاصی که طرف رجوع عامه یا دارای بعضی مقامات دیگر هستند، از قبیل خوانین و پیکها و رئاسای روحانی، یعنی ملاها که اعمال شخصی و تحریک و مناسبات خفیه ایشان باعث سوء اثر درباره هموطنان و تابعین قدیم آنها می شود و اما در خصوص نقوص عامه مملکتین مقرر است که اتباع دولتين که به مملکت یکدیگر رفته یا در آتیه برونده آزاد هستند که در هرجایی که آن دولت یعنی دولتی که این اشخاص در حیطه حکومت و اقتدار آن در آمده اند صلاح داند توطن و سکنی نمایند.

فصل پانزدهم - چون قصد سليم و نیت خیریت عمیم اعلیحضرت شاهنشاه ایران این است که ممالک خود را مرفا الحال و اتباع دولت علیه را از تشبید مصائب و صدمات حاصله این جنگ که به سلم و سعادت ختم شده است مصون و محفوظ دارد لهذا درباره تمام اهالی و کارگذاران آذربایجان عفوی کامل و رحمتی شامل مبدول میدارند بطوریکه هیچیک از این اشخاص چه بجهت عقاید و نیات و چه از حیث رفتار و کرداری که در موقع جنگ یا در مدت تصرف ایالت مزبوره از ایشان بظهور رسیده مورد تعرض و اذیت واقع نخواهد شد و علاوه بر این از امروز مهلتی یکساله بآنها داده می شود تا اینکه بطور آزادی از ممالک ایران با کسان خود بمماليک روسیه و اموال منقوله خود را بخارج حمل نموده و بفروش بر سانند، بدون اینکه دولت علیه ایران با کارگذاران محلی اندک ممانعتی نموده و از اموال و اشیائیکه فروخته یا بخارج حمل می شود حقوق و مرسومی دریافت یا تکالیفی در مورد آن بگذارند. اما در باب اموال غیر منقوله بمومی الیهم پنج ساله مهلت داده می شود که اموال مزبوره را بفروش بر سانند یا بطور دلخواه انتقال و انتزاع نمایند.

کسانیکه در این مدت یکساله مجرم به جنحه و جنایت و مستوجب سیاست معموله دیوانخانه شوند از این عفو مستثنو، خواهند بود.

فصل شانزدهم - وزرای مختار طرفین بمجرد امضای این عهدنامه صلح عاجلاً  
بتمام نقاط اعلام و احکام لازمه خواهند فرستاد که مخاصلمه را بلا تأخیر ترک نمایند.  
این عهدنامه که به نسختین و بیک مدلول نوشته شده و با مضار و مهر وزرای  
مختار طرفین رسیده است بتصویب و تصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت  
امپراطور کل روسیه خواهد رسید و تصدیق نامجات معتبره که دارای امضای ایشان  
بوده باشد در ظرف چهارماه و در صورت امکان زودتر بتوسط وزرای مختار طرفین  
مبادله خواهد شد.

بتاریخ دهم ماه فوریه سال خجسته فال سنه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنه  
۱۲۴۳ هجری در ترکمانچای تحریر شد.

عهدنامه تجارتی که مابین ایران و روس در ترکمانچای  
بتاریخ ۲۳ فوریه ۱۸۲۸ مطابق ۵ شعبان ۱۳۴۳ منعقد شده

بنام خداوند متعال

فصل اول - چون طرفین معظمین معاهدین مایل هستند که اتباع خود را از  
کلیه فواید و منافعی که از آزادی تجارت حاصل میشود بهرهمند سازند، لهذا تفصیل  
ذیل را مقرر داشتند :

اتباع روس که دارای تذکرہ صحیح بوده باشند میتوانند در تمام نقاط خاک  
ایران به تجارت اشتغال ورزیده و نیز بدول همچوار آن مملکت بروند، در ازای آن  
رعایای ایران هم میتوانند که از دریای خزر و یا از سرحد خشکی که فاصله بین دولتين  
است مال التجاره خود را بروسیه وارد کرده و بمعاوضه رسانند و نیز در روسیه منابع  
دیگر خرید کرده و بخارج حمل کنند.

مومی الیهم در ممالک اعلیحضرت امپراطور روس از تمام حقوق و امتیازاتی  
که بر عایای دول کامله اللواد داده شده است بهرهمند خواهد بود.

در صورت وفات یکی از اتباع روس در ایران ، اموال منقوله و غیر منقوله  
او نظر بتعلق بر عیت دولت دوست ، بال تمام با قوام یا شرکاء او داده میشود و مشار الیهم  
در صورتی که صلاح دانند حق خواهند داشت که اموال مزبوره را انتقال و انتزاع  
دهند . در صورت فقدان اقوام یا شرکاء ، اختیار اموال مذکوره بسفارت یا قونسول

روس مقیم ایران و اگذار خواهد شد بدون اینکه از طرف کارگذاران محل ممانعی بظهور رسد .

فصل دوم - کنترات و بروات و ضمانت نامه‌ها و سایر قراردادهای کتبی که راجع به امور تجاری است و مابین رعایای طرفین منعقد می‌شود در نزد حاکم (قاضی عرف) و قونسول روس و درجایی که قونسول نباشد فقط در نزد حاکم ثبت خواهد شد تا اینکه در صورت وقوع منازعه مابین طرفین بتوان تحقیقات لازمه را بعمل آورد و عدلاً رفع اختلافات نمود .

اسنادی که بطور فوق الذکر تصدیق و نگاشته شده باشد در هر محکمه عدله معتبر خواهد بود و اگر شخصی بدون اسناد مزبوره بخواهد با طرف مقابل ترافع نماید و بغير از شهود دلیل دیگری اقامه نکند مسموع نخواهد شد مگر اینکه مدعی علیه اقامه شهود اورا قبول کند .

تعهداتی که بترتیب فوق الذکر مابین رعایای دولتی و قوع می‌باید بدون کم و کسر مرعی و معمول خواهد گردید و اگر یکی از طرفین از اجرای مدلول آن امتناع کرده و باعث ضرر طرف مقابل شود باید خسارت واردہ را عهده نماید .

در صورت ورشکستگی یکی از تجار روس در ایران ، حقوق ارباب طلب از اموال و اشیاء شخص ورشکست داده می‌شود ، ولی اگر وزیر مختار و شارژدار فر یا قونسول روس خواهش شود که تحقیق کرده و معلوم نمایند آیا شخص ورشکست در روسیه بعضی اموال دارد که طلبکاران بتوانند از آن استیفای حق نمایند مشار اليهم نباید در تحقیق این مسئله مساعی جميله خسود را مضایقه دارند . ترتیبات مقرره در این فصل بالمقابله در مورد رعایای ایران که در روسیه در تحت حمایت قوانین آن مملکت تجارت می‌نمایند مرعی و معمول خواهد بود .

فصل سوم - محض اینکه تجارت اتباع مملکتی از مذافعی که موضوع شروط سابقة الذکر است بطور محکم بهرمند شوند ، مقرر می‌شود که از مال التجارهای که اتباع روس بایران وارد و از آن مملکت خارج می‌کنند و نیز از امتعه ایران که اتباع

دولت علیه از راه بحر خزر و یا از سرحد خشکی بین الدولتين بملکت روسیه حمل مینمایند و هکذا از مملکت روسیه و از طریق فوق الذکر خارج میکنند کما فی السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه در موقع ورود یا خروج دریافت شده و علاوه بر آن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود .

دولت روس تعهد مینماید که در صورتی هم که لازم دانست دستور العمل گمرکی و تعرفه جدیده برقرار نماید ، معهذا بر حقوق صدی پنج فوق الذکر چیزی نیفزاید .

فصل چهارم - اگر دولت ایران یا روس با دولت دیگری در مقام جنگی بوده باشد رعایای مملکتین ممنوع نخواهد بود از اینکه با مال التجاره خود از خاک یکدیگر عبور کرده و بملکت محارب روند .

فصل پنجم - چون موافق رسوم جاریه مملکت ایران اتباع خارجه باشکال خانه و مغازه و امکنه وضع مال التجاره برای اجاره پیدا مینمایند ، لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز میباشند که خانه‌ای برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره بحیطه ملکیت درآورند . کارگذاران دولت علیه ایران مأذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبوره شوند . در صورت لزوم باید باستیدان وزیر مختار یا شارژدار یا قونسول روس مراجعت کنند و مشارایهم دراگومن<sup>۱</sup> یا یکی از اجزاء خود را مأمور خواهد کرد که در موقع معاينه خانه یا مال التجاره حضور بهم رسانند .

فصل ششم - چون وزیر مختار و شارژدار اعلیحضرت امپراطور روس و نیز اجزاء سفارت و قونسولها و دراگومن‌ها اشیائی که متعلق به ملبوس است و همچنین غالب ضروریاتی که بجهت معیشت آنها لازم است در ایران پیدا نمیکنند ، علیهذا مأذون هستند که بدون ادائی حقوق و سایر تکالیف ، اشیائی که فقط مخصوص مصارف خودشان است وارد نمایند . درباره مأمورین رسمی اعلیحضرت شاهنشاه

---

۱ - مترجم ، خصوصاً مترجم السنہشرقی مانند فارسی ، عربی و ترکی «Dragoman»

ایران مقیمین ممالک روسیه ، رفتار بمثل از این حیث کاملاً منظور خواهد بود . اتباع ایران که جزء منتبع وزیر مختار و شارژدادر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند ، مادامیکه درنzd ایشان هستند اتباع روس و بالسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود . ولی اگر یکی از این اشخاص مرتكب جنحه و بدین سبب مورد سیاست قوانین جاریه شود وزیر ایران یا حاکم و در صورت فقدان او کارگذاران محلی که حق این اقدام را داشته باشند فوراً از وزیر مختار یا شارژدادر یا قونسولی که شخص مظنون در خدمت او است تسلیم مومی الیه را خواهند خواست و اگر این عنوان مبنی بر دلایلی است که تفصیر شخص متهم را ثابت مینماید وزیر مختار یا شارژدادر یا قونسول در قبولی این خواهش نباید هیچگونه اشکالی نمایند .

فصل هفتم - تمام امور متنازع فيها و مراجعتی که مابین اتباع روس بوقوع میرسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه فقط بر سیدگی و حکم سفارت یا قونسولهای اعلیحضرت امپراتور روس رجوع خواهد شد .

و همچنین است اختلافات و دعاوی واقعه مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگری ، در صورتیکه طرفین بحکومت مشارالیهم تراضی نمایند .

اختلافات و مراجعتیکه مابین اتباع ایران و روس بظهور میرسد مراجعه بحاکم شده رسیدگی و حکم آن باید در حضور دراگومن سفارت یا قونسولگری بعمل آید . باین قبیل دعاوی که بروفق قانون عدالت ختم شده است مجدداً رسیدگی نمیشود و اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید باستحضار وزیر مختار یا شارژدادر یا قونسول روس و در حضور دراگومن سفارت یا قونسولگری دریکی از دفترخانه های اعلیحضرت شاهنشاه ایران که در تبریز و در طهران منعقد است تجدید رسیدگی بعمل آمده و حکم داده شود .

---

۱- مقصود این است که مراجعت مابین تبعه روسیه باید رجوع به سفارت یا قونسول شود و مشارالیهم موافق قوانین روسیه رسیدگی کرده و حکم دهند .

فصل هشتم - چون وزیر مختار و شارژدار و قونسول حق قضاؤت در ماده هموطنان خود دارند لهذا در صورتیکه مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسیدگی و محاکمه آن راجع بمشارالیهم خواهد بود .

اگر شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم بجنایتی گردید ، مورد هیچگونه تعرض و مزاحمت نخواهد بود مگر در صورتیکه شرارت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در این صورت و نیز در صورتیکه تبعه روس بشخصه منسوب به مجرمیت شده باشد محاکمات مملکتی بدون حضوری مأموری از طرف سفارت یا قونسول روس نباید به مسئله جنایت رسیدگی کرده و حکم دهنده و اگر در محل وقوع جنحه سفارت یا قونسولگری وجود ندارد کارگذاران آنجا مجرم را به محل اعزام خواهند داد که در آنجا قونسول یا مأموری از طرف روسیه برقرار شده باشد . حاکم و قاضی محل استشهاداتی را که بر علیه وله شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء نمایند و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده میشود سند و نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد مگر اینکه شخص مقصراً خلاف و عدم صحت آنرا بطور واضح ثابت نماید .

پس از آنکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسیده و حکم صادر شد ، مومنی الیه به وزیر مختار یا شارژدار یا قونسول روس تسلیم خواهد شد که بروزیه فرستاده شده و در آنجا موافق قوانین سیاست شود .

فصل نهم - طرفین معظمین معاهدین اهتمام خواهند داشت که شرایط این عهدنامه طابق النعل بالفعل معمول و مجری گردد . حکام ولایات و رؤسا و سایر مأمورین دولتين در هیچ موقع از مفاد آن تمرد نخواهند نمود والا جداً مسئول و در صورتیکه مجدداً از مفاد آن تخلف کرده و کما هو حقه خلاف ایشان محقق گردید مستلزم عزل خواهند بود .

علیهذا ما امضا کنندگان ذیل ، وزرای مختار اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراتور روس شرایط مندرجه این عهدنامه را منعقد و مقرر داشتیم و

این شرایط که متمم فصل دهم عهدنامه عمده است که امروز در ترکمانچای منعقد شده است همان اعتبار و استحکام را خواهد داشت کانه لفظ بلفظ در همانجا درج شده باشد .

بنا علیهذا ، این فرارداد جداگانه به نسختین نوشته شده بامضا و مهر ما رسیده و مبادله گردید .

در ترکمانچای بتاریخ دهم فوریه سال نیکوفال ۱۸۲۸ مطابق پنجم شهر شعبان

سنہ ۱۲۴۳ هجری .

صورت مجلس در باب تشریفات پذیرائی سفراء کبار  
و مأمورین سیاسی که در ترکمانچای بتاریخ ۳۴ فوریه  
امضا شده است

وزرای مختار ایران و روس برطبق فصل نهم عهدنامه عمدہ، امروز اجلاس  
کردند که برای پذیرایی سفرای کبار و وزرای مختار و شارژدافرهای که از طرفین  
بدربار یکدیگر فرستاده میشوند تشریفات مناسبی مرتب دارند و بالاتفاق تفصیل  
ذیل را مقرر داشتند :

بمحض اینکه وزیر ایران از ورود سفیر کبیر روس به تفلیس رسماً مطلع  
گردید بدون اتفاق وقت، شخصی که رتبه او مناسب شان سفیر بوده باشد منتخب  
نموده تا سرحد باستقبال مشارالیه خواهد فرستاد و در این ضمن وزیر ایران سرکرده  
کل گرجستان را از عزیمت مهماندار یعنی شخصی که برای همراهی سفیر کبیر معین  
شده است مطلع داشته و روز ورود او را به سرحد تخمیناً معین مینماید. سفیر کبیر  
هم اهتمام کرده و مسافت خود را بطوری ترتیب خواهد داد که مقارن ورود مهماندار  
به سرحد برسد. از وقتی که مهماندار سفیر کبیر را ملاقات مینماید مسئول حفظ امنیت  
و عزت و احترام مقتضیه جناب معزی الیه خواهد بود.

در هر منزل استقبالي یعنی هیئتی که مرکب از رئیس یا معتبرترین آن محل و  
چند نفر از معارف است با من تبع شایسته برای پذیرائی سفیر کبیر خواهد آمد.

اگر سفیر کبیر در حاکم نشین ایالتی مکث نماید هیئت مذکوره در تحت ریاست خود حاکم خواهد بود و مشارالیه به جناب سفیر کبیر تهنیت و تبریک گفته و معزی الیه را الى منزلی که برای او تهیه شده است مشایعت مینماید . در صورتی که سفیر کبیر دریک شهری مکث نماید که حاکم آنجا فرزند اعلیحضرت همایونی است حضرت معظم الیه وزیر خود را برای تبریک و خوش آمد باستقبال معزی الیه میفرستد .

اگر سفیر کبیر بدیدن حضرت معظم الیه آید مشارالیه و تمام اشخاصی که جزء سفارت هستند دعوت به جلوس شده و به جناب سفیر صندلی داده خواهد شد . در رهگذر جناب سفیر هرجانی که قشون موجود است باید تحت السلاح بوده احترامات نظامی معموله را درباره معزی الیه مرعی دارند . مهماندار اهتمام کرده و وزارت را بموضع از ورود سفیر کبیر مطلع خواهد ساخت تا اینکه وزارت بتواند تدارکات لازمه ورود و پذیرائی رسمی مشارالیه را بعمل آورد .

وقتی که سفیر کبیر به آخرین منزل پایتخت یا به آخرین منزل اردوی همایونی رسید شخص معتبری مشارالیه را از طرف اعلیحضرت همایونی خواهد پذیرفت . در نیمه راه الى پایتخت یا نیمه راه اردوی همایونی هیئت محترمی از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بریاست یکی از رجال دربار باستقبال جناب معزی الیه خواهد آمد و عساکر ساکللوی شهر یا عساکر اردو به جناب معزی الیه پیش فنگ زده و احترامات نظامی لازمه را معمول خواهند داشت و رئیس مستقبلین همایونی فی الفور سفیر کبیر را به منزلی که برای مشارالیه مهیا شده و در آنجا گارد دونور<sup>۱</sup> گذارده شده است راهنمائی خواهد نمود . فردای ورود سفیر کبیر وزرای اعلیحضرت همایونی و رجال سلطنتی بدیدن جناب معزی الیه خواهند آمد و پس فردای آن جناب سفیر کبیر رسماً بحضور همایونی مشرف خواهد شد .

---

۱- قراول تشریفاتی «Garde d, honneur»

ایشیک آفاسی باشی در ساعت مقرر ه آمده و به جناب معزی الیه اطلاع خواهد داد که برای پذیرائی او همه چیز مهیا شده است . پس از آن جناب سفیر کیم بر ترتیب ذیل حرکت خواهد کرد :

فراشان شاهی در جلو و از عقب آنها یک قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود سفیر کیم ملتزم بوده پس از آن جناب سفیر کیم در حالیکه اسبی که از طرف همایونی فرستاده شده یا اسب خود را سوار میباشد . یکنفر از میر آخران همایونی در جلو معزی الیه و هیئت سفارت در طرف دست راست و ایشیک آفاسی باشی در طرف دست چپ و شاطران سرکاری در جین حرکت مینمایند ، بلا فاصله قسمتی از گارد یا از پیشخدمتان خود جناب معزی الیه و در عقب آنها فراشان همایونی میآیند .

عساکریکه در درون قصر یا در اردوی همایونی الی محل دخول بحیاطهای خلوت یا سراپرده گذاشته میشوند به سفیر کیم پیش فنگ خواهند زد و ایشیک آفاسی باشی که در جلو سفیر کیم میرود سعی خواهد کرد که تمام اشخاصی که در محل گذر جناب معزی الیه هستند سرپا باشند .

سفیر کیم در محل دخول بحیاطهای خلوت یا سراپرده پیاده شده بمنزل وزیر اول یا به چادر سپهسالار راهنمائی شده و در آنجا مدت قلیلی تا بیرون آمدن اعلیحضرت همایونی منتظر میشود . پس از آن ایشیک آفاسی باشی جلو افتاده و جناب سفیر کیم با من تبع خود بحیاطهای خلوت یا سرسرای پرده داخل میشود . گارد یا پیشخدمتان جناب سفیر کیم در محوطه خارجی مانده و ایشیک آفاسی باشی ورود سفیر کیم را بعرض رسازیده و از طرف اعلیحضرت همایونی معزی الیه را تکلیف به جایگاه مخصوص یا چادر مینماید .

جناب سفیر با تمام من تبع مجاز بدخول خواهد بود و در هیچ مورد نه به سفیر کیم و نه به اتباع معزی الیه تکلیف نخواهد شد که لباسی را که در بردارند تغییر دهند ، لیکن جناب معزی الیه و من تبع او سعی کرده و گالشی برای خود تحصیل خواهند نمود که در محل دخول به جایگاه مخصوص یا چادر بیرون آورند .

اعلیحضرت همایونی بعد از نطق سفیر کبیر ایشان را دعوت به جلوس فرموده و صندلی به جناب معزی الیه داده میشود . بعد از ختم مجلس سفیر کبیر به همان ترتیبی که آمده است مراجعت خواهد نمود بدون اینکه به منزل وزیر اعظم یا سپهسالار داخل شود . پس از این شرفیابی از کسانیکه بدیدن او آمده اند بازدید خواهد کرد . برای وزیر مختار یا شارژدار روس هم همین تشریفات برقرار خواهد بود الا اینکه صاحب منصبانی که باستقبال ایشان فرستاده میشوند در رتبه پست تر واجزاء آنها در عده کمتر خواهند بود و تمام ساخلو برای مشارالیهم بیرون نخواهد آمد . فقط عساکر قراولخانه ها به مشارالیهم پیش فنگ میزنند .

وزیر اول اعلیحضرت همایونی در ملاقات سبقت نمیکند ولی بدون تأخیر در روز بعد به بازدید ایشان خواهد رفت . اگر سفیر کبیر یا وزیر مختار و شارژدار حامل نامه ای از طرف سلطان خود بوده باشد اعلیحضرت همایونی آنرا بدست خودشان از او خواهند گرفت .

همین تشریفات نیز در روایه درباره سفرای کبار و وزای مختار و شارژدارهای ایران که بسمت مأموریت بدربار پظر زبور غمیر وند مرعی و مجری میشود ، لکن تفاوت رسومات جاریه مملکتین هم منظور خواهد بود .

اینصورت که به نسختین نوشته شده و بامضا و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است همان حکم و اهمیت را خواهد داشت کانه لفظ به لفظ در عهدنامه امروز مندرج شده باشد . در ترکمانچای ، دهم فوریه سال نیکوفال سنّه ۱۸۲۸ مطابق پنجم شعبان سنّه ۱۲۴۳ هجری .

اسناد احکام کدخدایی خانواده‌ایکه  
قرارداد عهدنامه در خانه آنان  
منعقد شده

روز چهارشنبه مورخ ۱۰/۳/۵۷ وارد قریه ترکمن‌چای شده و سراغ کسی که بتواند اطلاعاتی درباره محل انعقاد عهدنامه ترکمن‌چای و خانواده‌ای که میزبان متعاهدین بوده‌اند گرفتیم و به آقای حسین ساسانی برخوردم، که اظهار میداشتند عهدنامه در خانه اجداد من منعقد شده است. در مقابل سوال اینکه این قریه مرکز بخش بوده و در کنار جاده تبریز - تهران و مورد توجه، چرا خیلی آباد نشده؟ جواب داد از بس گفتند عهدنامه شوم ترکمان‌چای این قریه بشومی گرفتار شده و عقب ماند.

بهر حال بمنزل آقای حسین ساسانی وارد و با پدرش که در سنین کهولت می‌باشد ملاقات و اطلاعات زیر را کسب کردیم.

۱- نسب نامه آقای حسین ساسانی چنین است.

حسین ساسانی پسر آقا، پسر حمدالله، پسر ابوالفتح، پسر کربلای عباس، پسر مشهدی دین محمد.

۲- شناسنامه ساسانی بخاطر شجره‌نامه‌ای که به ساسانیان منتهی می‌شده برای خود گرفته‌اند. البته از شجره‌نامه خبری نبود ولی آقای آقا اظهار میداشت شناسنامه را بدون مأخذ و دلیل که نمیدهند. مسلماً صحیح بوده، مخصوصاً اگر مربوط به سلسلة سلاطین باشد، حتماً باید مدلل باشد. بهر حال آقای حسین و پدرش آقای آقا معتقد به صحت شناسنامه و نسب شان بودند.

۳- مرحوم مشهدی دین محمد اغلب میزبان عباس‌میرزا نایب‌السلطنه می‌بوده است و با توجه باینکه مرحوم عباس‌میرزا نایب‌السلطنه فرمانده ارتش ایران بوده و

اغلب ما بين هرات و تبريز در سفر و لشگر کشي بوده و برای فرود لشگر در اراده گاه هائي مانند چمن سلطانيه و ساير منازل بين راه توقف ميکرده لذا در مراکز بخشها و شهرهاي مختلف کسانی هميشه ميزبان او بوده اند.

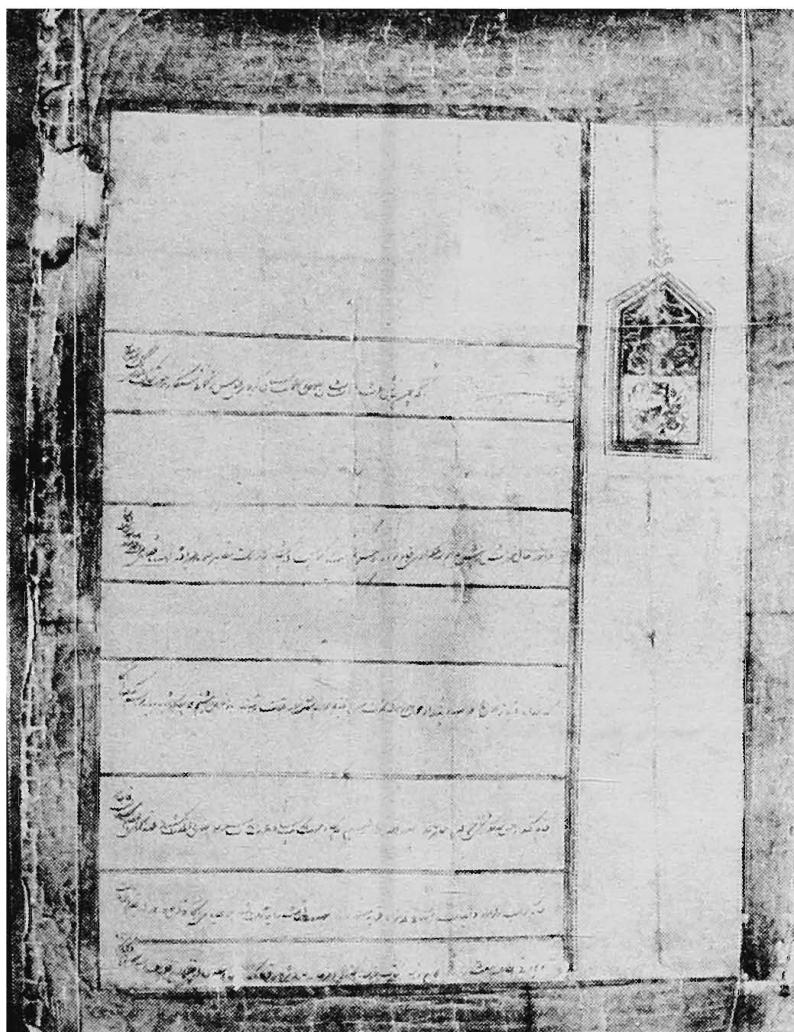
۴- عباس ميرزا و سلاطين و ولیعهد هاي قاجار و حكام وقت مانند ميرزا تقى خان امير كبير در مورد کدخداي قريه تر کمانچاي و مراءات حال اين خانواده فرامين و توصيه نامه ها صادر کرده اند که عکسها و رونوشت هاي مربوطه درج ميگردد.

۵- مدت توقف طرفين معاشه سه ماه بوده و آقاي آقا بروايته از پدر بزرگش، از مانورهاي نظامي ارتش پاسکوچ صحبت ميکرده که هر روز يك دسته سرباز وارد ميشده و مخفیانه مراجعت ميکرده و فردا دوباره وارد ميشدند و ظاهرآ نشان ميدادند که هر روز يك فوج وارد ميشده است.

۶- آقاي آقا گفت علمت عدم پرداخت پول جهت سورسات ارتش از طرف فتحعلیشاه توهmi بوده که شاه از قدرت عباس ميرزا داشت. در نتيجه از پرداخت پول برای حقوق آرتش و ساير هزينه ها مانند علیق و آذوقه خودداری کرده و عباس ميرزا را در تنگنا قرار داده و باعث شکست او شد.



فرمان کدخدائی کر بلای عباس



اثر مهر : در دریای خسروی عباس

حکم والا شد آنکه چون عالیشان عزت و مودت نشان اخلاص و ارادت بنیان کر بلای عباس  
ترکمانی هنگام مراجعت موکب کوکب از سفر سلطانیه  
فراخور حال خود بیش از پیش بمراسم خدمتگذاری قیام نموده و حسن غلامیت او کما یحب  
در پیشگاه مرحمت مظاہر جلوه ظهور یافته لهذا باقتضای مرحمت در موعد هذه السنه  
ایت ایل وما بعدها

کدخدائی قریه ترکمان را که بعده پدر او محول بوده و بواسطه کثیرت سن بتقدیم لوازم  
شغل مزبور قدرت نداشت باو مفوض داشتیم که چنانچه شاید و باید بمراسم کدخدائی آنجا  
قیام کند و حسن خدمتگذاری خود را من بعدها ظاهر سازد مقرر آنکه عالیجاه رفیع جایگاه  
مجدت و نجدت پناه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت اکتباه عمدہ الخواص العظام  
نجفقلی خان فاجار

حاکم سراب و گرمود و ایلات شقاقی کدخدائی قریه مسطوره را بعده عالیشان مشارالیه  
محول داشته بر عایای آنجا قدغن نماید که در تقدیم خدمات  
دیوانی اطاعت مشارالیه را لازم دانند کتاب خبریت دفترخانه مبارکه شرح رقم  
را ثبت و مصون از تغییر دارند و در عهد شناسند تحریراً فی شهر ذیحجه الحرام سنہ ۱۲۴۱.



در دریا سعی اندم می‌دارد

ساخت

که مان نش که نای بکن  
در بر سر که کسر از راه

در دریا که کسر هر بیر بیکن  
که کسر از راه

اصدر فریاد این که کسر از دیدن فریاد که هر کس در می‌صرف  
تغیر در دریا نمایش هم این کجا می‌باشد این این می‌نمایش  
رسیدن از کسر نیز هر حیر و هر بیکن

رعایا و همپایان قریه ترکمان را اعلام میدارد  
که عالیشان عزت نشان کر بلائی عباس از قدیمی ریش سفید و کددخای قریه مزبوره بوده و  
همواره اوقات در خدمت محوله بخود ساعی بوده اینجا نب هم کددخای قریه مزبوره را بعالیشان مشارا لیه  
محول کردم باید احدي بغیر از مشارا لیه با مر کددخای دخل و تصرف نکنند و هر کس دخل و تصرف با مر  
قریه مزبوره نماید  
مقصر و مورد آنبیه خواهد بود می باید همه اهالی آنجا کما فی الساق مشارا لیه را کددخای  
خود دانسته از صلاح او تخلف ننماید البته بنحوی که قلمی شد رفتار نماید  
ظاهر نامه اثر مهر : لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد تقی

نام نشان بسیار پر نشانه نزد احمد فرجی نگویان

۵

کوشیده بسیار پر نشانه نزد احمد فرجی نگویان

کوشیده بسیار پر نشانه نزد احمد فرجی نگویان

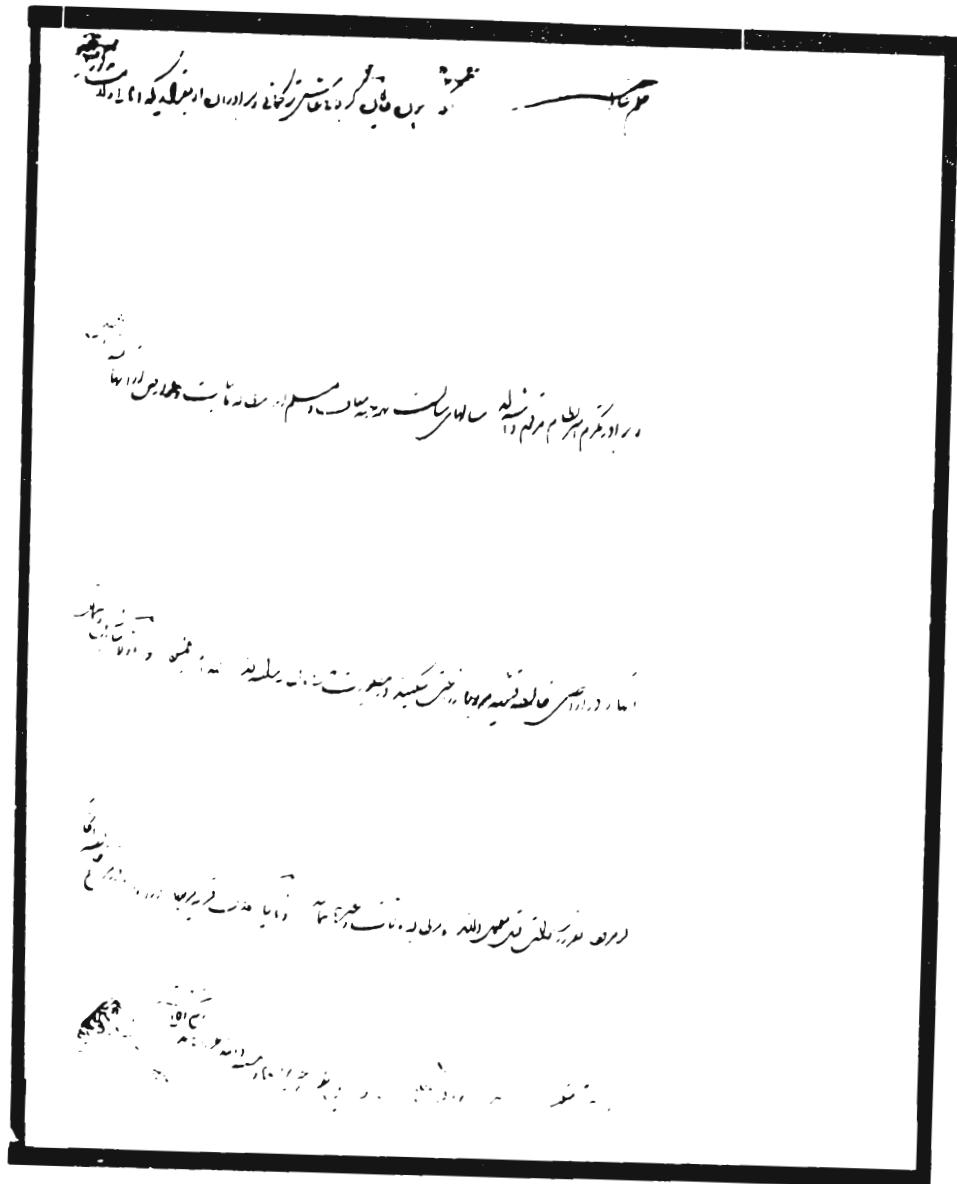
۶

کوشیده بسیار پر نشانه نزد احمد فرجی نگویان

۷

کوشیده بسیار پر نشانه نزد احمد فرجی نگویان

عالیشان عزت نشان گربلای عباس کدخدای قریه ترکمان را مرقوم میدارد مذکورشد  
رعایای قریه ترکمان از شنیدن عبور  
قشون بطرف عراق وحشت‌کرده و بعضی از رعایا میخواهند کوچ نموده بدھات حول و  
حواله بروند چون  
وقوع اینگونه عمل باعث خرابی منزل و رعیت است لهذا با آن عالیشان مرقوم میدارد که  
بوصول این نوشه هرگاه  
احدى از رعایای قریه مزبوره بخواهد کوچ کرده بجای دیگر برود حسب الامر الاشرف  
والا اورا  
گرفته بدارالسلطنه تبریز روانه نماید که مورد مؤاخذه و سیاست شود البته حسب الاعلام  
عمل نماید این



حکم عالی شد آنکه چون عالیشان کر بلاعئی عباس ترکمانی و برادران او بقرار یکه  
 اهالی ولایت مذکور میدانند  
 و برادر مکرم امیر نظام مرقوم داشته اند سالهای سالست بهمه جهت معاف و مسامانند مطالبه  
 مالیات و عوارض از آنها نشده همچنین  
 آنها که در اراضی خالصه قریه مزبوره زراعت میکنند در اینصورت بهره مالکانه نداده اند  
 لهذا مقرر میشود که اولاً مباشین و عمال  
 گمرود بقرار سنت قبیل معمول دارند و مطالبه مالیات وغیره نمایند و ثانیاً ملاک قریه  
 مزبوره از آنها که در مزارع خالصه آنجا  
 زراعت میکنند مطالبه بهره را موقوف دارند و خلاص این حکم را موجب مؤاخذه و تنبیه  
 دانند تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنہ ۱۲۵۳  
 اثر مهر : لاله الاله الملك الحق المبين فتحعلی

آویزد واس عمان آن  
 فریبت سه  
 مستمر  
 خانه  
 معمون  
 ایشان  
 بجهة اتفاق عده به مبارزه تقریزان و فریشه لکه معا  
 مردم (بلطفه بر رکن خود لبررسی مازده دهن و مخدود ریاه کمال  
 جنگ مزبور  
 نهاده اد افع پرسن تکون در سرمهده ایله قیصر  
 سر لیتو فایل روزن (قدیمی باز) (قدیمی مهار ایله عوامی  
 مصطفی  
 مولانه اندی در عصر ایرانیان و ملائمه ایل سرمهده  
 هفتاد و سی هزار سهمیه در حقیقت خارج و حاشیه شرکت دارند  
 براز خداوند رق و میخانه آن سایر بیان امکنیت های این  
 کرد و مکانه بقایه رق و میخانه آن سایر بیان امکنیت های این

فدایت شوم او فاتی که نواب غفران مآب نایب السلطنه مغفور البر الله حل النور  
 بجهة انعقاد عهد نامه مبارکه دولتی در تركمان توقف داشته اند کد خدایی آنجا را محض  
 ملاحظه خدمت گداری  
 بمرحوم کربلای عباس تركمانی و آزادار و مبلغ پانزده تومن نقد و هفتاخوار و پنجاه  
 من جنس مستمری در حق جد و پدر وی برقرار  
 نموده اند ابو الفتح بیک پرسش تا کنون در سر کد خدایی آنجا برقرار و نقد و جنس مزبور  
 را تمام و کمال  
 می گیرد گویا این روزها کربلای بابا و کربلای علیه که عموهای او هستند و در خارج  
 تركمان سکنی دارند  
 میخواهند اخلاقی در عمل مستمری او به مرسانند و حال آنکه این مستمری مخصوص کسی است  
 که همیشه در تركمان مقیم و متحمل مخارج و زحمات متعددین میباشد لهذا استدعا دارم  
 بعد از ملاحظه رقم نواب غفران مآب و سایر اسناد او حکمی التفات بفرمایند مباشرین  
 امور دیوانی  
 گزمرود کما فی الساق مستمری اورا برخود عاید داشته و نگذارند احدي را مزاحم و  
 و متعرض اخوان او شود

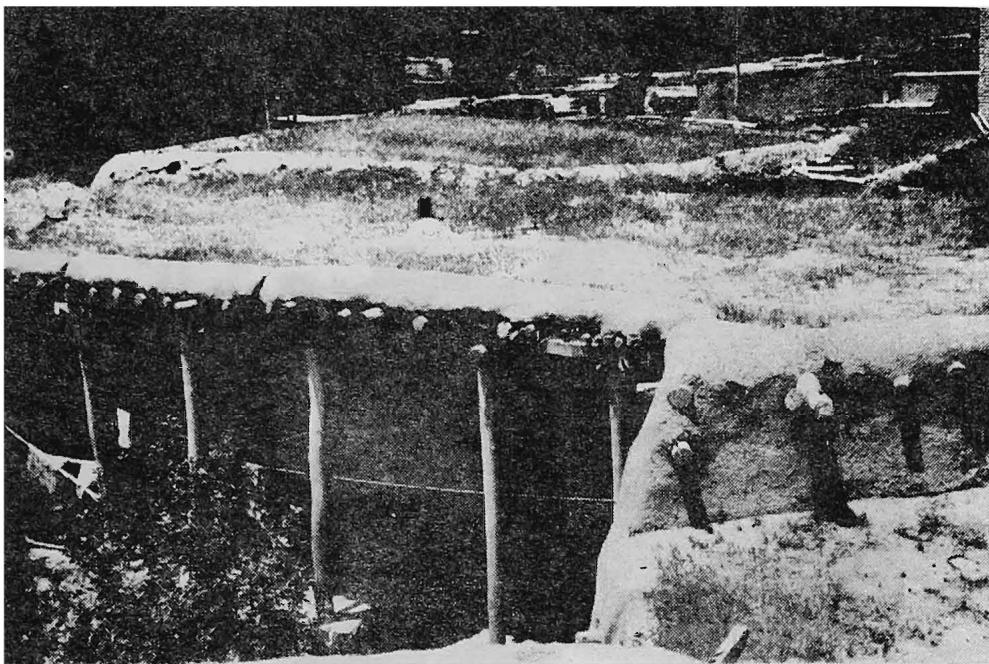
## حمام عمومی ترکمانچای منسوب به میرزا تقی خان امیرکبیر



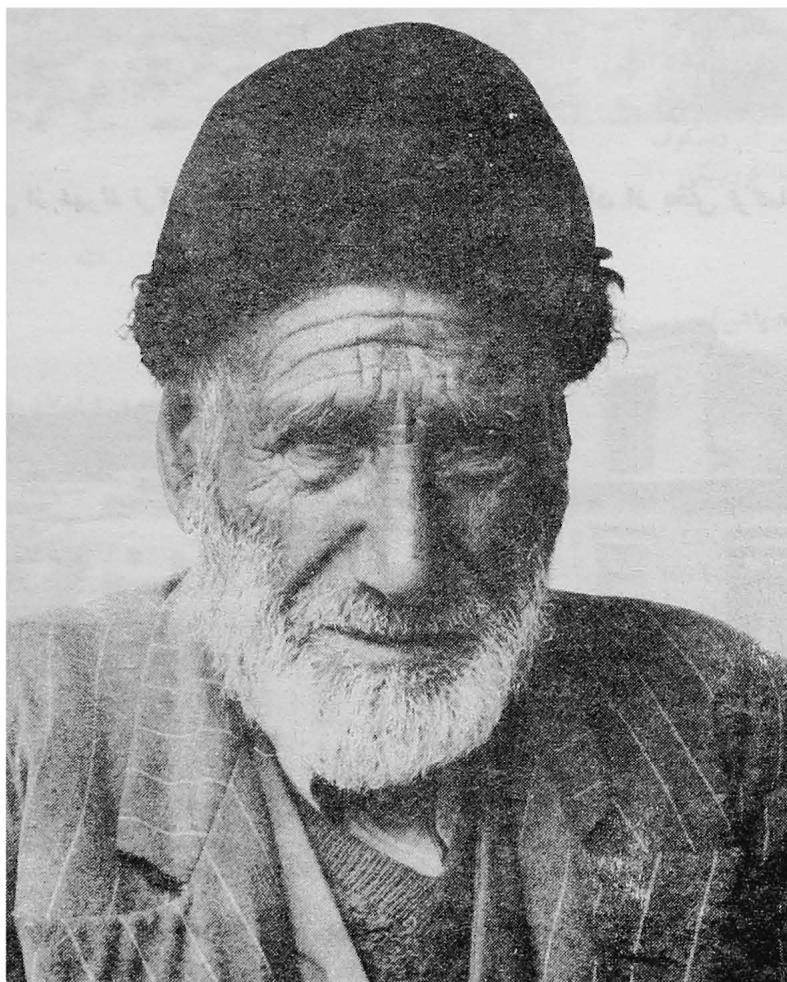
در ورودی قدیمی حمام ترکمانچای گنبد رخت کن بزرگتر از گنبد داخلی بوده  
و درستت چپ عکس مرئی است



کوشه جنو بفری حمام ترکمانچای و گنبد رخت کن



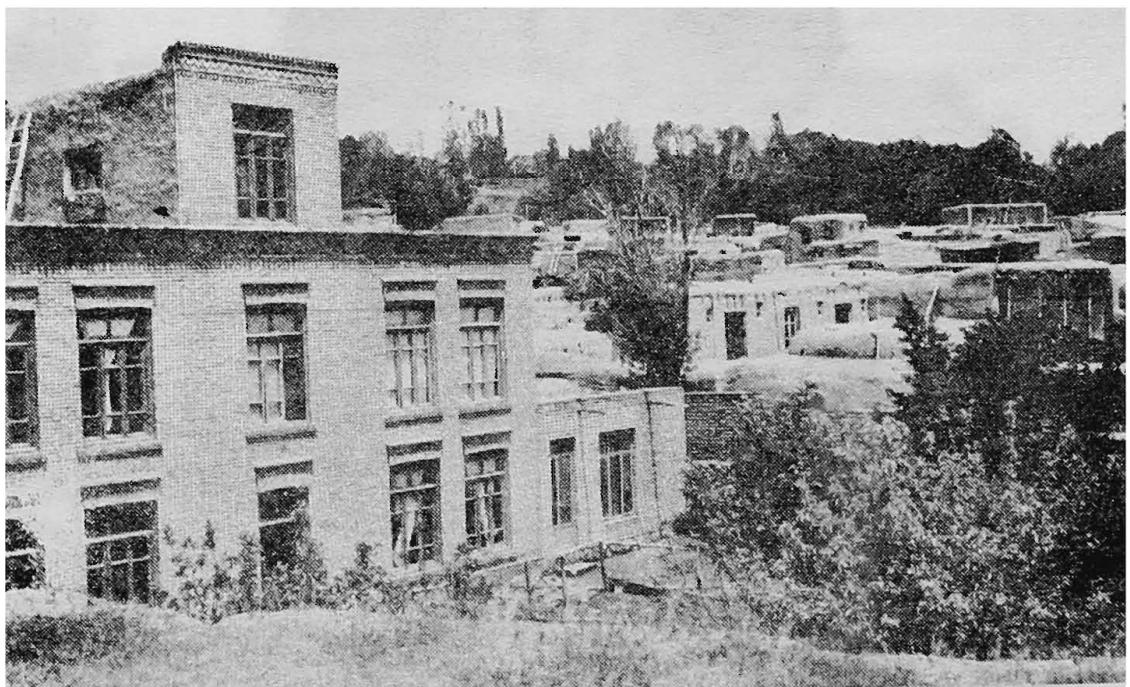
در این قسمت نواده مشهدی دین محمد ساکن است ولی در اصل محل تئور خان نواده بوده است



آقای آقا ساسانی نواده مشهدی دین محمد که از قطع مستمر یهای معمو له قدیم ناراضی میباشد



قسمتی از شهرک ترکمانچای (ترکمان) مرکز دهستان بروانان از بخش ترکمانچای



مجموعه خانه‌هاییکه متعلق به یکنفر بوده و عهدنامه در یکی از اطاقهای آن منعقد شده بود متأسفانه نوسازی شده و از بین رفته است

## فهرست اعلام

۱۵	بادیه
۸۶، ۸۴، ۶۵	باشخ
۹	برزليق
۹	بروانا
۹	بروانان
۹	بنکشن
۹	بسغان آباد
۱۱	بحر خزر
۲۰	بن اوره
۹۳	بوغاز باسان
۳۱	بی چمن جی
پ	
۳۷، ۲۹	پرشیم
۱۶۵	پطرزبورغ
۸۷	پی یه
ت	
۵۰	تاباخ جی
۱۶	تاریخ لی کوچه‌سی
۲۶ ۲۳	تایا
۱۵۹، ۱۰۱، ۵۷، ۱۱، ۱۰، ۹	تبیز
	۱۷۶، ۱۶۸
۱۵۴	ترانس فورمازور
۹	ترک
۱۸، ۹	ترکمان
۱۱، ۱۰، ۹	ترکمان چای
۱۰	ترکمان رود
۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶	ترکمن جای
۳۹، ۳۴، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۳، ۲۱	
۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۴، ۴۳، ۴۰	
۶۴، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷	
۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۶۸، ۷۶، ۶۵	
۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۶	

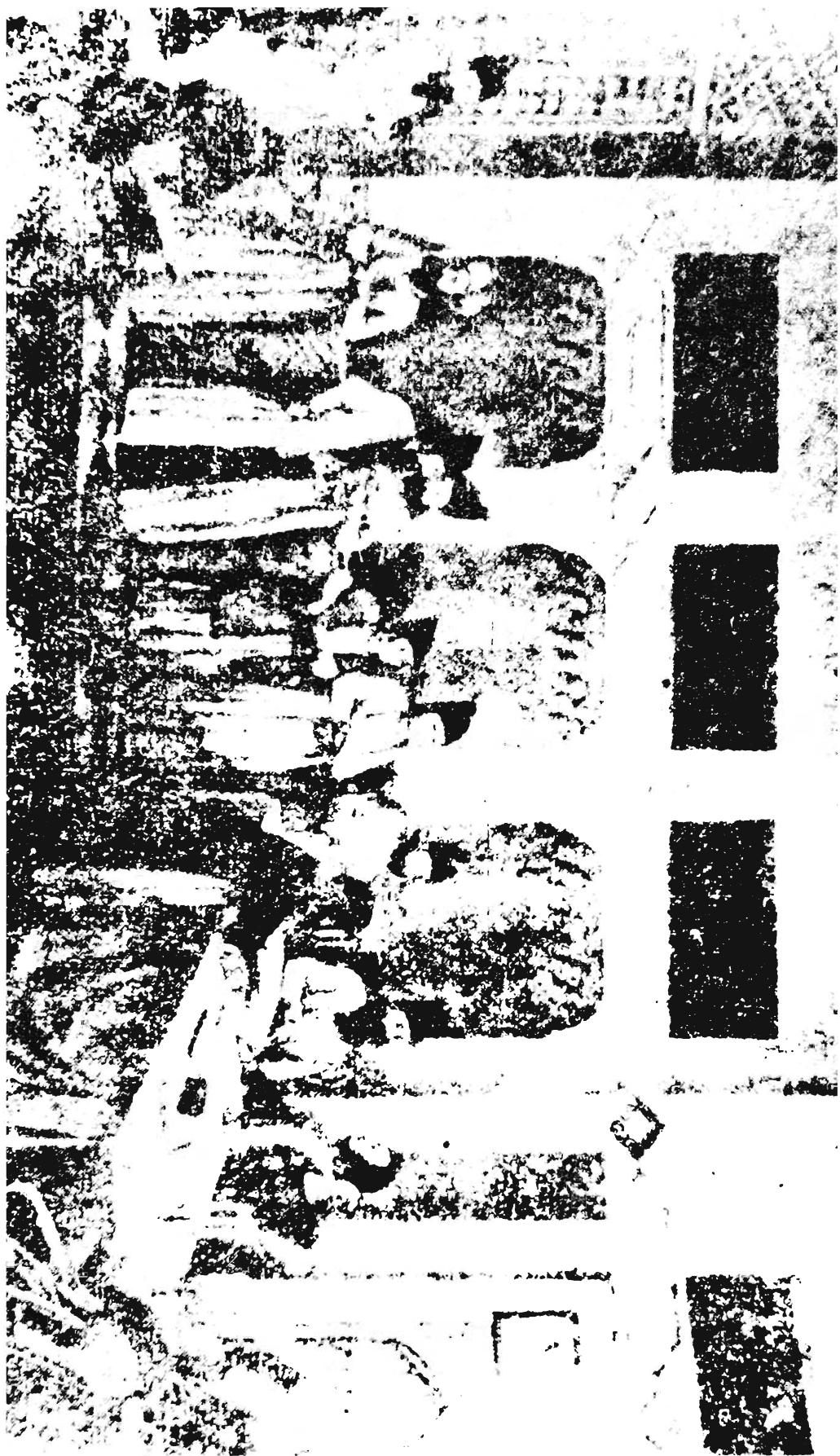
۲۰	الف
۱۴۹	آتما
۱۵۴، ۱۲۵، ۱۴	آذربایجان
۳۱	ارخ
۱۵۰، ۱۴۹	ارشق
۱۱	ارنجق
۱۵۰	آستارا (رود)
۱۰۵، ۱۶	آشاغی محله
۱۰۵	آشاغی مسجد
۱۵	آغ پل (باد سفید)
۶۳، ۶۲	آل
۱۴۷	آلکساندر ابروسکوف
۱۴۷	آلکساندر نورسکی
۲۰	آلوار
۳۵	آنادره
۱۰۵	اکبریه
۲۹	اکمه (بذرپاشی)
۹	النجرارق
۹	اوچ تپه
۳۵	اوهدرو
۳۰	اوراخ
۳۷، ۲۹، ۲۸، ۲۷	ایپ
۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۷، ۱۴، ۱۰	ایران
۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۲	
۱۶۲، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸	
۱۵۴، ۱۵۲	ایروان
ب	
۱۰۶، ۱۶	بابالی کوچه‌سی
۳۱۰	بارماخ جهل
۲۱	بایدا
۱۱۳	بایراملخ

١٦	خلیل بولاغی	، ١١٠، ١٠٥، ٩٣، ٩١، ٩٠، ٨٨، ٨٧
٩	خواجهده	، ١٣٨، ١٢٤، ١١٩، ١١٨، ١١٢
١٠	خواجغیاث (دهکده)	، ١٦٦، ١٦٢، ١٦١، ١٥٦، ١٥٥
٩٣	خورزک	١٦٨
	<b>د</b>	
٨٩	داراخلاماخ	تندیز
١٥	داعیلی (بادکوهستان)	تهران
٤٢	داوارجنخ	تیرچائی
٣٣	دج	تیکه
١٥٢	دریاچه ارومی	
١٠	دهخدا	
٣٤	دیرمان	
٢٧	دیمسولو	
١٦	دینی بولاغی	
	<b>ذ</b>	
٥٢	ذاکر علی ابراهیمی	
	<b>ر</b>	
١١	رشت	
٣٤	رفیده	
١٥٣	رود ارس	
١٥٣	رود جفتور	
١٥٣	رود فزل اوزن	
، ١٥٢، ١٥٠، ١٣٨، ١٣٧	روسیه	چanax
، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٧، ١٥٦، ١٥٣		چanax بولاغی
١٦٠		چای بولاغی
	<b>ز</b>	
١٠٥	زینبیه	چرشه به بازاری
	<b>ژ</b>	
١٤٧	زان پاسکوهویج	چرشنه لاخ
	<b>س</b>	
١٣٩	ساری قمیش	چرشه یمه میشی
٥٦، ٥٥، ٥٣	ساغنوش	چله داغی
٩	سراب	چمن سلطانیه
٩١	سخماجا	
١٧	سباشی (دهکده)	
٣٧	سوواراخ	
٥٦، ٥٥، ٥٣	سولنوش	
١٧	سید دواری (دهکده)	
	<b>ش</b>	
١٦٥، ١٦٠، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٧	شارزاد فر	
		<b>ج</b>
٣٥		جال قفقاز
١٧٦، ٥٧		جره
٩		جمهوق (رود)
٦٠، ٢٧		
		<b>ج</b>
٣٣		چanax
١٧		چanax بولاغی
١٦		چای بولاغی
١١٢		چرشه به بازاری
١١٤، ١٠٨		چرشنه لاخ
١١٤، ١٠٨		چرشه یمه میشی
٥٨		چله داغی
١٦٢		چمن سلطانیه
		<b>ح</b>
١٤٧		حاجی ترخان
		حاجی لار کوچه‌سی (کوچه حاجی لار)
١٠٥، ١٤		١٠٥، ١٤
٢٠		حالی
١٥٢		حسن خان
١٥٢		حسین خان سردار ایروان
١٦٦		حسین ساسانی
١٠٦، ١٠٥		حسینیه
٥٨		حضرت امام حسین (ع)
٦٤		حضرت زهرا (ع)
٦١		حضرت عومی (ع)
٦١		حضرت مریم (ع)
١٦		حمزه علی کوچه‌سی (کوچه حمزه علی)
		<b>خ</b>
١٥٣، ١٥٣، ١٣٨		خانات
١٥٣، ١٥١، ١٥٠		خرز (دریا)
٣٥		خشنه

۱۷		کول دیم
۳۱		کول گندریک
۴۱، ۱۹		کوم
۱۶	گ	کیر بیت لی کوچه سی
۱۶۲، ۱۴۷		گرجستان
۲۵، ۲۳		گزنه
۲۶		گلیف
۴۲		گورداخ
۴۱	م	گوموجه
۱۱		مازندران
۱۰		مازندران (دریاچه)
۲۸		مجتبی موسوی
۱۰		مرآت‌البلدان
۶۰، ۵۹، ۵۷، ۵۳، ۴۵		مسلم شیرچنگ
۳۸، ۲۹		موماگران
۱۰۵		مسجد جامع (رسول الله)
۱۰۵		مسجد مهدی
۱۶		مهدی‌لی بولاغی
۱۰۵، ۱۶		مهدی‌لی محله‌سی
۱۱		مهمان‌دوست
۴۲، ۱۱، ۱۰، ۹		میانه
۲۳	ن	میرزا تقی خان امیر کبیر
۴۱		فاخر جی
۲۳		ناصر الدین شاه
۱۵۴، ۱۵۲، ۱۴۸		نجوان
۱۹	و	نین
۳۴		وردنہ
۱۰		ورزقان (دهکده)
۱۰		ورن کش (دهکده)
۳۵	ه	وریان
۳۹		هامپا
۱۹۸		هرات
۲۴، ۲۰	ی	یاپ با
۵۹		یریک‌له‌مک

۱۱		شهرود (رود)
۳۳		شن
۱۱		شهر جامی
۱۷		شهر خرامان
۴۳، ۱۸	ص	صومعه سفلی (دهکده)
۱۴۹	ط	طالش
۱۴۸، ۱۵۱	ع	عباس‌میرزا (زاپ‌السلطنه)
۱۰۵	ع	عباسیه
۴۹، ۴۳، ۱۸، ۱۱	غ	غريب‌دوست
۱۷	ف	فتح‌الله‌کلنتر
۱۷	ق	قاجاریه
۱۷		قارآ‌آغا‌اشلیق (دهکده)
۱۰۵		قاسمیه
۱۴		قبر عثمانی
۱۵۳		قراباغ
۱۱		قزل‌اوzen
۱۴۷، ۱۰		قفقاز
۱۴۹		قله جکیر
۱۵۰		قله کمر قوئی
۲۲		فورچی
۱۰۳، ۱۰۰، ۴۶		قول‌موخ‌چی
۱۷		قویچاخ
۱۶	ك	کرت‌لر کوچه‌ی
۲۴، ۲۰		کرمه
۱۵۲		کریم‌خان (حاکم نجوان)
۶۸		کس کاج
۹		کلاله
۲۶		کلیدان
۶۹		کورت‌شیلمنگ
۱۱		کورده‌ده (دهکده)
۱۳، ۱۱		کوسه‌لر یا کوه‌سالار (دهکده)

عباس میرزا در جلسه معاہدہ صلح ایران و روسیه در ترکمانچای





۱۳۵. ریال